

بررسی تحولات مهم بازار کار ایران
در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶

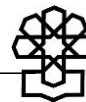
معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۶۰۲۰
شهریورماه ۱۳۹۷

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۴.....	مقدمه
۵.....	۱. افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت
۱۴.....	۲. افزایش تعداد شاغلان
۱۶.....	۱-۲. ویژگی‌های شاغلان اضافه شده به بازار کار در سه سال و نیم منتهی به زمستان ۱۳۹۶
۱۹.....	۲-۲. ویژگی‌های مشاغل اضافه شده در سه سال و نیم منتهی به زمستان ۱۳۹۶
۲۶.....	۳. بیکاری
۳۲.....	جمع‌بندی
۳۴.....	پیوست‌ها



بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶

چکیده

- با توجه به تحولات شتابان و مهم بازار کار کشور در فصول اخیر، تمرکز بیشتر بر تحلیل کوتاه‌مدت این بازار می‌تواند حاوی اطلاعات ارزشمند و حتی رفع‌کننده ابهام‌ها و برخی سؤالات موجود درخصوص این تحولات باشد. بر این اساس گزارش حاضر، نقطه شروعی برای بررسی تحولات فصلی بازار کار در مرکز پژوهش‌های مجلس است که در گام نخست به بررسی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ می‌پردازد و در گزارش‌های آتی، رخدادهای مهم فصول جدید در مقایسه با تحولات این ۱۴ فصل بررسی خواهند شد. این گزارش با تمرکز بر تحولات ۱۴ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ که دوره جدیدی در بازار کشور است به بررسی ابعاد و جزئیات اتفاقات مهم این دوره می‌پردازد.
- یکی از اصلی‌ترین تحولات سال‌های اخیر تغییر روند نرخ مشارکت از نیمه سال ۱۳۹۳ است. از پاییز سال ۱۳۹۳ یک تغییر بنیادی در بازار کار کشور بروز کرده است که می‌توان از آن به‌عنوان آغاز دوره‌ای جدید یاد کرد. دوره‌ای که مشخصه آن تغییر تصمیم‌جوانان برای ورود به بازار کار است. در نتیجه این تغییر، طی ۳/۵ سال منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ بیش از ۳ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شده است که در مقایسه با عدم افزایش جمعیت فعال در دوره ۱۰ ساله قبل از آن تغییر قابل ملاحظه‌ای است.
- بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت طی ۳/۵ سال منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶، تحولی است که زنان، جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی و متولدان دهه ۱۳۷۰ نقش پررنگی در ایجاد آن داشته‌اند، همچنین تحول یاد شده پدیده‌ای عمدتاً شهری است که با وجود فراگیر بودن آن در کل کشور، در برخی استان‌ها از جمله یزد، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی و کرمان شدت این افزایش به مراتب بیش از استان‌های دیگر بوده است.
- از پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶ تغییرات بنیادی در برخی روندهای بازار کار کشور رخ داده است که از آن جمله به افزایش نرخ مشارکت و جمعیت فعال اشاره شد. اما تحول ویژه‌تر طی این دوره آن است که بیش از ۷۰ درصد جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، شاغل شده‌اند. بررسی آمارهای بازار کار نشان می‌دهد طی ۳/۵ سال منتهی به زمستان ۱۳۹۶ همواره جمعیت شاغل افزایش یافته است. به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل ۷۰۶ هزار نفر به جمعیت شاغل

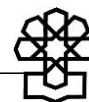
افزافه شده است. اضافه شدن بیش از ۲ میلیون نفر طی ۳ سال به جمعیت حدوداً ۲۱ میلیون نفری شاغلان کشور رخداد بسیار مهمی است. به‌خصوص آنکه در شرایطی این اتفاق رخ داده است که انتظار چنین عملکردی برای افزایش اشتغال غیرممکن به‌نظر می‌رسید.

- در گزارش حاضر تمرکز اصلی بر ویژگی‌های جمعیت شاغل افزوده شده به بازار کار در ۱۴ فصل بررسی می‌شود. بدین‌معنا که افزایش جمعیت در چه گروه‌هایی (جسنت، سکونت، استان، تحصیلات و سن) رخ داده و ویژگی‌های شغلی شاغلان جدید از منظر دارا بودن بیمه، بخش اقتصادی، اشتغال ناقص، اندازه بنگاه و وضعیت شغلی (کارفرما، کارکن مستقل، حقوق‌بگیر و ..) در مقایسه با ساختار بازار کار کشور در سال‌های گذشته چگونه است.

- بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد افزایش اشتغال طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ عمدتاً در بخش خدمات و بنگاه‌های بسیار کوچک (دارای کمتر از ۴ نفر کارکن) و با وضعیت شغلی «کارکن مستقل» بوده است که سهم کمتری از این اشتغال ایجاد شده (نسبت به گذشته) دارای پوشش بیمه به واسطه شغل خود بوده‌اند و سهم بیشتری (نسبت به گذشته) دارای اشتغال ناقص هستند و تمایل دارند شغل تمام وقتی داشته باشند.

- بنابراین اشتغالی که طی دوره مورد بررسی محقق شده اشتغالی است که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با ترکیب اشتغال کشور طی دهه قبل از دوره جدید دارد. زیرا از یکسو شاهد حضور پررنگ‌تر زنان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بازار کار هستیم و ازسوی دیگر اشتغال ایجاد شده اشتغالی است که نه توسط بخش دولتی یا شرکتی و کارخانه‌ای، بلکه توسط بخش غیرشرکتی و با تمرکز بر خدماتی مانند خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرات، حمل‌ونقل، واسطه‌گری، خدمات مواد غذایی و ... ایجاد شده است. گویا جوانان کشور به‌واسطه نیاز برای تأمین معیشت و در دوره‌ای که تقاضای نیروی کار توسط شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متوسط و بزرگ بسیار محدود بوده است، خود اقدام به ایجاد مشاغل و ارائه خدماتی برای گذران زندگی خود کرده‌اند. لذا این مشاغل که با وضعیت شغلی «کارکن مستقل» طبقه‌بندی می‌شود، دارای قرارداد به‌معنای متعارف بین بنگاه‌های اقتصادی و کارکنان خود نیستند و تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد. از طرفی ممکن است چنین مشاغلی از قابلیت مناسبی برای اشتغال تمام‌وقت افراد برخوردار نباشد، ازاین‌روی شاهد افزایش سهم اشتغال ناقص در این دوره هستیم.

- از طرفی جنس اشتغال ایجاد شده طی ۳/۵ سال منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶، به‌خصوص در فصول مؤخرتر، از جنسی است که نمی‌توان آن را به سیاست‌های اقتصادی دولت، به‌خصوص سیاست‌هایی که با عنوان سیاست‌های اشتغال‌زایی یاد می‌شود نسبت داد. برای مثال تعیین ایجاد چند ده هزار شغل توسط هریک از دستگاه‌های دولتی مانند وزارتخانه‌های مختلف یا تزریق منابع توسط



دولت یا ارائه تسهیلات توسط نظام بانکی در قالب طرح‌های مختلف اشتغال روستایی و اشتغال فراگیر تطابق مناسبی با ویژگی‌های احصا شده برای اشتغال فصول مورد بررسی ندارد. زیرا کارکنان مستقل در بنگاه‌های خرد دسترسی به چنین منابعی نخواهند داشت. البته ممکن است چنین عملکردی در افزایش اشتغال را بتوان به ثبات نسبی شرایط اقتصادی تا پیش از زمستان سال ۱۳۹۶ و پیش از ناآرامی‌های آن دوره در بازارهای دارایی و کالا نسبت داد (تحولات وضعیت بازار کار در فصل بهار سال ۱۳۹۷ برای بررسی اثرپذیری اشتغال از نوسانات قیمت در بازارهای مختلف بسیار مهم خواهد بود). اما شواهد موجود نشان می‌دهد سیاست‌های دولت که عمدتاً بخش‌های شرکتی و بنگاه‌های متوسط و بزرگ را هدف قرار می‌دهد، بی‌ارتباط یا کم‌ارتباط با عملکرد بازار کار در ۱۴ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ بوده است.

- طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ نزدیک به ۳ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شد. در چنین شرایطی اگر اقتصاد نتواند به میزان مورد نیاز شغل ایجاد کند، تعداد بیکاران و نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت. با وجود افزایش ۲ میلیون نفری جمعیت شاغل طی دوره مورد بررسی، این میزان برای کاهش نرخ بیکاری یا حتی تثبیت آن کفایت نکرده است. زیرا نزدیک به یک میلیون نفر به جمعیت بیکار اضافه شده که این موضوع افزایش نرخ بیکاری را در فصول مورد بررسی در پی داشته است.

- با توجه به افزایش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری در فصول مورد بررسی، نرخ‌های بیکاری جوانان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در وضعیت نامطلوبی نسبت به سال‌های گذشته قرار گرفته است. برای مثال نرخ بیکاری زنان جوان (۱۵ تا ۲۹ سال) دارای تحصیلات دانشگاهی در استان‌های کردستان، کرمان، اردبیل و کرمانشاه به ترتیب ۸۴/۹، ۷۹/۵، ۷۸/۲ و ۷۶/۴ درصد است. این ارقام بیانگر یک وضعیت بسیار نامتعادل در استان‌های مختلف کشور است و با وجود کاهش جزئی نرخ بیکاری در فصل تابستان و زمستان سال ۱۳۹۶ همچنان این ارقام نگران‌کننده و بحران‌زاست. مشاهده نرخ‌های بیکاری جوانان، زنان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در استان‌های مختلف و یادآوری اعتراضات زمستان سال ۱۳۹۶ هشدار می‌دهد که لزوم تغییر مسیر اقتصاد ایران را بیش از پیش نمایان می‌کند.

- لازم است سیاست‌گذاران کشور توجه داشته باشند نوسانات اقتصادی اخیر که با وجود هشدارهای مداوم کارشناسان اقتصادی، اقداماتی برای جلوگیری از آن صورت نگرفت، می‌تواند تبعات اقتصادی و در پی آن تبعات اجتماعی-سیاسی داشته باشد.

- بررسی تجارب جهانی در زمینه اشتغال‌زایی و سیاست‌های بازار کار و همچنین شرایط کنونی اقتصاد ایران نشان می‌دهد هیچ راه میانبری برای کاهش فوری بیکاری و ایجاد اشتغال گسترده وجود ندارد. این تصمیم با توجه به مجموعه بزرگ‌تری از متغیرهای اقتصادی در سطح خرد و کلان و قواعد و قوانین حاکم بر بازار کار اتخاذ می‌شود.

- تعادل بازار کار برآیند عملکرد سایر بازارها و بخش‌های یک اقتصاد است. بنابراین لازم است برای بهبود

پایدار شرایط بازار کار، اصلاحات اقتصادی در بازارها و بخش‌های مختلف اقتصاد در کنار سیاست‌های ویژه بازار کار و سیاست‌های حمایتی در قالب یک مجموعه به هم پیوسته مد نظر قرار گیرد.

- به‌طور ویژه اصلاح سیاست‌های پولی، مالی، مالیاتی و ارزی برای ثبات بخشیدن به فضای اقتصاد کلان، اصلاح سیاست‌های اعتباری، اصلاح نظام بانکی و سامان‌بخشی به بازار پول برای سهولت دسترسی به بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران به منابع مالی، ایجاد شرایطی رقابتی در بازارهای مختلف و بهبود محیط کسب‌وکار از طریق واگذاری بنگاه‌های دولتی، عدم مداخله در قیمتگذاری محصولات در بازار کالا، تدوین و تصویب قانون رقابت برای تقویت حقوق مالکیت و کاهش انحصارات، مقررات‌زدایی برای شروع کسب‌وکارها، تعیین نقش و مأموریت بنگاه‌های عمومی غیردولتی در اقتصاد، اصلاح سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای و اصلاح شرایط بازار انرژی از شروط لازم برای بهبود وضعیت بازار کار و ایجاد اشتغال است.

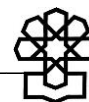
- در کنار این موارد، اصلاح برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، بهبود عملکرد کاریابی‌ها و برداشتن موانع خاص توسعه هر یک از بخش‌های اقتصادی و رشته فعالیت‌های منتخب در قالب سیاست‌های فعال و اصلاح نظام تأمین مالی برای افزایش دسترسی بنگاه‌های خرد و کوچک به منابع مالی از جمله مواردی هستند که می‌توانند به‌عنوان مکملی بر سیاست‌های بند قبل به بهبود شرایط بازار کار منتج شوند.

- همچنین اصلاح قوانین مرتبط با بازار کار و اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب مانند اصلاح ساختار بیمه بیکاری و حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر و شاغلان دارای مشاغل کم کیفیت در چارچوب نظام تأمین اجتماعی، شرایطی را فراهم می‌آورد که بتوان رشدی اشتغال‌زا و ضد فقر را تجربه کرد.

مقدمه

طی چند فصل اخیر بازار کار کشور با سرعت زیادی در حال تغییر و تحول بوده است؛ افزایش تعداد شاغلان در ابعادی که فراتر از انتظار سیاستگذاران و باور مردم است در کنار افزایش سریع نرخ مشارکت، شرایط متفاوتی نسبت به سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تا ابتدای دهه ۱۳۹۰ را در بازار کار رقم زده است. زیرا در دوره مورد اشاره خالص تغییرات اشتغال سالیانه بسیار پایین بود و کاهش نرخ مشارکت نیز سبب می‌شد با وجود عدم افزایش تعداد شاغلان، نرخ بیکاری افزایش نیابد. بنابراین افزایش تعداد شاغلان و نرخ مشارکت طی سه سال اخیر کاملاً در خلاف جهت تحولات یک دهه قبل از آن قرار دارد. به‌خصوص در شرایط اقتصادی سال‌های اخیر، مشاهده روند افزایشی تعداد شاغلان سبب بروز سؤال‌ها و ابهام‌هایی درخصوص چگونگی تحقق آن شده است.

با توجه به چنین تحولات شتابان و مهمی در بازار کار، تمرکز بیشتر بر تحلیل تحولات کوتاه‌مدت این بازار می‌تواند حاوی اطلاعات ارزشمند و حتی رفع‌کننده ابهام‌ها و برخی سؤالات موجود باشد. بر



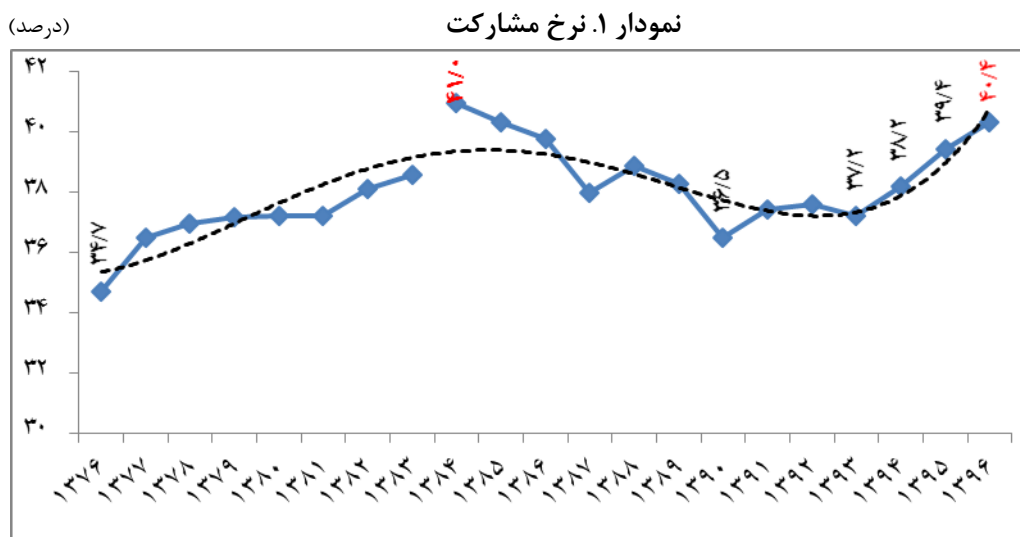
این اساس گزارش حاضر، نقطه شروعی برای بررسی تحولات فصلی بازار کار در مرکز پژوهش‌های مجلس است که در گام نخست به بررسی ۱۴ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ می‌پردازد و در ادامه فصول جدید در مقایسه با تحولات این ۱۴ فصل بررسی خواهند شد. نقطه تمایز گزارش حاضر با دیگر گزارش‌هایی که به بررسی تحولات فصلی بازار کار می‌پردازند، رویکرد آن در مواجهه با تحولات جدید است؛ همان‌طور که توضیح داده شد سؤالات و ابهامات زیادی درخصوص تحولات اخیر بازار کار وجود دارد. از این‌روی در گزارش‌های فصلی مرکز پژوهش‌های مجلس تلاش می‌شود با آگاهی نسبت به سؤالات و ابهام‌هایی که سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران درخصوص تحولات کوتاه‌مدت بازار کار دارند، خروجی‌هایی مناسب برای پاسخگویی به آنها استخراج شود. لذا در هریک از گزارش‌های این مجموعه تلاش می‌شود به فهرستی از سؤالات درخصوص عمده تحولات فصول مورد بررسی پاسخ داده شود. در گزارش حاضر تمرکز اصلی بر ویژگی‌های جمعیت شاغل افزوده شده به بازار کار در ۱۴ فصل مورد بررسی است. بدین معنا که افزایش جمعیت در چه گروه‌هایی (جنسیت، سکونت، استان، تحصیلات و سن) رخ داده است و ویژگی‌های شغلی شاغلان جدید از منظر دارا بودن بیمه، بخش اقتصادی، اشتغال ناقص، اندازه بنگاه و وضعیت شغلی (کارفرما، کارکن مستقل، حقوق‌بگیر و ..). در مقایسه با ساختار بازار کار کشور چگونه بوده است.

در گزارش پیش‌رو چکیده فشرده‌ای از بررسی‌های انجام شده ارائه می‌شود و خوانندگان می‌توانند برای اطلاع از آمارهای تفصیلی و تعاریف و مفاهیم به پیوست‌های گزارش رجوع کنند.

۱. افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت

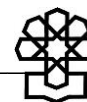
روند تغییرات نرخ مشارکت طی دو دهه گذشته و مقایسه آن با سایر متغیرهای اقتصادی و جمعیتی از جمله سؤال برانگیزترین روندها در اقتصاد ایران است. کاهش دور از انتظار این نرخ از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ با وجود بیشترین سهم جمعیت جوان در این دوره تا افزایش سریع و البته قابل پیش‌بینی این نرخ از سال ۱۳۹۳ به بعد تحولاتی است که تشخیص و تبیین علل آن همچنان نیاز به پژوهش‌های بیشتر و عمیق‌تری دارد. یکی از اصلی‌ترین تحولات سال‌های اخیر تغییر جهت نرخ مشارکت از نیمه سال ۱۳۹۳ است. نرخ مشارکت اقتصادی در ایران از نیمه دهه ۱۳۷۰ روندی افزایشی را آغاز کرد و تا سال ۱۳۸۴ این روند افزایشی ادامه یافت، به‌طوری که بیشترین نرخ مشارکت کشور در سال ۱۳۸۴ رقم خورد و این نرخ به ۴۱ درصد رسید. اما از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ نرخ مشارکت روند کاهشی را آغاز می‌کند (نمودار ۱) و ۴ درصد از نرخ مشارکت در این مدت کاسته می‌شود. البته از پاییز سال ۱۳۹۳ این روند معکوس شده است و با شتاب نسبتاً زیادی، نرخ مشارکت روندی صعودی را آغاز کرده است و در سال ۱۳۹۶ به کمترین فاصله از بیشینه نرخ مشارکت در اقتصاد ایران (۴۱ درصد در سال

۱۳۸۴) می‌رسد. نمودار ۱ نشان می‌دهد کاهش حدود ۴ درصدی نرخ مشارکت طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ طی ۳ سال جبران می‌شود.

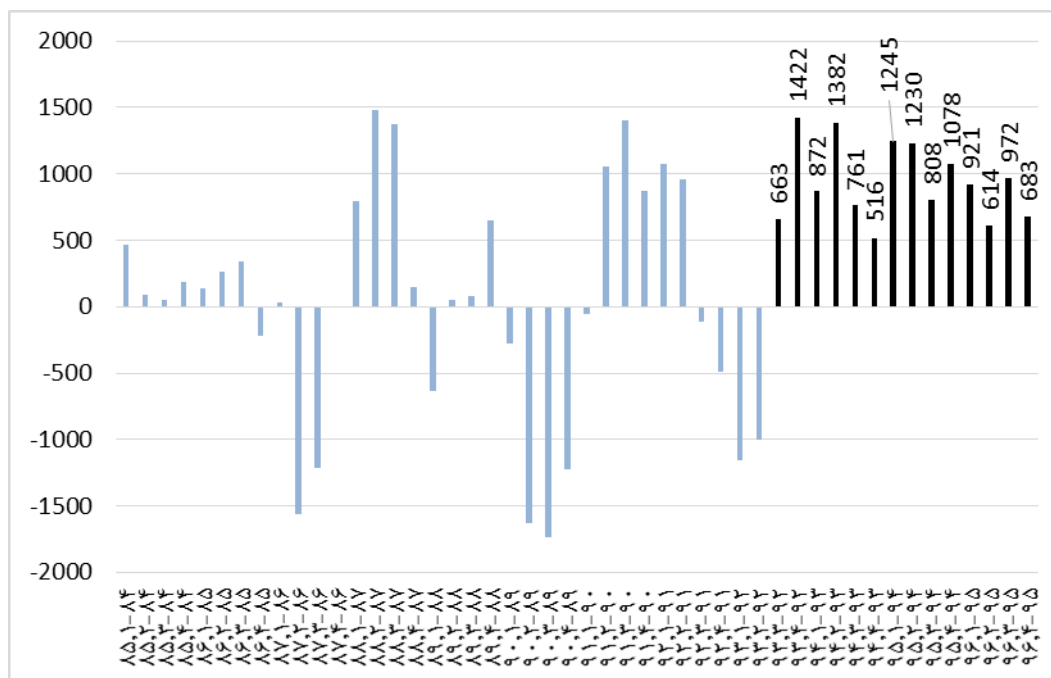


مأخذ: محاسبات محققین از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، مرکز آمار ایران.

همان‌طور که توضیح داده شد نقطه عطف تغییر نرخ روند نرخ مشارکت پاییز سال ۱۳۹۳ است. تا پیش از آن نرخ مشارکت با وجود نوسانات فصلی، در تداوم روند نزولی خود که از سال ۱۳۸۴ آغاز شده بود، قرار داشت. اما از پاییز سال ۱۳۹۳ به بعد این روند به کلی تغییر می‌کند. در نمودار ۲ این تغییر به‌نحو بهتری نشان داده شده است. نمودار ۲ افزایش جمعیت فعال در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن را نشان می‌دهد. تا پیش از پاییز ۱۳۹۳ جمعیت فعال در دوره‌ای افزایش و در دوره‌ای دیگر کاهش می‌یافت. اما از پاییز سال ۱۳۹۳ به بعد و به مدت ۱۴ فصل، در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن، جمعیت فعال افزایش یافته است. لذا این تغییرات را نمی‌توان به‌عنوان نوسانات دوره‌ای، مانند نوسانات سال‌های قبل از آن، تفسیر کرد. بلکه از پاییز سال ۱۳۹۳ یک تغییر بنیادی در بازار کار کشور بروز کرده است که می‌توان از آن به‌عنوان آغاز دوره‌ای جدید یاد کرد. دوره‌ای که مشخصه آن تغییر تصمیم‌جوئان برای ورود به بازار کار و خارج نماندن از بازار کار به‌منظور تحصیلات، خانه‌داری یا علل دیگر است. طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ به‌طور متوسط در هر فصل ۹۶۰ هزار نفر به جمعیت فعال اضافه شده‌اند. بدین‌معنا که طی سه سال منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ بیش از ۳ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شده که در مقایسه با عدم افزایش جمعیت فعال در دوره قبل از آن افزایش قابل‌ملاحظه‌ای است. در نمودار ۱ پیوست نرخ مشارکت به تفکیک فصول مختلف ترسیم شده است که تغییر روند نرخ مشارکت از پاییز سال ۱۳۹۳ به بعد، در آنها به خوبی قابل مشاهده است.



نمودار ۲. افزایش جمعیت فعال در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل (هزار نفر)



مأخذ: همان.

مشاهده موج ورود جمعیت فعال به بازار کار و افزایش نرخ مشارکت این سؤال را در پی دارد که افزایش جمعیت فعال ناشی از ورود چه گروه‌هایی به بازار کار بوده است؟ در این خصوص پنج ویژگی مورد بررسی قرار گرفته است؛

۱. جنسیت،

۲. شهری یا روستایی بودن افراد،

۳. افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا افراد غیردانشگاهی،

۴. گروه‌های سنی،

۵. استان محل سکونت.

درواقع در این قسمت نشان داده می‌شود که افزایش جمعیت فعال در ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ عمدتاً ناشی از ورود چه افرادی به بازار کار بوده است. در این خصوص لازم است دو موضوع از یکدیگر تفکیک شود؛

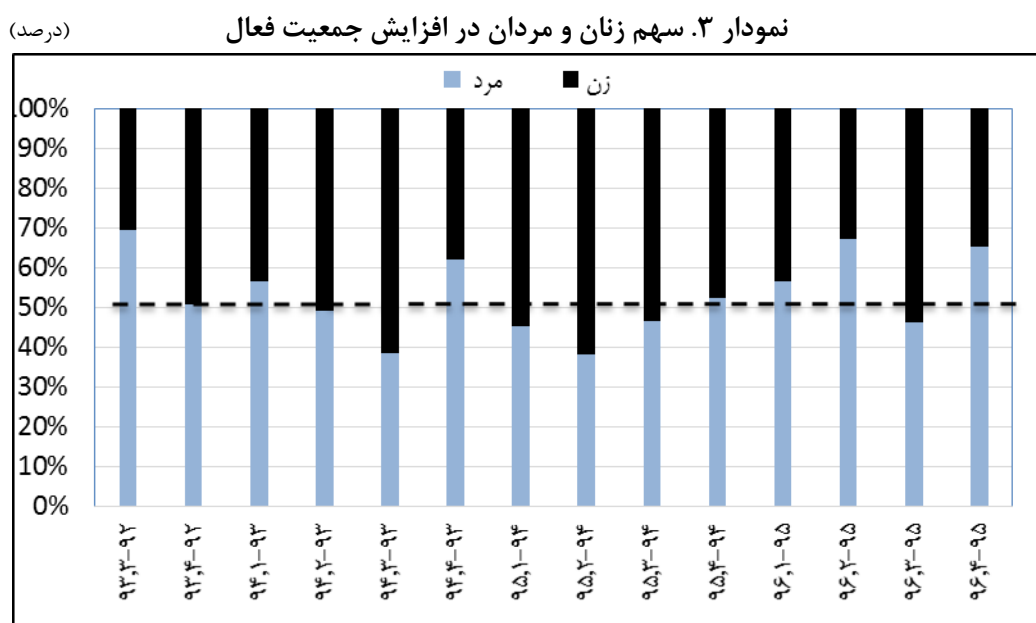
۱. ساختار بازار کار کشور از نظر ویژگی‌های نامبرده،

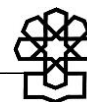
۲. ترکیب جمعیت فعال اضافه شده به بازار کار از منظر ویژگی‌های پنج‌گانه مذکور.

بدین معنا که در قسمت‌های آتی برای آنکه تصویر روشنی از تحولات بازار کار کشور در فصول اخیر ارائه شود، ویژگی‌های جمعیت فعال «اضافه شده به بازار کار» با ویژگی‌های ساختاری بازار کار

طی دهه قبل از فصول اخیر مورد مقایسه قرار می‌گیرد. این مقایسه می‌تواند نشانگر تحولات خاص دوره اخیر باشد، تحولاتی که در آینده نزدیک ساختار بازار کار را از نظر ویژگی‌های جنسیتی و تحصیلی تغییر خواهد داد.

– جنسیت: ساختار بازار کار کشور از نظر جنسیتی بسیار نامتقارن است. به‌طوری که زنان همواره کمتر از ۲۰ درصد جمعیت فعال را تشکیل داده‌اند. طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به‌طور متوسط ۱۸/۲ درصد از جمعیت فعال را زنان تشکیل داده‌اند (نمودار ۲ پیوست). اما ترکیب جنسیتی جمعیت افزوده شده به جمعیت فعال طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ کاملاً متفاوت از ساختار جنسیتی بازار کار کشور است. نمودار ۳ نشان می‌دهد طی ۱۴ فصل اخیر تقریباً نیمی از جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، زنان بوده‌اند. در برخی فصول ۶۰ درصد جمعیت فعال جدید را زنان تشکیل داده‌اند. این موضوع نشان از تغییر ساختار جنسیتی بازار کار ایران طی سال‌های آتی دارد.





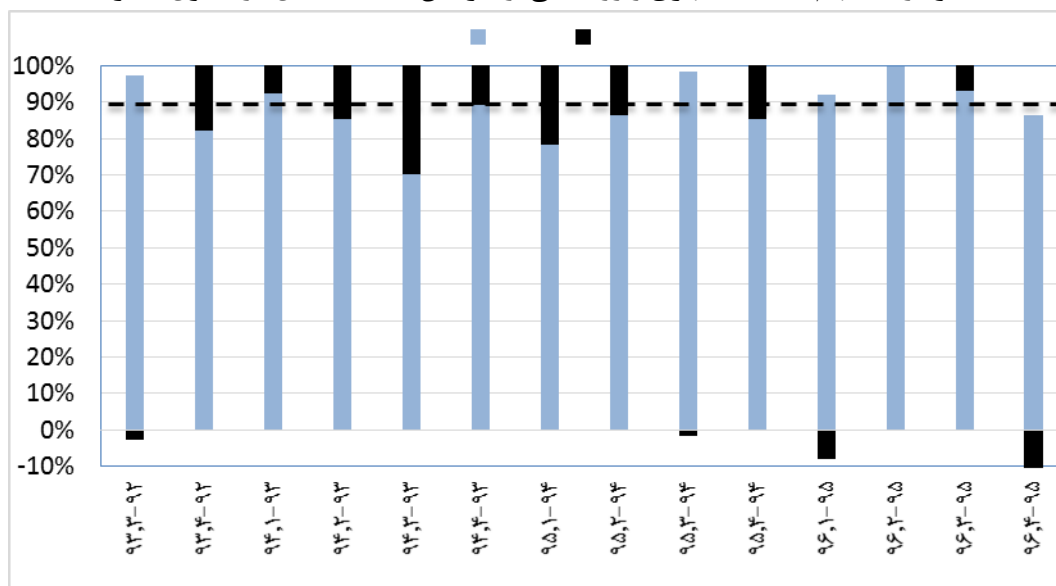
خواهد شد و نیاز است برای جلوگیری از جهش نرخ بیکاری زنان، پتانسیل‌های ایجاد اشتغال مناسب برای زنان در اقتصاد کشور ایجاد شود.

جدول ۱. مقایسه افزایش نرخ مشارکت زنان و مردان در فصول مختلف سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۳

عنوان	مردان	زنان	کل
افزایش نرخ مشارکت در فصول بهار (سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۳)	۲/۶	۴/۲	۳/۵
افزایش نرخ مشارکت در فصول تابستان (سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۳)	۲/۵	۴/۸	۳/۸
افزایش نرخ مشارکت در فصول پاییز (سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۹۳)	۱/۲	۴/۱	۲/۵

– شهری – روستایی: در نمودار ۵ پیوست ترکیب جمعیت فعال کشور به تفکیک شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ نشان داده شده است. براساس این نمودار به‌طور متوسط ۳۰ درصد از جمعیت فعال کشور را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. اما در این خصوص نیز تحولات فصول اخیر متفاوت از ساختار بازار کار در گذشته است. طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ بیش از ۸۰ درصد افراد اضافه شده به جمعیت فعال در مناطق شهری سکونت داشته‌اند (نمودار ۴). این موضوع سبب خواهد شد با سرعت بیشتری سهم جمعیت شهری از جمعیت فعال در سال‌های آتی افزایش یابد. برای اطلاع از نرخ مشارکت جمعیت شهری و جمعیت روستایی کشور و تحولات آن در فصول اخیر به نمودارهای ۶ و ۷ پیوست رجوع شود.

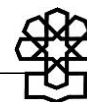
نمودار ۴. سهم جمعیت شهری و روستایی از افزایش جمعیت فعال در فصول اخیر



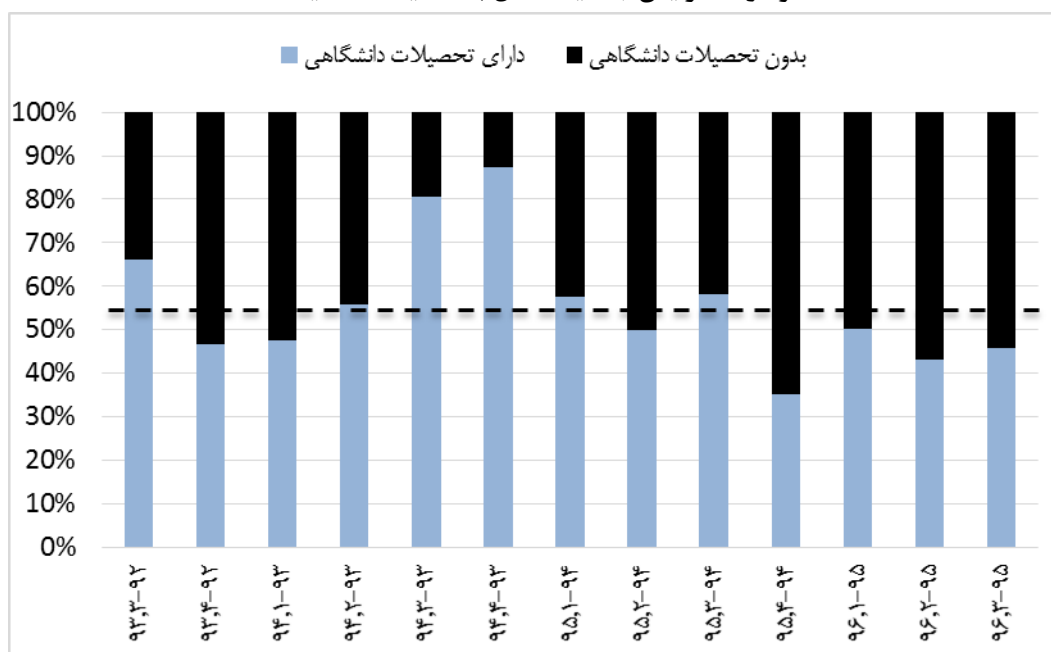
مأخذ: همان.

– افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا افراد غیردانشگاهی: در ترکیب تحصیلی افراد نیز یک تغییر اساسی در سمت ورود به بازار کار رخ داده است. با وجود آنکه طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تعداد دانشجویان کشور با رشد بسیار بالایی نزدیک به ۳ برابر شد، اما اثر این موضوع در بازار کار منعکس نشد. زیرا بخش اصلی این جمعیت به بازار کار وارد نشدند. لذا طی دهه مذکور، کمتر از ۲۰ درصد جمعیت فعال کشور را افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دادند (نمودار ۸ پیوست). اما در فصول اخیر که جمعیت فعال روندی افزایشی داشته، ترکیب تحصیلی جمعیت وارد شده به بازار کار تغییر اساسی کرده است. به نحوی که در فصول منتهی به سال ۱۳۹۶، نزدیک به ۵۵ درصد افزایش جمعیت فعال را افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دهند^۱ (نمودار ۵).

۱. شایان ذکر است به دلیل مقررات جدید مرکز آمار ایران در جهت ایجاد محدودیت بیشتر برای دسترسی پژوهشگران به داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، تا زمان تهیه این گزارش (پایان خردادماه ۱۳۹۷) امکان در اختیار داشتن داده‌های زمستان ۱۳۹۶ فراهم نشده است. لذا برخی شاخص‌هایی که برای محاسبه آنها داده‌های خرد نیاز بوده است، نمودارها زمستان ۱۳۹۶ را پوشش نمی‌دهد.



نمودار ۵. افزایش جمعیت فعال به تفکیک تحصیلات



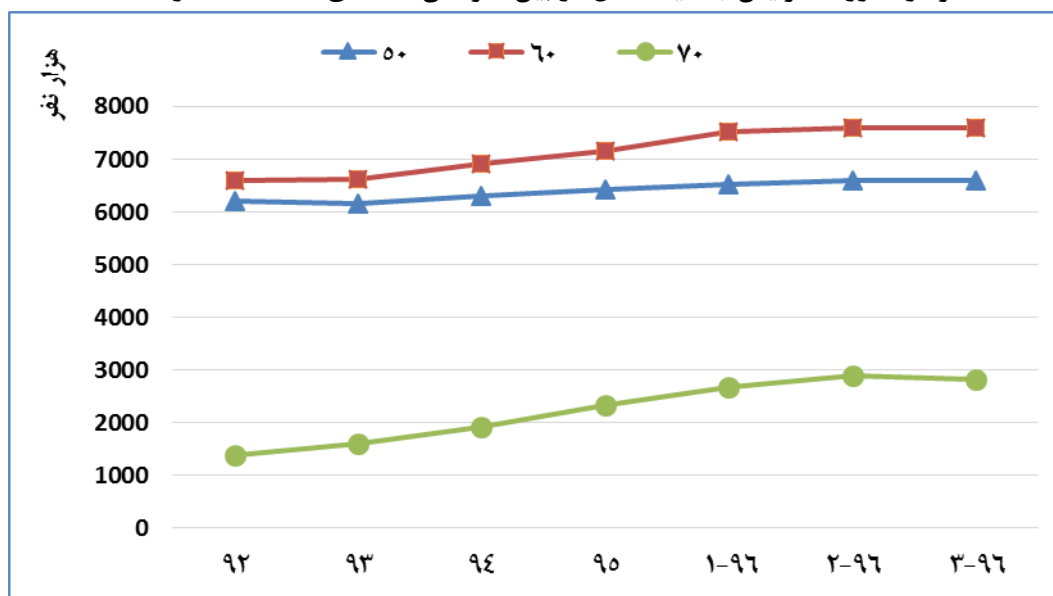
مأخذ: همان.

در بخش بعد نشان داده خواهد شد که بخش عمده افراد تحصیلکرده‌ای که به بازار کار وارد شده‌اند توانسته‌اند شاغل شوند. بنابراین می‌توان این افزایش مشارکت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی را ناشی از کاهش دستمزد آستانه^۲ آنها برای شاغل شدن تحلیل کرد که احتمالاً از نرخ‌های بالای بیکاری افراد تحصیلکرده اثرپذیرفته است. به این معنا که با توجه به نرخ‌های بیکاری بالای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی این افراد حاضر شده‌اند در دستمزدهای پایین‌تری مشغول به کار شوند. در نمودارهای ۹ و ۱۰ پیوست به ترتیب نرخ مشارکت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و افراد بدون تحصیلات دانشگاهی در فصول مختلف ترسیم شده است. در این نمودارها افزایش قابل توجه نرخ مشارکت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی طی سه سال اخیر قابل رؤیت است. نتایج نشان می‌دهد با وجود افزایش نرخ مشارکت در تمامی گروه‌ها، افزایش نرخ مشارکت برای جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی به مراتب بیشتر بوده است.

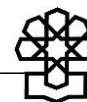
– **گروه‌های سنی:** نکته قابل توجه درخصوص جمعیت فعال وارد شده به بازار کار، نقش پررنگ جوانان متولد دهه ۱۳۷۰ است. در نمودار ۶ روند افزایش جمعیت فعال در بین متولدان دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ ترسیم شده است. جمعیت فعال متولدان دهه ۱۳۶۰ طی دوره مورد بررسی ۱ میلیون نفر افزایش یافته است. در حالی که جمعیت متولدان دهه ۱۳۷۰ بیش از ۱/۵ میلیون نفر افزایش یافته است. در

نمودار ۱۱ پیوست نرخ‌های مشارکت متولدان دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ طی فصول مختلف آورده شده است که نشان می‌دهد متولدان دهه ۱۳۷۰ بیشترین افزایش نرخ مشارکت را طی این دوره داشته‌اند. نمودار ۷ نیز به‌نحو دیگری این موضوع را نشان می‌دهد. در نمودار ۷ سهم گروه‌های سنی مختلف (متولدان دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰) از افزایش جمعیت فعال در فصول منتهی به سال ۱۳۹۶ ترسیم شده است. براساس نتایج این نمودار ۶۱ درصد از جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال در این دوره را متولدان دهه ۱۳۷۰ تشکیل می‌دهند و ۳۲ درصد نیز متولدان دهه ۱۳۶۰ هستند. بنابراین افزایش جمعیت فعال طی این دوره بیشتر متأثر از افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت جوانان متولدان دهه ۱۳۷۰ است.

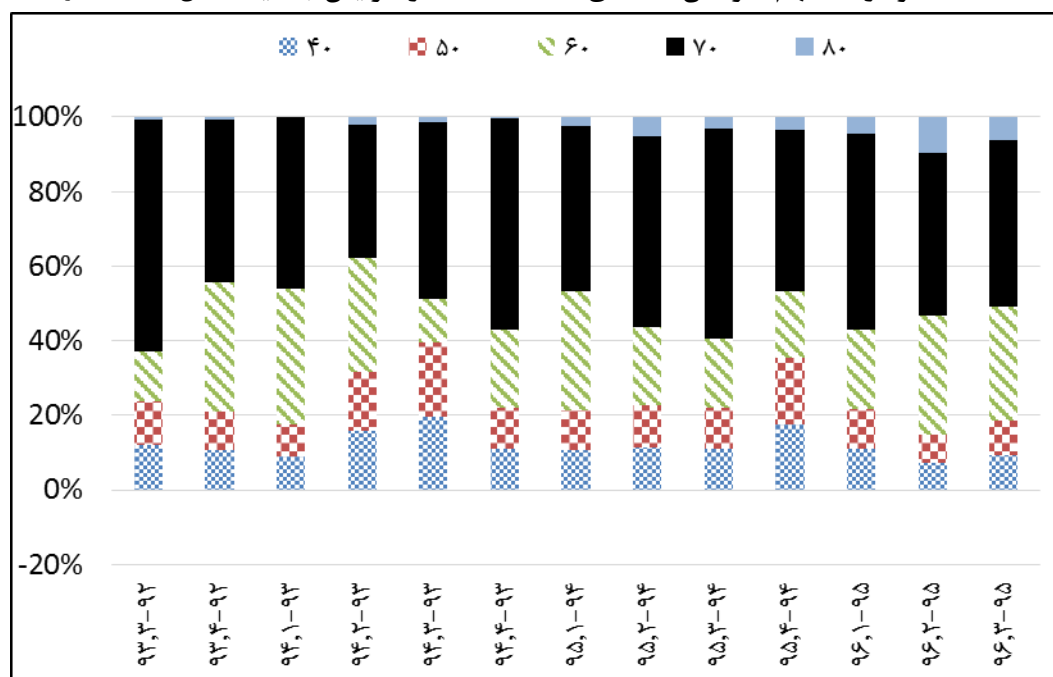
نمودار ۶. روند افزایش جمعیت فعال در بین متولدان دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰



مأخذ: همان.



نمودار ۷. سهم متولدان دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ از افزایش جمعیت فعال (درصد)



مأخذ: همان.

– **استان محل سکونت:** با توجه به برخی مشکلات آماری در بررسی‌های استانی، ازجمله نوسانات زیاد بین دو فصل یا سال متوالی، در این بخش بر تغییرات سه سال منتهی به تابستان ۱۳۹۶ و سه سال منتهی به پاییز ۱۳۹۶ تمرکز شده است. در این قسمت به دنبال آن هستیم که بیشترین تحولات جمعیت فعال در کدام استان‌ها رخ داده است. جدول ۱ پیوست افزایش نرخ مشارکت را در استان‌های مختلف از پاییز ۱۳۹۳ تا پاییز ۱۳۹۶ را نشان می‌دهد. براساس این جدول استان‌های تهران، کهگیلویه و بویراحمد، یزد، خراسان جنوبی، شمالی و رضوی و کرمان استان‌هایی بوده‌اند که بیشترین افزایش نرخ مشارکت را داشته‌اند. تغییرات نرخ مشارکت برخی از این استان‌ها طی دوره مورد بررسی بیش از ۶ درصد بوده که رقم قابل توجهی است و نشان‌دهنده تغییرات مهمی در بازار کار استان‌های مذکور است. همچنین در نمودارهای ۱۲ و ۱۳ پیوست میزان افزایش جمعیت فعال در دوره‌های مذکور نسبت به جمعیت فعال استان‌های مختلف محاسبه و مرتب شده است. این نمودارها نشان می‌دهد افزایش اتفاق افتاده در جمعیت فعال در برخی استان‌ها نسبت به جمعیت فعال و جمعیت آنها، رخداد بسیار بزرگی است.

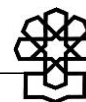
درمجموع افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت طی سه سال‌ونیم منتهی به زمستان ۱۳۹۶، تحولی است که زنان، جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی و متولدان دهه ۱۳۷۰ نقش پررنگی در ایجاد آن داشته‌اند، همچنین تحول یاد شده پدیده‌ای عمدتاً شهری است که با

وجود فراگیر بودن آن در کل کشور، در برخی استان‌ها از جمله یزد، تهران، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، شمالی و رضوی و کرمان شدت این افزایش به مراتب بیش از استان‌های دیگر بوده است.

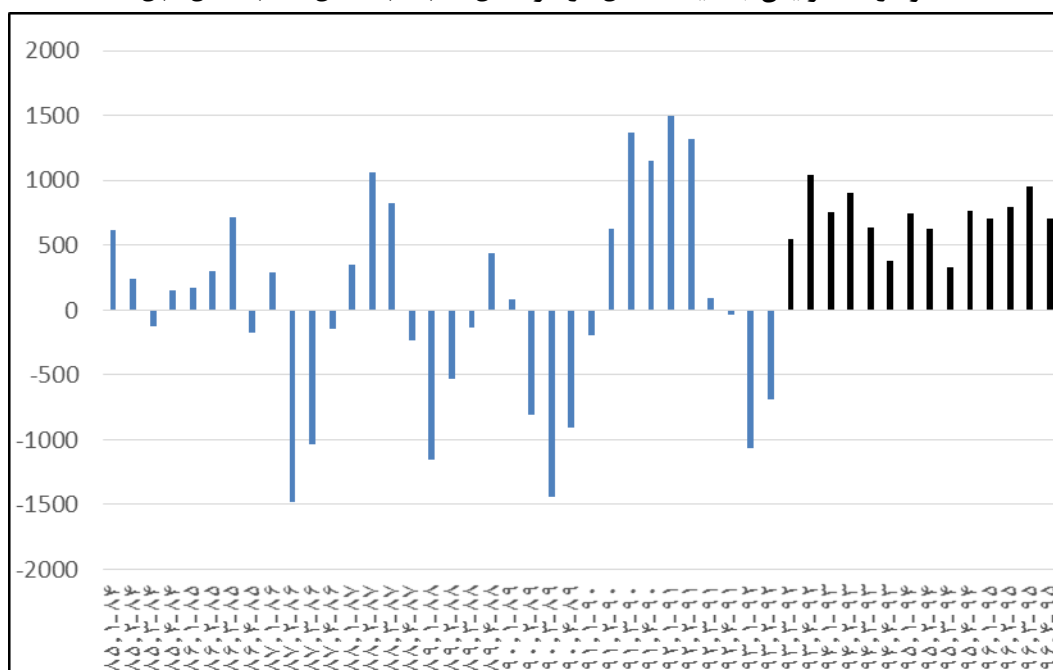
۲. افزایش تعداد شاغلان

در بخش قبل توضیح داده شد که از پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶ تغییری بنیادی در برخی روندهای بازار کار کشور رخ داده است که از آن جمله به افزایش نرخ مشارکت و جمعیت فعال اشاره شد. اما تحول ویژه‌تر طی این دوره آن است که بیش از ۷۰ درصد جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، شاغل شده‌اند. نمودار زیر نشان می‌دهد طی سه سال و نیم منتهی به زمستان ۱۳۹۶ همواره جمعیت شاغل افزایش یافته است. به طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل ۷۰۶ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه شده است (نمودار ۸). اضافه شدن بیش از ۲ میلیون نفر طی ۳ سال به جمعیت حدوداً ۲۱ میلیون نفری جمعیت شاغل کشور رخداد بسیار مهمی است. البته در شرایطی این اتفاق رخ داده است که انتظار چنین عملکردی برای افزایش اشتغال غیرممکن می‌نمود. همچنان نیز باور این آمار، حتی برای سیاستگذاران، دشوار است. همان‌طور که ذکر شد تمرکز این گزارش بر بررسی دقیق‌تر کمیت و کیفیت مشاغل ایجاد شده طی این دوره قرار داده شده است. زیرا با توجه به وضعیت نه چندان مطلوب اقتصادی و عدم ارتقای معنادر سطح و کیفیت سیاستگذاری در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نسبت به دوره‌های گذشته، افزایش ۲ میلیون نفری جمعیت شاغل در فاصله ۳ سال، سبب ایجاد سؤال‌های زیادی درخصوص کیفیت این مشاغل شده است (نمودار ۹ تغییرات تعداد شاغلین در سال‌های مختلف را نشان می‌دهد).

این بخش شامل دو قسمت است. در قسمت اول سؤال این است که شاغلان اضافه شده دارای چه ویژگی‌هایی هستند و در قسمت دوم سؤال درخصوص ویژگی‌های مشاغل اضافه شده است. در قسمت اول مشابه بخش قبل، پنج ویژگی جنسیت، شهری-روستایی، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا غیردانشگاهی، گروه‌های سنی و استان محل سکونت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود که افزایش جمعیت شاغل در فصول منتهی به سال ۱۳۹۶ عمدتاً ناشی از اشتغال چه گروه‌هایی بوده است. با توجه به شباهت این قسمت به نتایج بخش قبل، مطالب آن به اختصار ارائه می‌شود. در قسمت دوم به ویژگی‌های مشاغل اضافه شده پرداخته می‌شود. در قسمت دوم پنج ویژگی پوشش بیمه، اندازه بنگاه، بخش اقتصادی، اشتغال ناقص و وضعیت شغلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با مطالعه شواهد موجود پیرامون این موارد می‌توان تصویر بهتری از کیفیت مشاغل اضافه شده طی دوره مذکور به دست آورد.

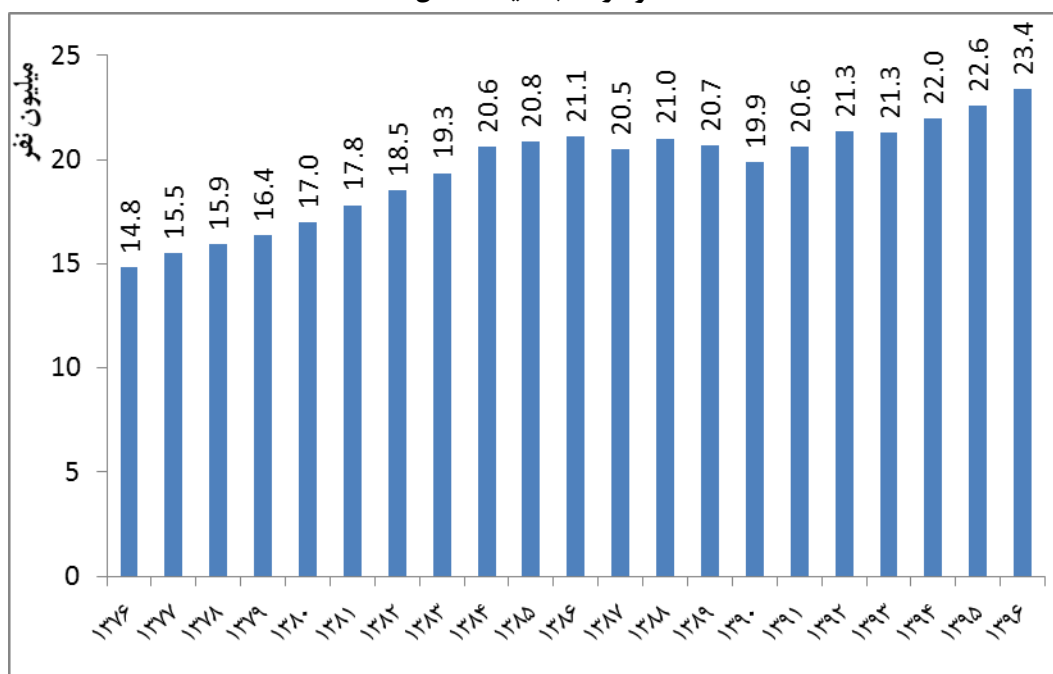


نمودار ۸. افزایش جمعیت شاغل در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل



مأخذ: همان.

نمودار ۹. جمعیت شاغل



مأخذ: همان.

۱-۲. ویژگی‌های شاغلان اضافه شده به بازار کار در سه سال ونیم منتهی به زمستان ۱۳۹۶

خلاصه بررسی‌های انجام شده درخصوص ویژگی‌های پنج‌گانه شاغلان اضافه شده این دوره به شرح زیر است:

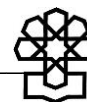
۱. به‌طور متوسط حدود ۴۷ درصد از شاغلان اضافه شده به بازار کار، زنان بوده‌اند (نمودار ۱۰). این درحالی است که ساختار شاغلان کشور از نظر جنسیت بسیار متفاوت است و به‌طور متوسط ۱۷ درصد شاغلان را زنان تشکیل می‌دهند (نمودار ۱۴ پیوست). لذا از نظر جنسیتی ساختار شاغلان در آستانه تحولی جدی قرار دارد و به تدریج سهم زنان از اشتغال کشور رو به افزایش خواهد بود.

۲. نزدیک به ۹۰ درصد افزایش تعداد شاغلان در دوره مورد بررسی مربوط به افزایش اشتغال در جمعیت شهری بوده است (نمودار ۱۱). در حالی که بیش از ۳۰ درصد شاغلان کشور را روستاییان تشکیل می‌دهند (نمودار ۱۵ پیوست). لذا از این نظر نیز تغییر ترکیب شاغلان کشور سرعت گرفته است و سهم جمعیت شهری از شاغلان کشور (که در سال‌های قبل نیز در حال افزایش بود) با سرعت بیشتری افزایش خواهد یافت.

۳. از بُعد تحصیلات نیز تحولات اخیر قابل توجه است. ۴۴ درصد از افزایش جمعیت شاغل در این دوره دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (نمودار ۱۲) در صورتی که با وجود رشد قابل توجه جمعیت دانشگاهی در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، سهم جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی از ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده بود (نمودار ۱۶ پیوست). اما در فصول اخیر افزایش سهم شاغلان دارای تحصیلات دانشگاهی سرعت بیشتری به خود گرفته است.

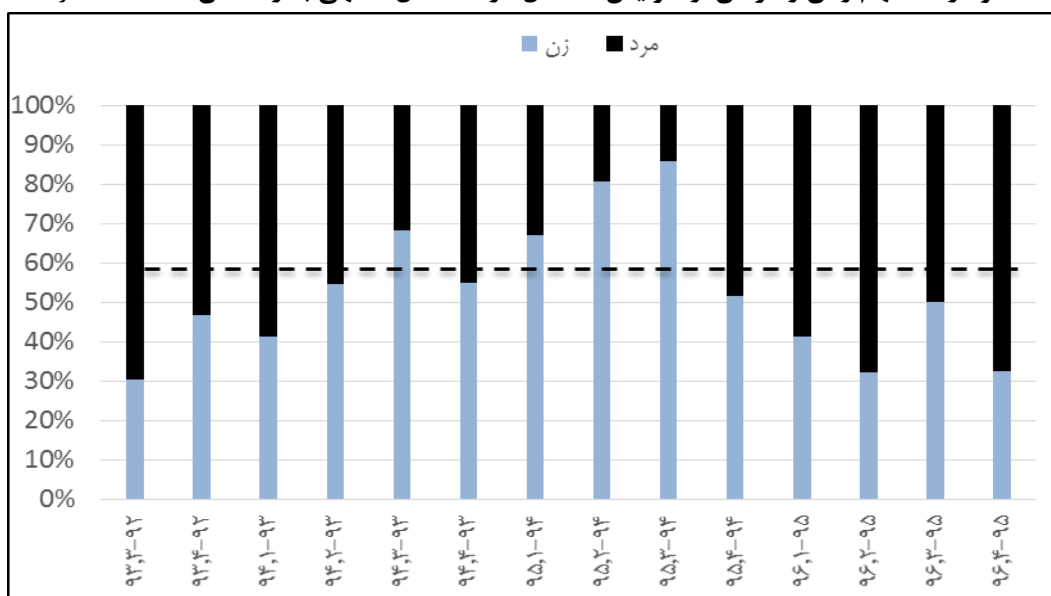
۴. مشابه تحولات جمعیت فعال، جوانان دهه ۱۳۷۰ بیشترین سهم را در افزایش اشتغال در ۱۴ فصل گذشته داشته‌اند (۵۴ درصد) و دهه شصتی‌ها با ۴۳ درصد نیز سهم بالایی به خود اختصاص داده‌اند (نمودار ۱۳). پیش‌تر مشاهده شد که متولدان دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۶۰ به ترتیب ۶۱ و ۳۱ درصد از افزایش جمعیت فعال را تشکیل می‌دادند (نمودار ۷). اما درخصوص افزایش جمعیت شاغل سهم متولدان دهه ۱۳۷۰ کاهش و سهم متولدان دهه ۱۳۶۰ افزایش یافته است. این نشان می‌دهد متولدان دهه ۱۳۶۰ طی دوره اخیر در یافتن شغل موفق‌تر بوده‌اند و سهم کمتری از افرادی که به بازار کار وارد شده‌اند (در مقایسه با متولدان دهه ۱۳۷۰) بیکار مانده‌اند. همان‌طور که توضیح داده شد این موضوع می‌تواند به کاهش دستمزد آستانه این افراد برای جلوگیری از بیکار ماندن نشئت گرفته باشد. بدین معنا که با تعدیل انتظارات شغلی خود از بازار کار، شاغل شدن حتی در مشاغل کم کیفیت را بر بیکار ماندن بلندمدت ترجیح داده‌اند.

۵. از منظر استانی نیز ابتدا باید به این نکته توجه داشت که بیشترین مشاغل در استان تهران ایجاد شده است که از این نظر یک شکاف بین استان‌های مختلف دیده می‌شود (نمودارهای ۱۸ و ۱۹ پیوست به ترتیب سهم هر استان از افزایش اشتغال در پاییز و تابستان ۱۳۹۶ نسبت به پاییز و تابستان



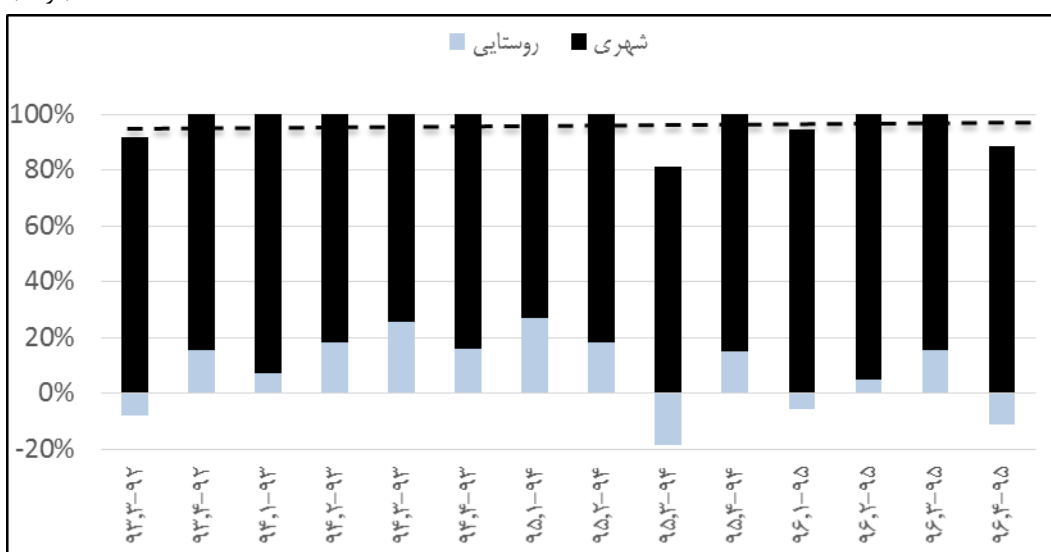
۱۳۹۳ را نشان می‌دهد). اما اگر افزایش اشتغال نسبت به جمعیت شاغل یا کل جمعیت هر استان مبنای مقایسه قرار گیرد، استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و خراسان در صدر قرار می‌گیرند و استان تهران به رتبه‌های پایین‌تری نزول می‌کند (نمودارهای ۲۰ و ۲۱ پیوست).

نمودار ۱۰. سهم زنان و مردان از افزایش اشتغال در ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ (درصد)



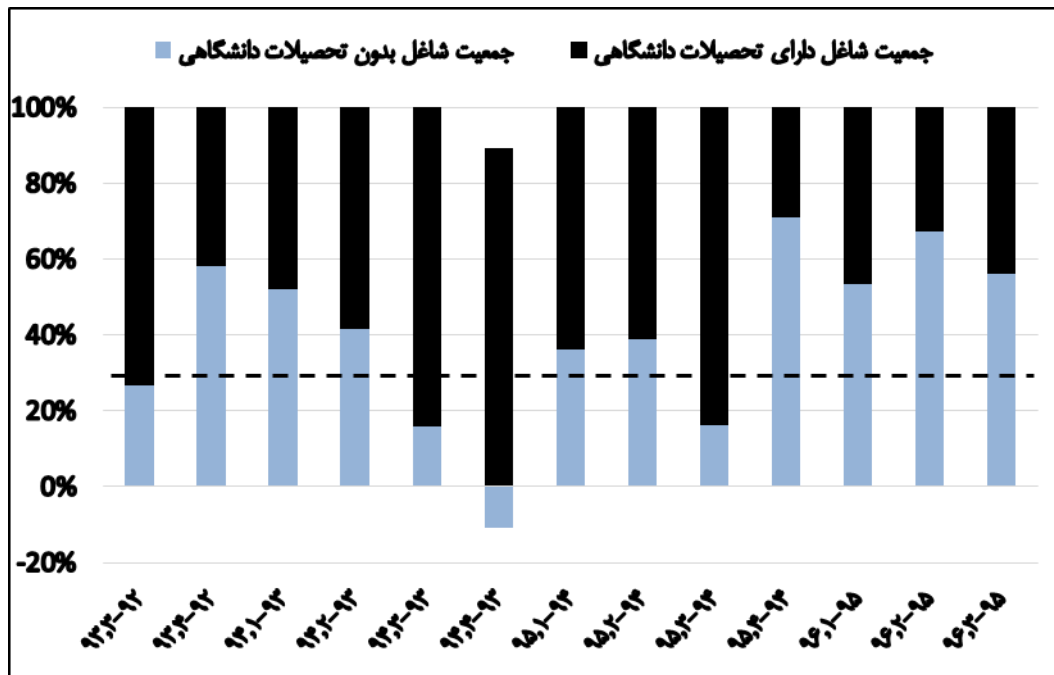
مأخذ: همان.

نمودار ۱۱. سهم جمعیت شهری و روستایی از افزایش اشتغال در ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ (درصد)



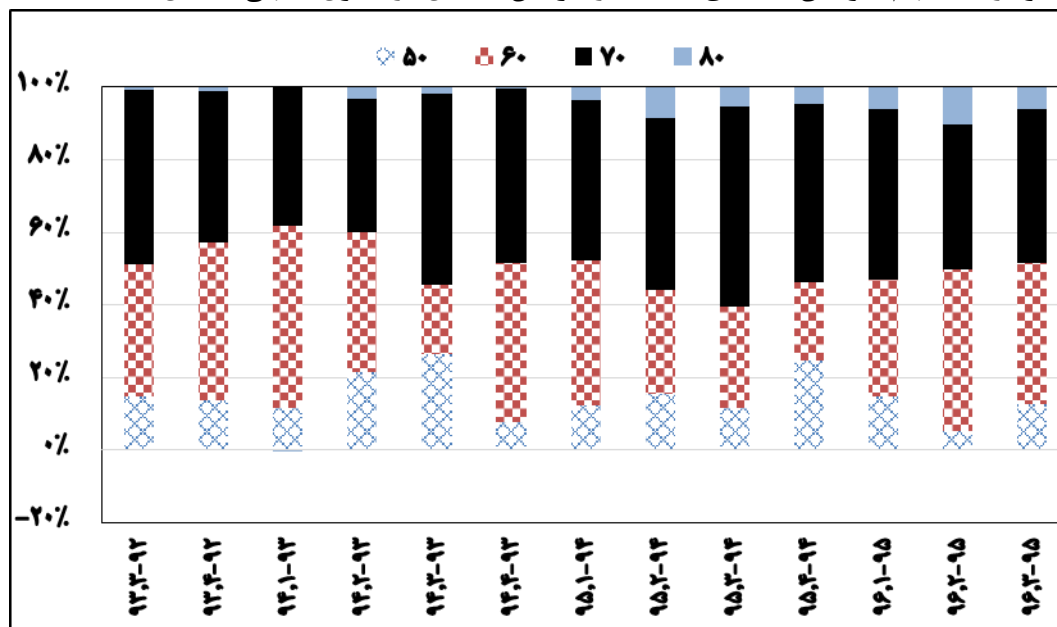
مأخذ: همان.

نمودار ۱۲. افزایش جمعیت شاغل در فصول منتهی به سال ۱۳۹۶ به تفکیک تحصیلات (درصد)

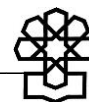


مأخذ: همان.

نمودار ۱۳. سهم متولدان دهه‌های مختلف از افزایش اشتغال در فصول منتهی به سال ۱۳۹۶ (درصد)



مأخذ: همان.



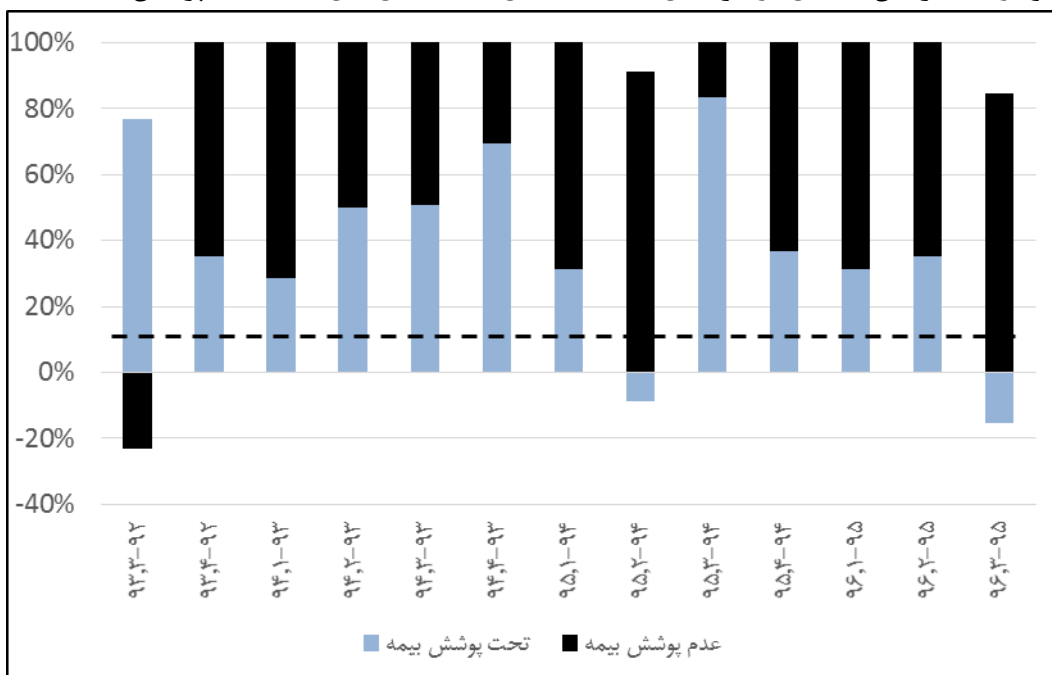
۲-۲. ویژگی‌های مشاغل اضافه شده در سه سال ونیم منتهی به زمستان ۱۳۹۶

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در این بخش ویژگی‌های مشاغل اضافه شده در این دوره بر پایه پوشش بیمه، اندازه بنگاه، بخش اقتصادی، اشتغال ناقص و وضعیت شغلی در مقایسه با ساختار بازار کار کشور طی سال‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در نهایت تحولات فصول اخیر نمایان‌تر شود.

– پوشش بیمه: دارا بودن بیمه به واسطه شغل می‌تواند ازجمله نشانه‌ها برای کیفیت شغل و پایداری آن باشد. بر این اساس در این بخش وضعیت شاغلان اضافه شده به بازار کار در ۱۳ فصل منتهی به پاییز ۱۳۹۶^۳ از منظر دارا بودن بیمه به واسطه شغل آنها مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی انجام شده نشان می‌دهد در ۱۳ فصل مورد بررسی به‌طور متوسط ۳۵ درصد شاغلان اضافه شده به جمعیت شاغل دارای پوشش بیمه به واسطه شغل خود بوده‌اند و ۶۵ درصد در مشاغل شاغل شده‌اند که دارای بیمه نبوده است (نمودار ۱۴). براساس آمارهای طرح نیروی کار طی سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۹۰ حدود ۴۰ درصد از شاغلان کشور دارای پوشش بیمه بوده‌اند و به‌تدریج این سهم درحال افزایش بوده است (نمودار ۲۲ پیوست). بنابراین تحولات فصول اخیر درخصوص پوشش بیمه مشاغل اضافه شده یک تغییر جهت نسبت به گذشته محسوب می‌شود. بدین‌معناست که مشاغل اضافه شده از نظر پوشش بیمه دارای کیفیت پایین‌تری نسبت به ساختار بازار کار و روند گذشته آن هستند. البته این تفاوت خیلی زیاد نیست، اما به‌عنوان یک کاهش در کیفیت مشاغل ایجاد شده و تغییر روند افزایشی سهم شاغلان دارای بیمه، قابل تحلیل است.

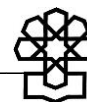
۳. شایان ذکر است به‌دلیل مقررات جدید مرکز آمار ایران در جهت ایجاد محدودیت بیشتر برای دسترسی پژوهشگران به داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، تا زمان تهیه این گزارش (پایان خردادماه ۱۳۹۷) امکان در اختیار داشتن داده‌های زمستان ۱۳۹۶ فراهم نشده است. لذا برخی شاخص‌هایی که برای محاسبه آنها داده‌های خرد نیاز بوده است، نمودارها زمستان ۱۳۹۶ را پوشش نمی‌دهد.

نمودار ۱۴. افزایش اشتغال در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل به تفکیک پوشش بیمه (درصد)

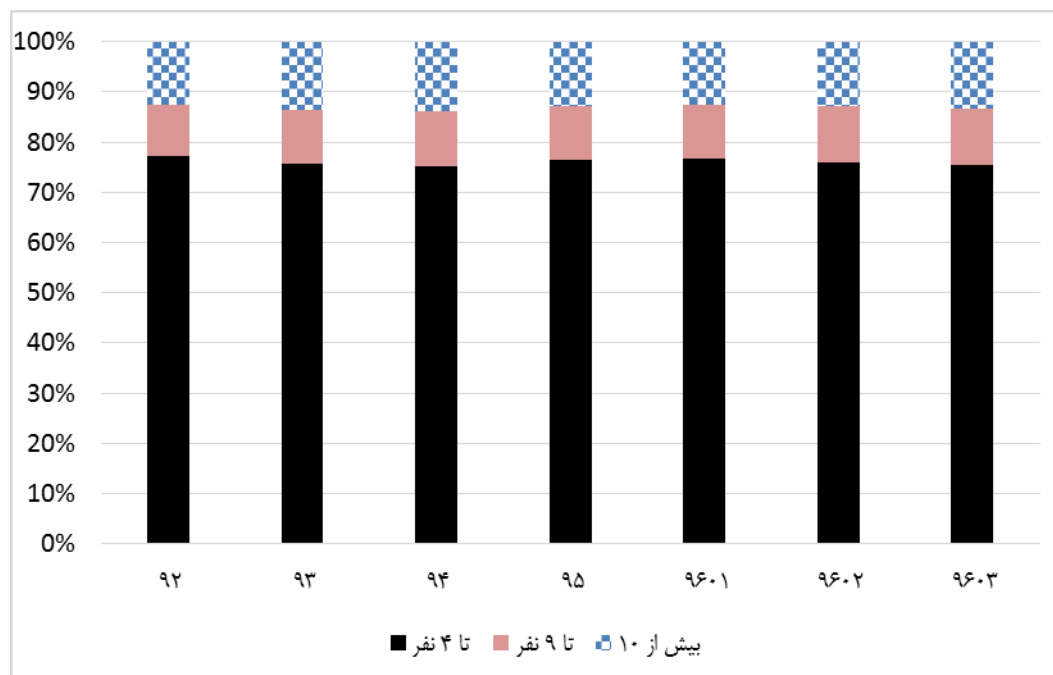


مأخذ: همان.

– **اندازه بنگاه:** نمودار ۱۵ نشان می‌دهد ۶۰ تا ۶۵ درصد اشتغال کشور طی سال‌های اخیر در بنگاه‌های خرد دارای ۱ تا ۴ نفر کارکن متمرکز است، کمتر از ۱۰ درصد در بنگاه‌های دارای ۵ تا ۹ کارکن و مابقی یعنی نزدیک به ۳۰ درصد نیز در بنگاه‌های دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر قرار دارند. اما در فاصله فصول اخیر نقش بنگاه‌های خرد ۱ تا ۴ نفر در ایجاد اشتغال بیشتر شده است. به‌طوری که در برخی فصول مورد بررسی تمامی مشاغل اضافه شده ناشی از افزایش اشتغال در بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ کارکن بوده‌اند (نمودار ۱۶). این موضوع نشان می‌دهد اشتغال اضافه شده طی فصول اخیر بیشتر ناشی از ایجاد اشتغال در بخش‌های غیرشرکتی و کاربر و با سرمایه‌گذاری اندک بوده است.



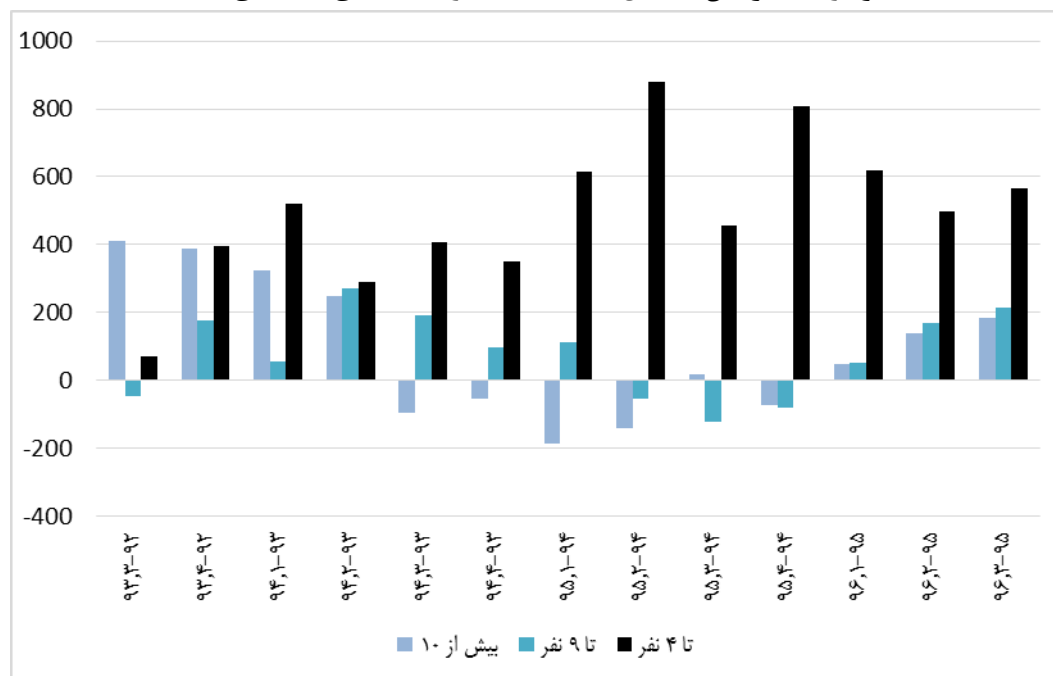
نمودار ۱۵. ساختار اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه‌ها



مأخذ: همان.

(هزار نفر)

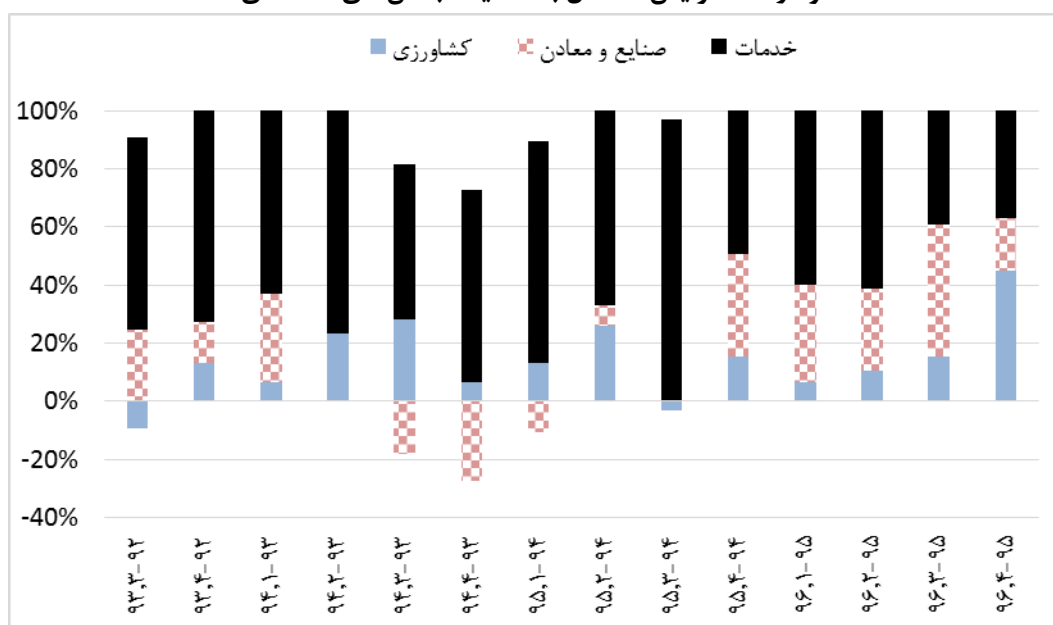
نمودار ۱۶. افزایش اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه‌های اقتصادی



مأخذ: همان.

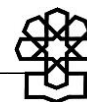
بخش‌های اقتصادی: طی سال‌های گذشته بخش خدمات ۵۵ تا ۶۰ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده بود (نمودار ۲۳ پیوست). اما تحولات اخیر باعث شده است سهم این بخش از اشتغال کشور افزایش یابد و به بیش از ۶۰ درصد برسد. زیرا اشتغال اضافه شده طی فصول اخیر غالباً در بخش خدمات بوده است. نمودار ۱۷ نشان می‌دهد در غالب فصول سهم بخش خدمات از اشتغال اضافه شده بیش از ۶۰ درصد بوده و در برخی از فصول سهم این بخش به بیش از ۸۰ درصد رسیده است. بنابراین تاکنون این نتیجه حاصل شده است که افزایش اشتغال طی ۱۲ فصل منتهی به تابستان ۱۳۹۶ عمدتاً در بخش خدمات و بنگاه‌های بسیار کوچک بوده است که سهم کمتری از آنان (نسبت به گذشته) دارای پوشش بیمه به واسطه شغل خود بوده‌اند.

نمودار ۱۷. افزایش اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی

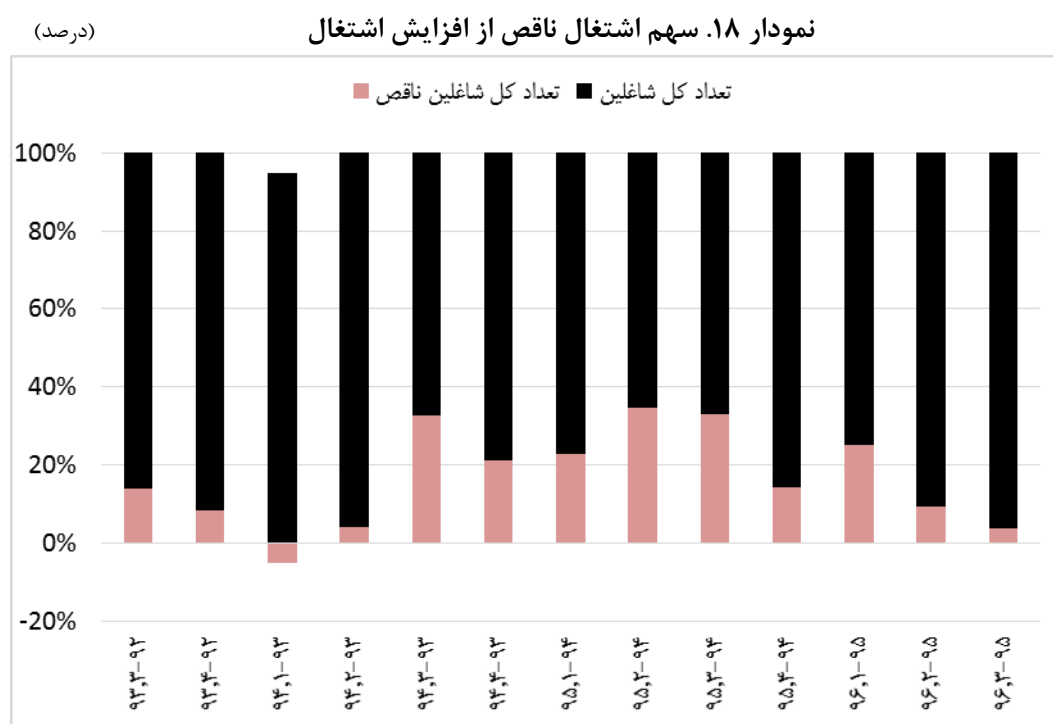


مأخذ: همان.

اشتغال ناقص: افراد دارای اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی هستند که در هفته مرجع نمونه‌گیری، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و ... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده، اما خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند. به بیانی دیگر اشتغال ناقص به کاهش اجباری ساعات کار گفته می‌شود به طوری که کارگر نتواند هرچقدر که می‌خواهد کار کند و دستمزد دریافت کند. بنابراین مسائل و پیچیدگی‌های بازار کار تنها به بخش بیکار محدود نمی‌شود و در بخش اشتغال نیز مسائلی وجود دارند که می‌توانند موقعیت شغلی شاغلان را دچار مخاطره نماید. از آنجایی که در این بخش در پی بررسی کیفیت



اشتغال اضافه در فصول اخیر و پس از چرخش روند شاخص‌های بازار کار هستیم، بررسی سهم اشتغال ناقص از مشاغل ایجاد شده حاوی اطلاعات مفیدی درخصوص کیفیت مشاغل ایجاد شده خواهد بود. نمودار ۲۴ پیوست نشان می‌دهد سهم اشتغال ناقص از کل اشتغال کشور در سال‌های اخیر حدود ۹ درصد بوده است. بدین معنا که ۹ درصد تعداد شاغلان کشور بر خلاف تمایل خود در هفته کمتر از ۴۴ ساعت کار می‌کنند. اما نتایج محاسبه اشتغال ناقص در فصول اخیر بیانگر این موضوع است که متوسط سهم اشتغال ناقص از اشتغال اضافه شده بیش از ۳۰ درصد است (نمودار ۱۸). لذا ۳۰ درصد از شاغلان اضافه شده به بازار کار در هفته کمتر از ۴۴ ساعت کار می‌کنند، اما تمایل دارند ساعات بیشتری کار کنند. این تفاوت زیاد بین ساختار بازار کار کشور و اشتغال اضافه شده در فصول اخیر از منظر اشتغال ناقص، نشان می‌دهد بخشی از مشاغل ایجاد شده از کیفیت قابل قبولی برای شاغلان برخوردار نیست و تمایل دارند در شغل‌های پایدارتری مشغول به کار شوند.



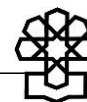
مأخذ: همان.

– وضعیت شغلی: در طرح آمارگیری از نیروی کار وضعیت شغلی افراد به طبقاتی مانند کارفرما، کارکن مستقل، مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی و تعاونی، مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی، کارکن فامیلی بدون مزد و کارآموز تقسیم‌بندی می‌شود. تحلیل وضعیت شغلی در شناخت تحولات بازار کار بسیار مهم است، زیرا میزان اشتغال‌زایی بخش‌های خصوصی و عمومی از نتایج تحلیل این مؤلفه

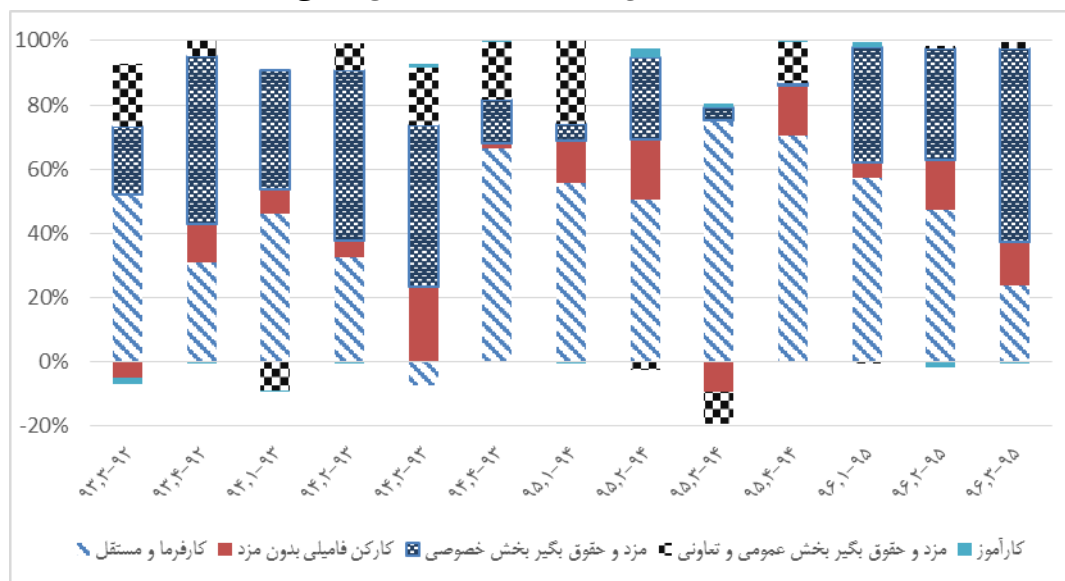
به‌دست می‌آید. همچنین تحولات اشتغال کارکنان فامیلی بدون مزد یا کارکنان مستقل می‌تواند تصویر بهتری از شرایط بازار کار ارائه کند.

بررسی‌های انجام شده درخصوص وضعیت شغلی افراد نشان می‌دهد ساختار اشتغال کشور از این منظر وضعیت مشخص و کم‌نوسان طی سال‌های گذشته داشته است. بدین‌معنا که ۴۰ درصد از شاغلان کشور را گروه کارفرما و کارکنان مستقل یعنی کسانی که مزد و حقوق‌بگیر نیستند و در بخش‌های غیرشرکتی مشغول به‌کار هستند تشکیل می‌دهند، نزدیک به ۴۰ درصد نیز مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی هستند، بین ۱۵ تا ۱۸ درصد مزد حقوق‌بگیران بخش عمومی و تعاونی و مابقی (حدود ۵ درصد) کارکنان فامیلی بدون مزد هستند (نمودار ۲۵ پیوست).

اما در فصول اخیر و در مورد اشتغال اضافه شده به جمعیت شاغل، تمرکز بیشتر بر ایجاد شغل توسط کارکنان مستقل بوده است. این موضوع می‌تواند یکی از علل ملموس نبودن افزایش اشتغال در دوره اخیر باشد، زیرا مشاهده مردم نیز تأیید می‌کند استخدام از جانب بنگاه‌های اقتصادی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، تغییر قابل ملاحظه‌ای نسبت به گذشته نکرده است. لذا باور افزایش اشتغال که عمدتاً ناشی از استخدام در بنگاه‌های اقتصادی تلقی می‌شود، دشوار خواهد بود. آمارها نیز نشان می‌دهد برداشت عمومی نسبتاً صحیح است، زیرا طی ۱۳ فصل منتهی به پاییز ۱۳۹۶، سهم افزایش شاغلان دارای وضعیت شغلی کارکن مستقل از کل افزایش اشتغال این دوره بیش از ۵۰ درصد است و اگر ۸ فصل انتهایی را مورد بررسی قرار داریم این سهم به آستانه ۷۰ درصد می‌رسد (نمودار ۱۹). بنابراین در فصول اخیر، افزایش اشتغال مبتنی بر ایجاد اشتغال توسط خود افراد بوده است. این مشاهده با نتایج بندهای قبلی نیز سازگار است. بدین‌معنا که اشتغال ایجاد شده مبتنی بر ایجاد اشتغال توسط خود افراد در اندازه‌های بسیار خرد (که ممکن است عمدتاً تک نفره باشند) و در بخش خدمات بوده است که طبیعتاً با توجه به عدم شمول چنین مشاغلی تحت قانون کار، پوشش بیمه نیز کمتر از دوره‌های قبل قابل مشاهده خواهد بود.



نمودار ۱۹. افزایش اشتغال به تفکیک وضع شغلی



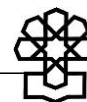
مأخذ: همان.

در مجموع افزایش اشتغال طی ۱۲ فصل منتهی به تابستان ۱۳۹۶ عمدتاً در بخش خدمات و بنگاه‌های بسیار کوچک (زیر ۴ نفر کارکن) و با وضعیت شغلی کارکن مستقل بوده است که سهم کمتری از آنان (نسبت به گذشته) دارای پوشش بیمه به واسطه شغل خود بوده‌اند و سهم بیشتری (نسبت به گذشته) دارای اشتغال ناقص هستند و تمایل دارند شغل تمام‌وقتی داشته باشند. بنابراین اشتغالی که طی دوره مورد بررسی محقق شده است اشتغالی است که تفاوت‌های چشمگیری با ساختارهای بازار کار کشور طی دهه قبل از آن دارد. از یک سو شاهد حضور پررنگ‌تر زنان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی هستیم و از سوی دیگر اشتغال ایجاد شده اشتغالی است که نه توسط بخش شرکتی و کارخانه‌ای، بلکه توسط بخش غیرشرکتی و با تمرکز بر خدماتی مانند خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرات، حمل‌ونقل، واسطه‌گری، خدمات مواد غذایی و ... ایجاد شده است. گویا جوانان کشور به واسطه نیاز برای تأمین معیشت و در دوره‌ای که تقاضای نیروی کار توسط شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متوسط و بزرگ بسیار محدود است، خود اقدام به ایجاد مشاغل و ارائه خدماتی برای گذران زندگی خود نموده‌اند. لذا این مشاغل که با وضعیت شغلی کارکن مستقل طبقه‌بندی می‌شود، دارای قرارداد به معنای متعارف بین بنگاه‌های اقتصادی و کارکنان خود نیست، لذا تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرد. از طرفی ممکن است چنین مشاغلی از قابلیت مناسبی برای اشتغال تمام‌وقت افراد برخوردار نباشد، از این‌رو شاهد افزایش سهم اشتغال ناقص در این دوره هستیم. همان‌طور که مشاهده می‌شود آمارهای اقتصادی تصویر واقع‌بینانه و قابل‌پذیرشی از شرایط بازار کار کشور ارائه می‌کند که با مشاهدات میدانی افراد نیز تا حدود زیادی سازگار است.

در انتها لازم به توضیح است جنس اشتغال ایجاد شده طی سه سال و نیم سال منتهی به زمستان ۱۳۹۶، به خصوص در فصول مؤخرتر، از جنسی است که نمی‌توان آن را به سیاست‌های اقتصادی دولت، به خصوص سیاست‌هایی که با عنوان سیاست‌های اشتغال‌زایی یاد می‌شود نسبت داد. برای مثال تعیین ایجاد چند ده هزار شغل توسط هریک از دستگاه‌های دولتی مانند وزارتخانه‌های مختلف یا تزریق منابع توسط دولت یا ارائه تسهیلات توسط نظام بانکی در قالب طرح‌های مختلف اشتغال روستایی و اشتغال فراگیر تطابق مناسبی با ویژگی‌های احصا شده برای اشتغال فصول مورد بررسی ندارد، زیرا کارکنان مستقل در بنگاه‌های خرد دسترسی به چنین منابعی نخواهند داشت. البته ممکن است چنین عملکردی در افزایش اشتغال را بتوان به ثبات نسبی شرایط اقتصادی تا پیش از زمستان سال ۱۳۹۶ و پیش از ناآرامی‌های اخیر در بازارهای دارایی و کالا نسبت داد (تحولات وضعیت بازار کار در بهار سال ۱۳۹۷ برای بررسی اثرپذیری اشتغال از نوسانات قیمت در بازارهای مختلف بسیار مهم خواهد بود). اما شواهد موجود نشان می‌دهد سیاست‌های دولت که عمدتاً بخش‌های شرکتی و بنگاه‌های متوسط و بزرگ را هدف قرار می‌دهد، بی‌ارتباط یا کم‌ارتباط با عملکرد بازار کار در ۱۴ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ بوده است.

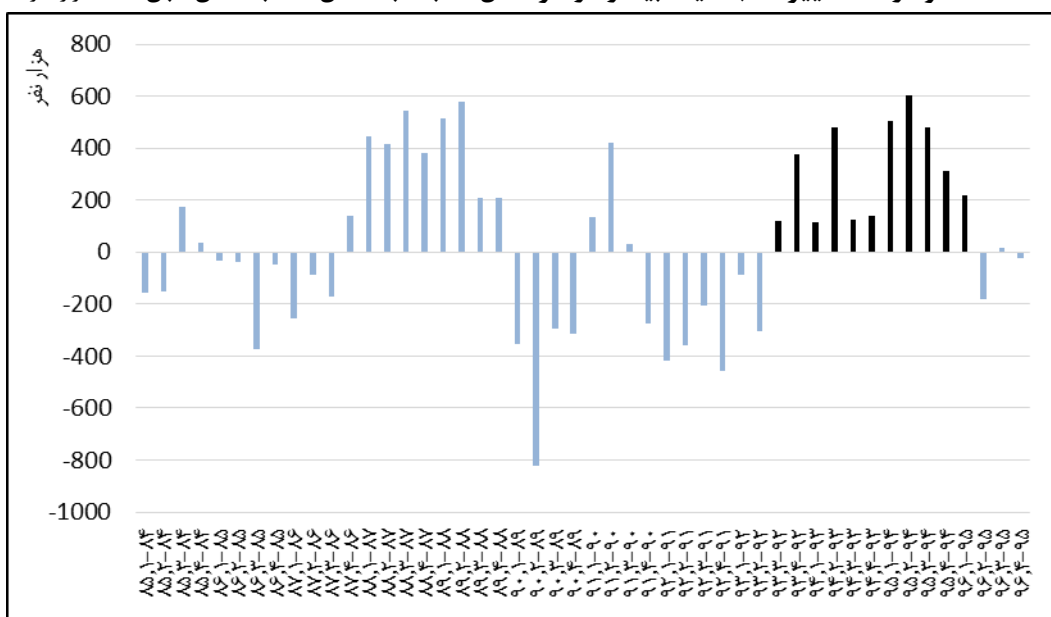
۳. بیکاری

همان‌طور که در بخش اول گزارش توضیح داده شد نرخ مشارکت و جمعیت فعال طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ روندی افزایشی را طی کرده است. نتیجه آنکه طی این مدت به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۹۶۰ هزار نفر به بازار کار اضافه شده‌اند، یعنی نزدیک به ۳ میلیون نفر طی سه سال گذشته به جمعیت فعال افزوده شد. در چنین شرایطی اگر اقتصاد نتواند به میزان مورد نیاز شغل ایجاد کند، تعداد بیکاران و نرخ بیکاری افزایش خواهد یافت. همان‌طور که در بخش قبل توضیح داده شد در طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ اشتغال در روند جدیدی قرار گرفته است و به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل ۷۰۶ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه شده است. اما این میزان برای کاهش نرخ بیکاری یا حتی تثبیت آن کفایت نمی‌کند. زیرا نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن به جمعیت بیکار اضافه شده است که این موضوع افزایش نرخ بیکاری را در پی داشته است (نمودار ۲۰) به‌طوری که از پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۶ نرخ بیکاری به تدریج افزایش یافت و به ۱۲/۱ در سال ۱۳۹۶ رسید (نمودار ۲۱). البته نکته جالب توجه رخدادی است که در تابستان ۱۳۹۶ (و به میزان کمتری در زمستان ۱۳۹۶) روی داده است. در این فصل نسبت به تابستان ۱۳۹۵، ۶۱۴ هزار نفر به جمعیت فعال کشور اضافه می‌شود. اما در این فصل ۷۹۶ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه می‌شوند. بدین معنا که بیش از



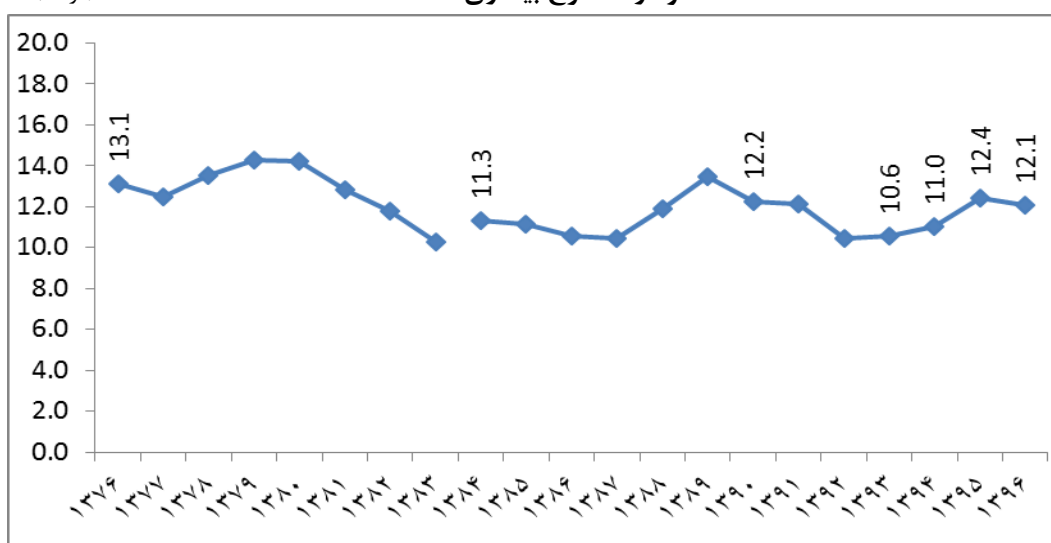
میزان ورودی به بازار کار جمعیت شاغل افزایش یافته است که این به معنای کاسته شدن از تعداد بیکاران در این فصل است. نمودار ۲۱ این مورد را به خوبی نشان می‌دهد. در تابستان ۱۳۹۶ نسبت به تابستان ۱۳۹۵، ۱۸۰ هزار نفر از تعداد بیکاران کاسته شده که این اتفاق سبب تغییر مسیر افزایشی نرخ بیکاری شده و نرخ بیکاری مجدداً به بازه ۱۱ تا ۱۲ درصد بازگشته است. در نمودار ۲۶ پیوست نرخ بیکاری در فصول مختلف آورده شده است.

نمودار ۲۰. تغییرات جمعیت بیکار در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل (هزار نفر)



مأخذ: همان.

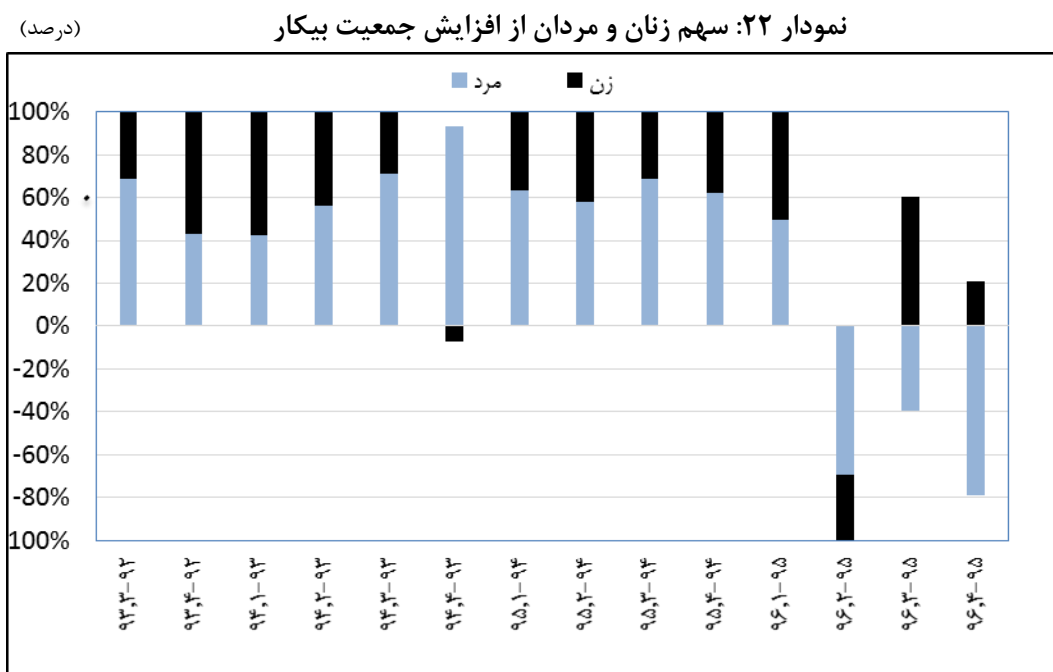
نمودار ۲۱. نرخ بیکاری (درصد)



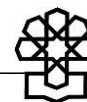
مأخذ: همان.

در ادامه گزارش به اختصار افزایش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری در فاصله پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۶ (و البته کاهش تابستان ۱۳۹۶) تحلیل می‌شود و نشان داده می‌شود این تحولات برای چه گروه‌هایی رخ داده است. مجدداً ویژگی‌های مورد بررسی همان موارد پنج‌گانه بررسی شده در بخش قبل شامل جنسیت، شهری-روستایی، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا افراد غیردانشگاهی، گروه‌های سنی و استان محل سکونت خواهد بود. نمودارها و جداول تکمیلی نیز در پیوست گزارش آورده شده است.

- جنسیت: سهم زنان در جمعیت بیکار بیش از سهم آنان در جمعیت شاغل است. همان‌طور که در بخش قبل مشاهده شد سهم زنان در جمعیت شاغل ۱۷ درصد بوده است. اما سهم آنان از جمعیت بیکار در حدود ۳۰ درصد است (نمودار ۲۷ پیوست). با افزایش سهم زنان از جمعیت فعال وارد شده به بازار کار طی فصول اخیر، به تدریج سهم آنان از جمعیت بیکار نیز رو به افزایش خواهد گذاشت. نمودار ۲۲ نشان می‌دهد طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶، ۴۰ درصد از بیکاران اضافه شده به جمعیت بیکار را زنان تشکیل داده‌اند. در نمودارهای ۲۸ و ۲۹ پیوست تغییرات نرخ بیکاری مردان و زنان در فصول مختلف ترسیم شده است. این نمودارها نشان می‌دهند کاهش نرخ بیکاری در فصل تابستان ۱۳۹۶ پدیده‌ای است که هم برای زنان و هم برای مردان رخ داده است.

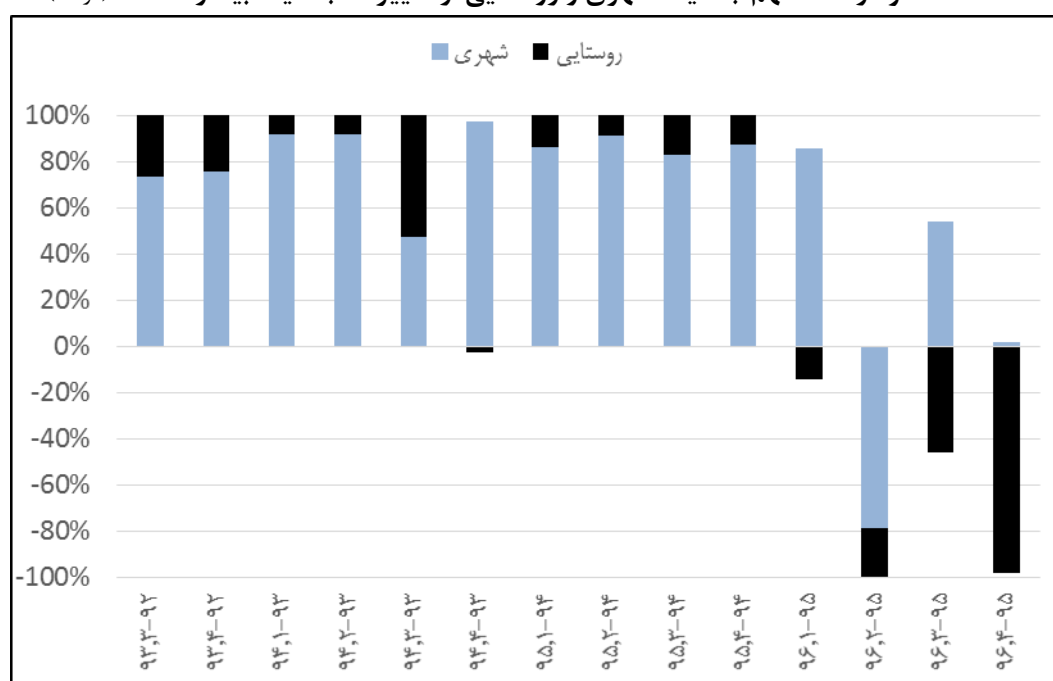


مأخذ: همان.



- شهری - روستایی: با توجه به اینکه جمعیت فعال اضافه شده در دوره مورد بررسی غالباً از جمعیت شهری بوده است، لذا انتظار می‌رود جمعیت اضافه شده به جمعیت شاغل و بیکار نیز تا حدودی از همان الگو پیروی کند (نمودار ۲۳). در نمودار ۳۰ پیوست ساختار بیکاری کشور از نظر شهری و روستایی بودن بیکاران آورده شده است. همچنین در نمودارهای ۳۱ و ۳۲ پیوست تغییرات نرخ بیکاری در فصول مختلف برای جمعیت شهری و روستایی نشان داده شده است که نشان از افزایش نرخ بیکاری طی فصول اخیر و کاهش آن در فصل تابستان ۱۳۹۶ هم برای جمعیت شهری و هم جمعیت روستایی دارد.

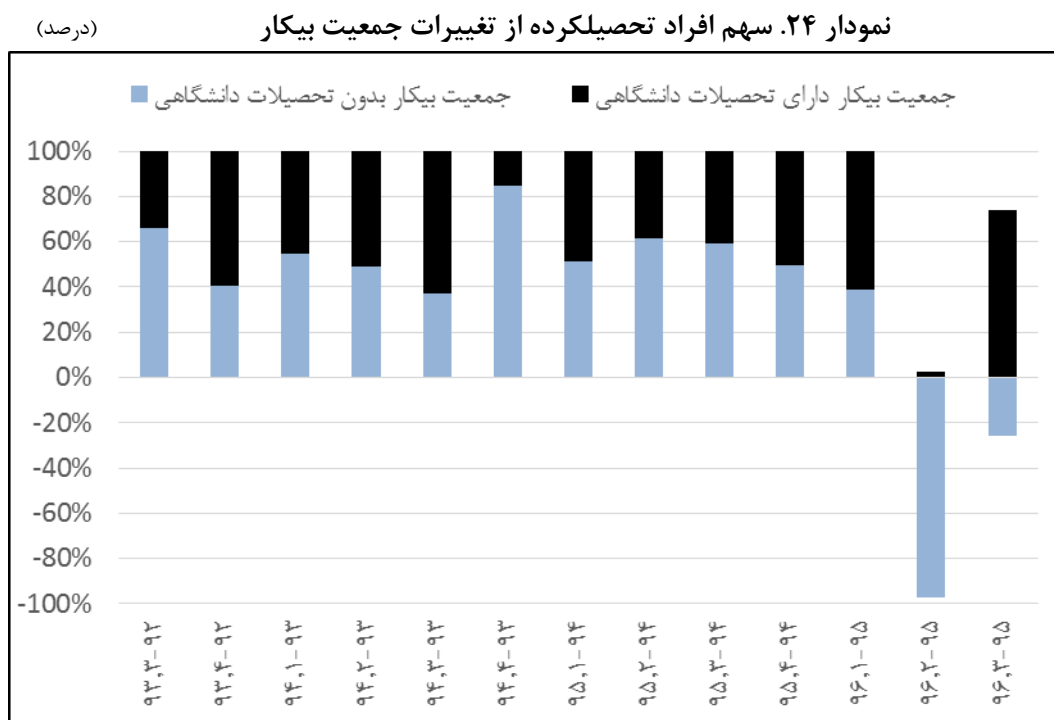
نمودار ۲۳. سهم جمعیت شهری و روستایی از تغییرات جمعیت بیکار (درصد)



مأخذ: همان.

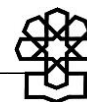
- تحصیلات: سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از جمعیت بیکار در یک روند افزایشی از ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۳ می‌رسد (نمودار ۳۳ پیوست). طی فصول اخیر سهم بالای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در افزایش جمعیت فعال سبب شده است سهم این افراد از افزایش جمعیت بیکار نیز بیشتر شود و به ۴۹/۵ درصد برسد (نمودار ۲۴). این موضوع سبب خواهد سهم بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی همچنان صعودی باشد و به زودی ۵۰ درصد بیکاران کشور را جمعیت دانشگاهی تشکیل دهند. این موضوع نشان از عدم تطابق فاحش در ویژگی‌های تحصیلی سمت عرضه و تقاضای بازار کار کشور دارد که خود را به صورت نرخ‌های بالای بیکاری افراد دارای

تحصیلات دانشگاهی نشان داده است. در نمودارهای ۳۴ و ۳۵ پیوست تغییرات نرخ بیکاری افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و بدون تحصیلات دانشگاهی در فصول مختلف آورده شده است.

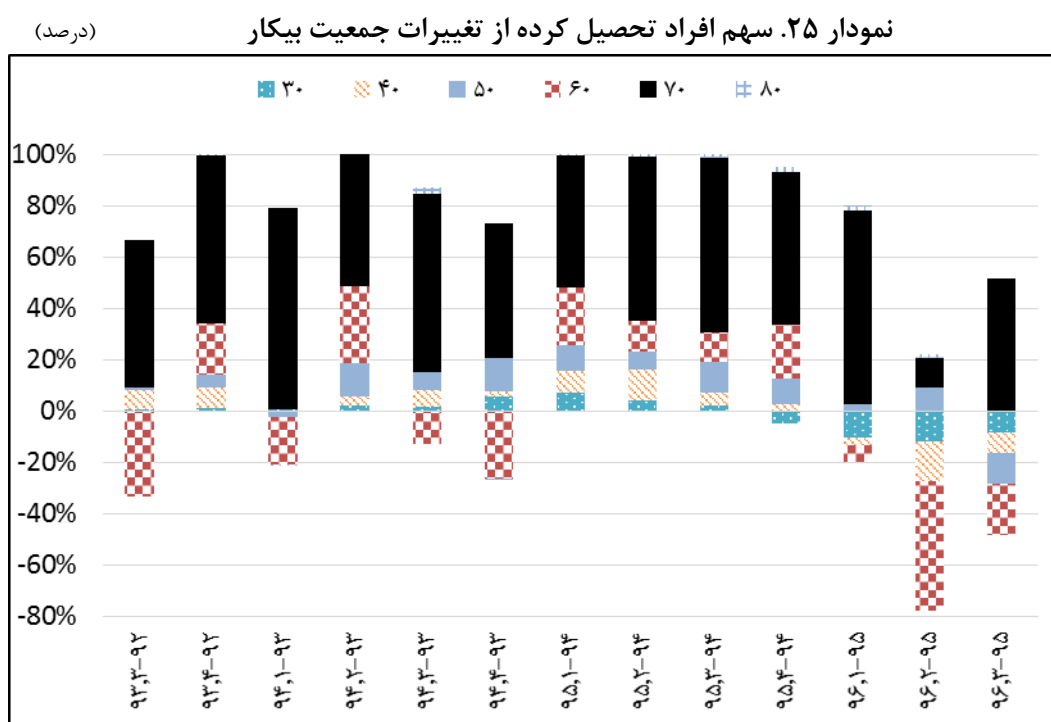


مأخذ: همان.

– گروه‌های سنی: در نمودار ۳۶ پیوست ترکیب بیکاری از نظر گروه‌های سنی مختلف در سال‌های اخیر نشان داده شده است. تقریباً نیمی از جمعیت بیکار کشور را متولدان دهه ۱۳۶۰ تشکیل می‌دهند و حدود یک‌چهارم نیز متولدان دهه ۱۳۷۰ هستند. اما با توجه به ورود گسترده متولدان دهه ۱۳۷۰ به بازار کار در فصول اخیر و سهم ۶۰ درصدی آنان از افزایش جمعیت فعال در این فصول، سهم آنان از افزایش تعداد بیکاران نیز بیشتر شده است (نمودار ۲۵). نمودار ۲۵ نشان می‌دهد در برخی از فصول افزایش تعداد بیکاران تماماً تحت تأثیر افزایش تعداد بیکاران متولد دهه ۱۳۷۰ بوده است. همچنین نکته دیگر این نمودار کاهش تعداد بیکاران متولد دهه ۱۳۶۰ در برخی از فصول، به‌خصوص فصل تابستان ۱۳۹۶ است. در فصل تابستان سال ۱۳۹۶، تعداد بیکاران متولد دهه ۱۳۷۰ افزایش یافته است با وجود این کاهش قابل توجه بیکاران متولد دهه ۱۳۶۰ سبب شده است کل بیکاران این فصل نسبت به تابستان سال ۱۳۹۵ کاهش یابد. این بدان معناست که بخشی از بیکاران متولد دهه ۱۳۶۰ یا توانسته‌اند شغلی برای خود پیدا کنند و از وضعیت بیکاری بلندمدتی که طی سال‌های قبل دچار آن بودند رهایی یابند یا به واسطه همان بیکاری بلندمدت و ناامیدی از یافتن شغل دست از جستجو برای



یافتن شغل بکشند. البته با توجه به تحولات مثبت این فصل مبنی بر افزایش قابل توجه جمعیت شاغل، احتمال محقق شدن حالت اول بیشتر است.



مأخذ: محاسبات محققین از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار - مرکز آمار ایران

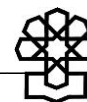
استان محل سکونت: در جداول ۲ تا ۱۰ پیوست نرخ بیکاری کل، زنان، جوانان، جوانان دارای تحصیلات دانشگاهی برای فصول پاییز و تابستان محاسبه شده است. با توجه به افزایش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری در فصول مورد بررسی، جداول ۲ تا ۱۰ نشان می‌دهد نرخ‌های بیکاری، به‌خصوص برای جوانان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در وضعیت نامطلوبی نسبت به سال‌های گذشته قرار گرفته است. برای مثال نرخ بیکاری زنان جوان (۱۵ تا ۲۹ سال) در استان‌های کرمانشاه، چهارمحال بختیاری ایلام و کرمان به ترتیب ۸۴/۹، ۷۹/۵، ۷۸/۲ و ۷۶/۴ درصد است. این ارقام بیانگر یک وضعیت بسیار نامتعادل در استان‌های مختلف کشور است و با وجود کاهش جزئی نرخ بیکاری در فصل تابستان ۱۳۹۶ همچنان این ارقام نگران‌کننده و بحران‌زاست. مشاهده نرخ‌های بیکاری در جداول پیوست و یادآوری اعتراضات فراگیر زمستان سال ۱۳۹۶ در استان‌های مختلف کشور هشدار می‌دهد که لزوم تغییر مسیر اقتصاد ایران را بیش از پیش نمایان می‌کند.

جمع‌بندی

شرایط بازار کار کشور از یکسو نیازمند توجهات جدی، سیاستگذاری صحیح و آغاز اقدامات اصلاحی برای افزایش کمیت و کیفیت اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، به خصوص برای جمعیت جوان، زنان و دارای تحصیلات دانشگاهی است، ازسوی دیگر سیاستگذاری نادرست و ناسازگار با شرایط اقتصادی کشور می‌تواند این مخاطره را داشته باشد که روند مثبت سه سال‌ونیم اخیر (۳ سال منتهی به زمستان ۱۳۹۶) در بازار کار را متوقف کند. به خصوص آنکه محتوای غالب برنامه‌های موجود از شاکله‌ای مبتنی بر ادبیات علم اقتصاد و تجارب جهانی استوار نیست و هسته اصلی آنها افزایش مداخلات دولت، اعطای یارانه و تخصیص منابع توسط دولت، فشار بر منابع بانکی و تعیین تکلیف برای متغیرهای اقتصادی است. بنابراین در شرایطی قرار داریم که هزینه‌های خطا در سیاستگذاری بسیار بالاست.

طی ۱۴ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۶ بیش از ۲ میلیون نفر به جمعیت شاغلان اضافه شده است. فارغ از کیفیت این مشاغل که در این گزارش به تفصیل درخصوص آن بحث شد، صرف شاغل شدن افراد و به خصوص جوانان در موقعیت‌های شغلی مختلف نویدبخش است. زیرا می‌توانند با کسب تجربه در بازار کار، طی سال‌های آتی در مشاغل با کیفیت‌تری مشغول به کار شوند. این وضعیت وقتی امیدوارکننده است که با دهه قبل از آن مقایسه شود؛ دهه‌ای که جوانان زیادی نتوانستند با ورود به بازار کار شاغل شوند و لذا دچار بیکاری‌های بلندمدت (بیکاری بالاتر از ۱۲ ماه) شدند و حتی جمعیت زیادی بیش از ۲ سال بیکار ماندند و نتوانستند تجارب شغلی مناسبی برای خود اندوخته کنند. چنین وضعیتی سبب مستهلک شدن سرمایه انسانی آنها خواهد شد و احتمال شاغل شدن آنان در دوره‌های بعدی را نیز کاهش می‌دهد. همان‌گونه که در گزارش اشاره شد در سال ۱۳۹۶، ۱/۴ میلیون نفر از بیکاران متولدان دهه ۱۳۶۰ هستند یعنی افرادی که بین سنین ۲۷ تا ۳۶ سال هستند. آینده شغلی این افراد با ابهام‌های زیادی روبروست و ممکن است بخشی از آنان موفق به یافتن شغلی نشوند. با چنین پیش‌زمینه‌ای، مشاهده روند افزایشی اشتغال یک تحول مثبت است و باید تلاش شود به‌عنوان یک دستاورد حداقلی این روند حفظ شود. ازسوی دیگر افزایش قابل توجه نرخ مشارکت و جمعیت فعال سبب شده این میزان افزایش اشتغال کافی نباشد و نرخ بیکاری در روندی صعودی قرار گیرد. به‌طوری که در فصل زمستان سال ۱۳۹۶ نرخ بیکاری کل به بالای ۱۲ درصد و نرخ بیکاری جوانان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی به ارقام نامتعارف بالای ۵۰ درصد در برخی استان‌های کشور برسد. این وضعیت طبیعتاً نارضایتی در پی خواهد داشت، زیرا از یکسو سهمی از مشاغل ایجاد شده دارای کیفیت قابل قبول جوانان نیست که اثر آن در افزایش سهم اشتغال ناقص یا کاهش سهم مشاغل دارای بیمه نمود پیدا کرد و ازسوی دیگر نرخ بیکاری رو به افزایش است.

در مجموع شرایط بازار کار کشور شرایط ویژه‌ای است. اگر بتوان در چارچوب یک بسته جامع



اصلاحات اقتصادی اقدام‌های مفیدی در اقتصاد کشور اعمال کرد، بازار کار با شرایط بهتری مواجه خواهد شد و از طرف دیگر اگر سیاستگذاری با خطای زیاد همراه باشد شرایط کنونی بسیار ناپایدار است و اقدامات مخرب می‌تواند آغازکننده بحران‌هایی در نظام بانکی، بازار ارز و بودجه دولت باشد که بی‌ثباتی قابل ملاحظه‌ای را در سطح اقتصاد کلان ایجاد خواهند کرد و نقطه پایانی این بی‌ثباتی‌ها تخریب بنگاه‌های خردی خواهد بود که طی سال‌های مورد بررسی در این گزارش بار اصلی افزایش اشتغال برعهده آنها بوده است.

لذا اگر اقتصاد ایران در شرایط بی‌ثباتی قرار گیرد، با توجه به روند افزایشی در نرخ مشارکت، صعود نرخ بیکاری به ارقام بالای ۱۵ درصد می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد. به‌عنوان هشدار برای سیاستگذاران باید به این نکته توجه کرد که اگر نیروی اصلی پیشران اعتراضات اخیر، وضعیت اقتصادی کشور بوده است، بدین معنا که اگر اعتراضات به‌عنوان واکنشی به تورم ۱۰ درصدی و نرخ بیکاری ۱۲ درصدی تحلیل شود، قابل تصور نیست در یک تورم چند ده درصدی و بروز بحران دوقلوی بانکی و ارزی و افزایش شدید نرخ بیکاری، واکنش‌ها چه شدتی خواهند داشت.

لازم است سیاستگذاران کشور توجه داشته باشند نوسانات اقتصادی اخیر، که با وجود هشدارهای مداوم کارشناسان اقتصادی، اقداماتی برای جلوگیری از آن صورت نگرفت، می‌تواند تبعات اقتصادی و در پی آن تبعات اجتماعی-سیاسی داشته باشد. از طرفی بررسی تجارب جهانی در زمینه اشتغال‌زایی و سیاست‌های بازار کار و همچنین شرایط کنونی اقتصاد ایران نشان می‌دهد هیچ راه میانبری برای کاهش فوری بیکاری و ایجاد اشتغال گسترده وجود ندارد. این تصمیم با توجه به مجموعه بزرگ‌تری از متغیرهای اقتصادی در سطح خرد و کلان و قواعد و قوانین حاکم بر بازار کار اتخاذ می‌شود. زیرا تعادل بازار کار برآیند عملکرد سایر بازارها و بخش‌های یک اقتصاد است. بنابراین لازم است برای بهبود پایدار شرایط بازار کار، اصلاحات اقتصادی در بازارها و بخش‌های مختلف اقتصاد در کنار سیاست‌های ویژه بازار کار و سیاست‌های حمایتی در قالب یک مجموعه به هم پیوسته مد نظر قرار گیرد. برای مثال اصلاح سیاست‌های پولی، مالی، مالیاتی و ارزی برای ثبات بخشیدن به فضای اقتصاد کلان، اصلاح سیاست‌های اعتباری، اصلاح نظام بانکی و سامان‌بخشی به بازار پول برای سهولت دسترسی به بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران به منابع مالی، ایجاد شرایطی رقابتی در بازارهای مختلف و بهبود محیط کسب‌وکار از طریق واگذاری بنگاه‌های دولتی، عدم مداخله در قیمتگذاری محصولات در بازار کالا، تدوین و تصویب قانون رقابت برای تقویت حقوق مالکیت و کاهش انحصارات، مقررات‌زدایی برای شروع کسب‌وکارها، تعیین نقش و مأموریت بنگاه‌های عمومی غیردولتی در اقتصاد، اصلاح سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای و اصلاح شرایط بازار انرژی از شروط لازم برای بهبود وضعیت بازار کار و ایجاد اشتغال است. در کنار این موارد، اصلاح برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، بهبود عملکرد کارایی‌ها و برداشتن موانع خاص توسعه هر یک از بخش‌های اقتصادی و رشته فعالیت‌های منتخب در قالب سیاست‌های فعال و اصلاح

نظام تأمین مالی برای افزایش دسترسی بنگاه‌های خرد و کوچک به منابع مالی از جمله مواردی هستند که می‌توانند مکملی بر سیاست‌های بند قبل به بهبود شرایط بازار کار باشند. همچنین اصلاح قوانین مرتبط با بازار کار و اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب مانند اصلاح ساختار بیمه بیکاری و حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر و شاغلان دارای مشاغل کم‌کیفیت در چارچوب نظام تأمین اجتماعی، شرایطی را فراهم می‌آورد که بتوان رشدی اشتغال‌زا و ضد فقر را تجربه کرد.

پیوست‌ها

۱. پیوست موضوعی

الف) کار و شاغل

تمام افراد ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی (فکری و بدنی) که به‌منظور کسب درآمد (نقدی و یا غیر نقدی) صورت پذیرد و هدف آن تولید کالا یا ارائه خدمت باشد، کار محسوب می‌شود و به کسی که کار دارد شاغل گفته می‌شود (سازمان جهانی کار).

بنا به تعریفی دیگر، شاغل به کسی گفته می‌شود که در چهار هفته اخیر حداقل یک ساعت در هفته با هدف کسب درآمد کار کرده باشد و یا حداقل ۱۵ ساعت در هفته بدون درآمد (شامل کار در مزارع یا کسب و کارهای خانوادگی) فعالیت داشته باشد (www.thebalance.com).

ب) جمعیت فعال و نرخ مشارکت

جمعیت فعال در اقتصاد شامل افرادی می‌شود که به‌صورت فعال در جستجوی شغل هستند و توانایی لازم را برای داشتن یک شغل و انجام فعالیت، دارند. از جمله افرادی که در این جمعیت به حساب نمی‌آیند، می‌توان به افرادی که به سن کار نرسیده‌اند و یا بازنشسته شده‌اند اشاره کرد. مطابق تعاریف مختلف و بسته به قوانین کشورها شروع سن کار از ۱۰ سال تا ۱۶ سال متغیر است. طبق تعریف جمعیت فعال، نرخ مشارکت تعریف می‌شود که به‌صورت نسبت جمعیت فعال به جمعیت کل جامعه محاسبه می‌شود. نرخ فعالیت (نرخ مشارکت اقتصادی) عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰ (سازمان جهانی کار).

$$\text{نرخ مشارکت} = \frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{جمعیت در سن کار}} \times 100$$



عوامل مؤثر بر میزان نرخ مشارکت بسیار گسترده است که ترکیبی از شرایط افراد و شرایط جامعه را شامل می‌شود. سطح درآمد، تولید ناخالص داخلی، موقعیت فرد در خانوار و ... مثال‌هایی از این دست هستند. بررسی‌های بین کشورهای مختلف و همچنین بین دوره‌ای نشان می‌دهد رابطه منفی بین نرخ مشارکت و نرخ بیکاری وجود دارد و نرخ‌های بیکاری بالا در کشورهایی رخ می‌دهد که نرخ مشارکت پایین متناظر دارند. همچنین به‌طور میانگین افزایش نرخ مشارکت در کشورهایی که افزایش بیشتری در نرخ بیکاری داشته‌اند، کمتر از سایرین است. جالب توجه است که اثر معناداری بین افزایش علاقه و رضایت شغلی و تغییر در نرخ مشارکت جامعه وجود ندارد (المسکو و پیچرمن ۱۹۹۳). علاوه بر این افراد دلایل مختلفی برای فعال نبودن دارند، دلایلی مانند ادامه تحصیل، از کارافتادگی، ناامیدی از جستجوی شغل و ... بنابراین عوامل بسیاری در قانونگذاری و شرایط اقتصاد بر تغییر نرخ مشارکت تأثیر می‌گذارند که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شود. درواقع افراد غیرفعال به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول مانند مانند بازنشستگان نمی‌خواهند شغلی داشته باشند و دسته دوم افرادی هستند که می‌خواهند شغلی داشته باشند و به دلایلی دست از جستجو برداشته‌اند، دلایلی مثل شرایط نامناسب سنی برای آغاز شغل جدید یا ناامیدی از یافتن شغل که البته همواره دسته دوم سهم کمی از جمعیت غیرفعال را دارند. برای مثال این سهم در آمریکا کمتر از ۱۰ درصد است (هاتچیکس ۲۰۰۵).

ج) بیکاری

- بیکار

بیکار به تمام افراد ده‌ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) اطلاق می‌شود که:

الف) در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدبگیری یا خود اشتغالی نباشند).

ب) در هفته مرجع یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزد بگیری یا خوداشتغالی آماده باشند).

ج) در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به‌منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به‌عمل آورده باشند).

افرادی که به‌دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز بیکار محسوب می‌شوند (سازمان جهانی کار).

- نرخ رسمی بیکاری

با توجه به تعریف نرخ مشارکت، نرخ بیکاری نیز تعاریف متنوعی دارد. تعریف رسمی بیکاری عبارت است از نسبت شاغلین به جمعیت فعال جامعه و نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰ (سازمان جهانی کار).

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

حال این نکته مطرح می‌شود که آیا این نرخ آمار درستی از تعداد بیکاران جامعه را نشان می‌دهد یا خیر؟ جواب این سؤال منفی است، زیرا انواع مختلف بیکاری نیز وجود دارند که در آمار رسمی وارد نمی‌شوند و در بررسی‌ها به‌عنوان بیکار شناخته نمی‌شوند. به عبارت دیگر افرادی که چندین ماه در جستجوی شغل بوده و پس از شکست دست از جستجو برداشته و از جمعیت فعال خارج شده‌اند، افرادی که به ناچار تن به شغل نیمه‌وقت داده‌اند و یا در حال انجام شغلی هستند که از توانایی‌های خود در آن استفاده نمی‌کنند، مثال‌هایی هستند که طبق تعریف رسمی بیکاری جزء بیکاران به‌شمار نمی‌آیند. بنابراین نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر برای اطلاع از تعداد بیکاران جهت تصمیم‌گیری‌های کلان ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به ضرورت این نکته مفاهیم بیکاری پنهان و اشتغال ناقص مطرح می‌شوند.

– انواع بیکاری

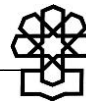
همان‌طور که بیان شد با توجه به کامل نبودن آمار رسمی بیکاری و اعتقاد برخی صاحب‌نظران بر حقیقی نبودن تعریف ساده بیکاری، منابع معتبر BLS و LFS تعاریف دقیق‌تری از بیکاری را بیان می‌کنند. تعریف BLS شامل ۶ سطح از بیکاری است که عبارتند از (Regional Economic Analysis March 2014):

- U1:** درصدی از جمعیت فعال که به مدت بیکاری ۱۵ هفته یا بیشتر تا کنون بیکار هستند.
- U2:** افرادی که شغل موقت داشته و آن را از دست داده‌اند (به نمودار درصدی از جمعیت فعال بیان می‌شود).
- U3:** جمع کل بیکاران که در تعریف نرخ رسمی بیکاری بیان شده است.
- U4:** مجموع کل بیکاران و افرادی که از جستجوی شغل ناامید شده‌اند (به نمودار درصدی از جمع افراد فعال به اضافه افراد ناامید از جستجوی شغل، بیان می‌شود).
- U5:** مجموع U4 و افرادی که به دلایلی بجز ناامیدی جزء حاشیه متصل بیکاری هستند (به نمودار درصدی از جمع افراد فعال به اضافه حاشیه متصل ارائه می‌شود).
- U6:** مجموع U5 و افرادی که اشتغال ناقص زمانی دارند (به نمودار درصدی از جمع افراد فعال به اضافه حاشیه متصل ارائه می‌شود).

در تعریف فوق، U1 و U2 به‌عنوان زیرمجموعه‌هایی از نرخ بیکاری به‌شمار می‌آیند و U3 معادل نرخ بیکاری است که به‌صورت رسمی و مطابق تعریف رسمی بیان می‌شود. U4 و U5 با عنوان نرخ بیکاری وسیع در تعریف ارائه می‌شوند و U6 که جمع تمامی موارد فوق است با عنوان اشتغال ناقص (Underemployment) بیان می‌شود. شایان ذکر است که بیکاران رسمی خود زیرمجموعه‌ای از U6 هستند و جدا از آن نیستند.

د) اشتغال ناقص

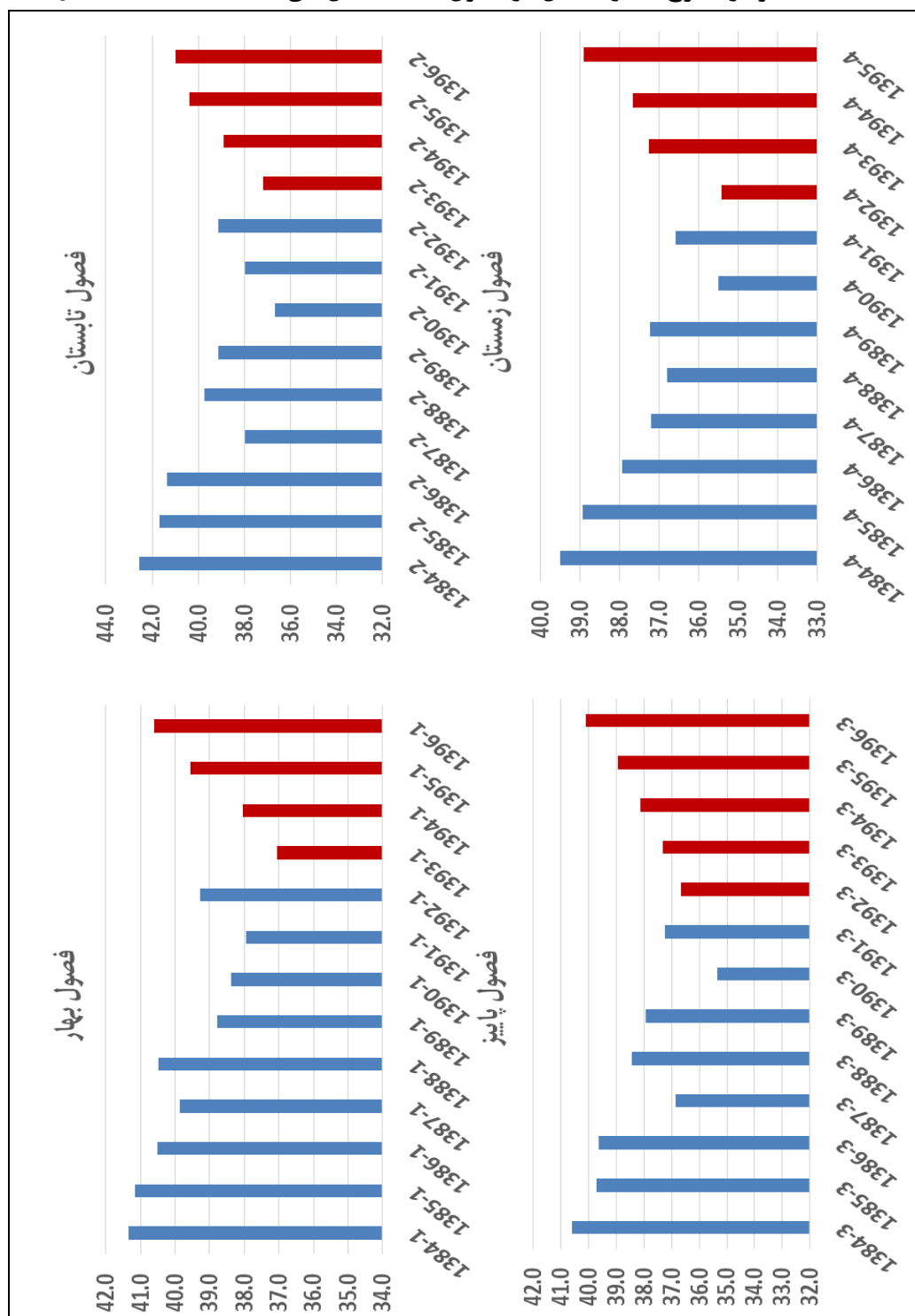
افراد دارای اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار



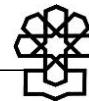
داشتن در فصل غیرکاری و ... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۴۰ ساعت در تعریف بانک جهانی). اشتغال ناقص به شغلی گفته می‌شود که براساس یکسری استانداردها برای کارگر ناکارآست در نتیجه کارگر از تمام توانش برای استفاده از شغل بهره نمی‌برد (بلینو و فلدمان (۱۹۹۶)). اشتغال ناقص به کاهش اجباری ساعات کار گفته می‌شود به طوری که کارگر نتواند هرچقدر که می‌خواهد کار کند و دستمزد دریافت کند با این تعریف عوامل ایجادکننده اشتغال ناقص با عوامل ایجادکننده بیکاری مشترک است (هام (۱۹۸۲)). در ادبیات بیکاری هرزمان که از اصطلاح نرخ اشتغال ناقص یا Underemployment Rate استفاده می‌شود، منظور همان U6 است که مجموع تمام حالت‌های بیکاری را شامل می‌شود. همچنین علاوه بر نرخ، مفهومی با عنوان حجم اشتغال ناقص وجود دارد که به مجموع میزان ساعات کاری گفته می‌شود که افراد مشمول اشتغال ناقص، توانایی و تمایل به افزایش ساعات کاری کنونی خود دارند. درواقع این متغیر نشان می‌دهد که معدل چند نفر ساعت در هفته ظرفیت شغلی وجود دارد که اقتصاد قادر به فراهم کردن آن نیست.

۲. پیوست نمودارها

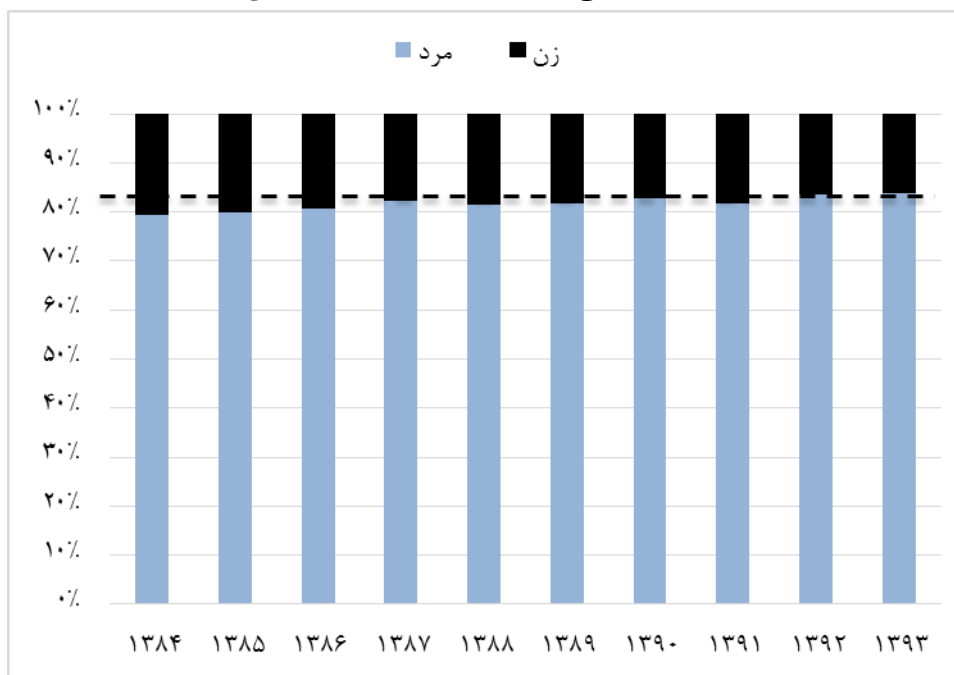
نمودار ۱. نرخ مشارکت کل در فصول مختلف سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ (درصد)



مآخذ: محاسبات محققین از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار، مرکز آمار ایران.



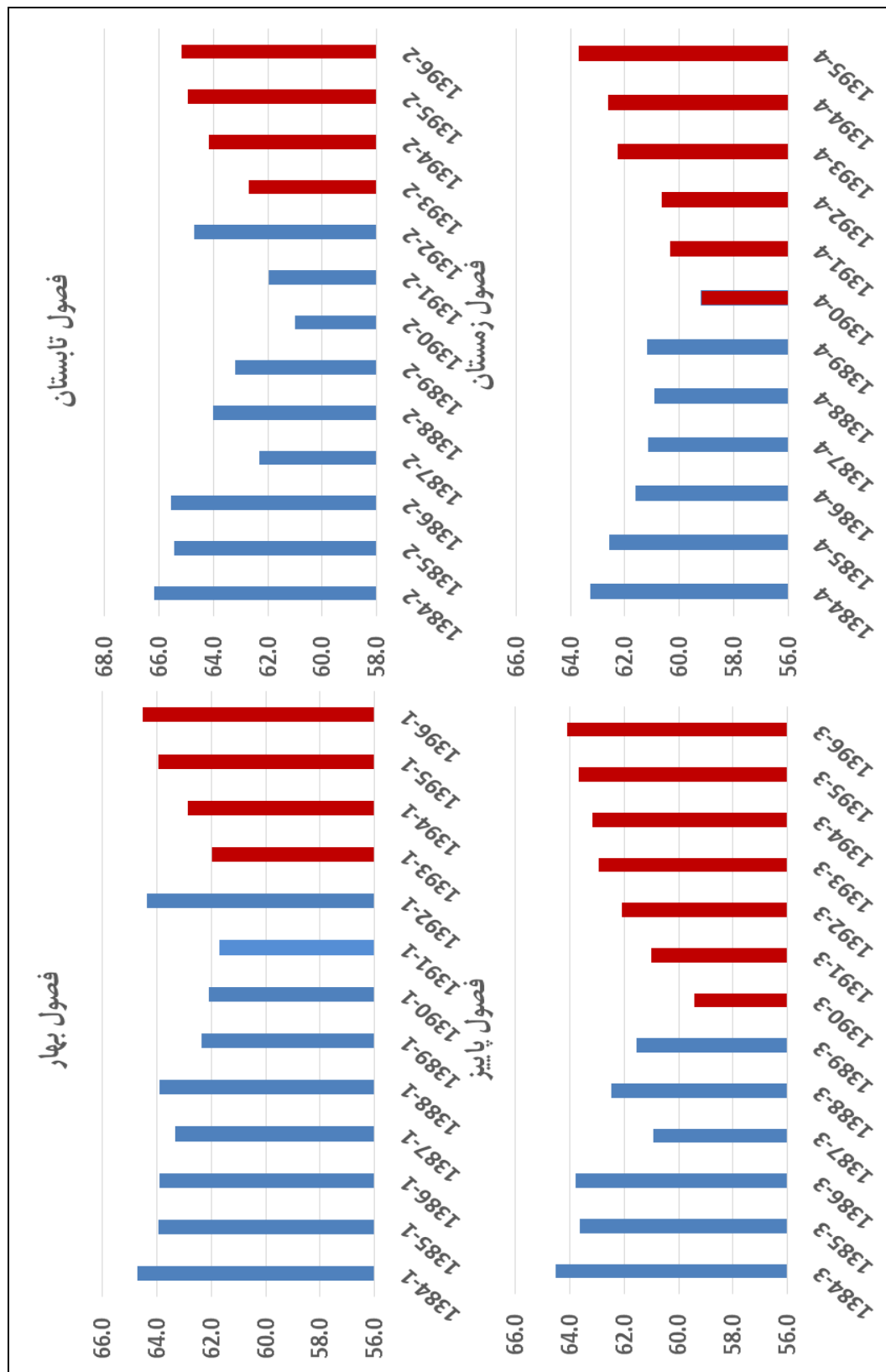
نمودار ۲. ساختار جنسیتی جمعیت فعال در بازار کار ایران (درصد)



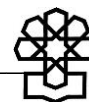
مأخذ: همان.

(درصد)

نمودار ۳. نرخ مشارکت فصلی مردان

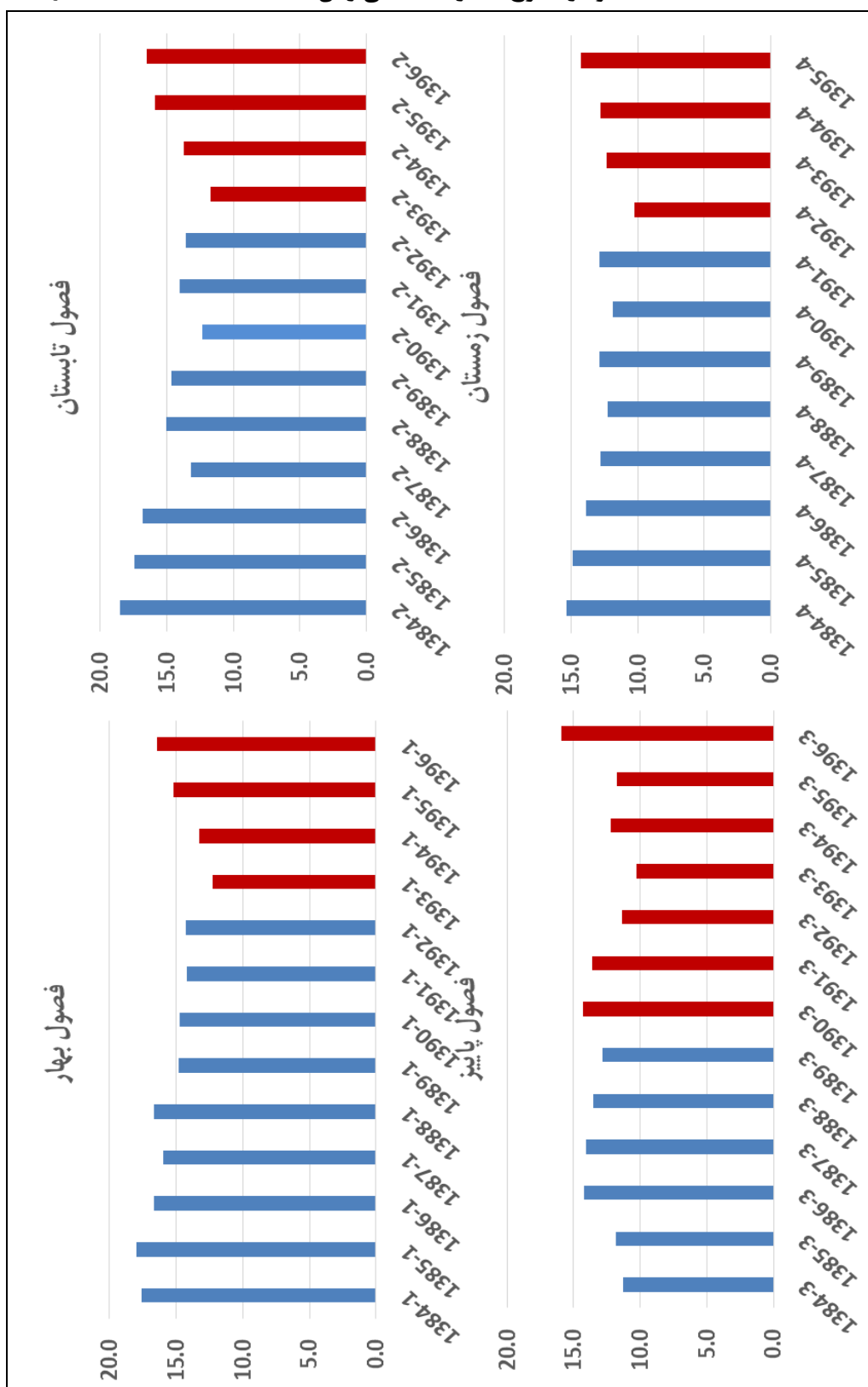


مأخذ: همان.



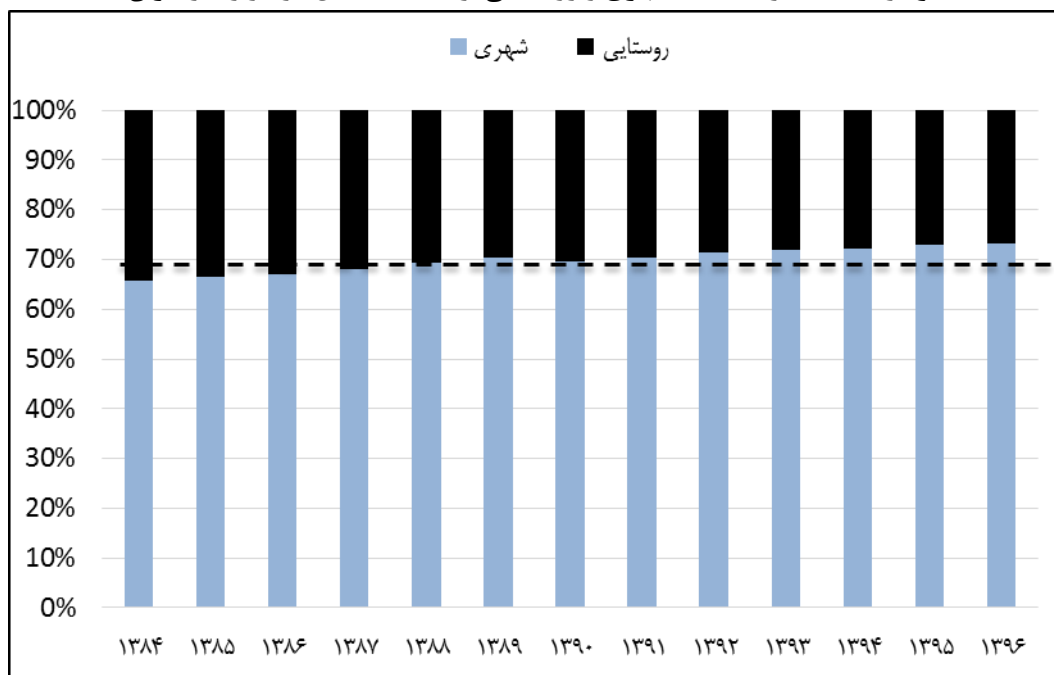
نمودار ۴. نرخ مشارکت فصلی زنان

(درصد)



مأخذ: همان.

نمودار ۵. ساختار جمعیت شهری و روستایی از جمعیت فعال در بازار کار ایران

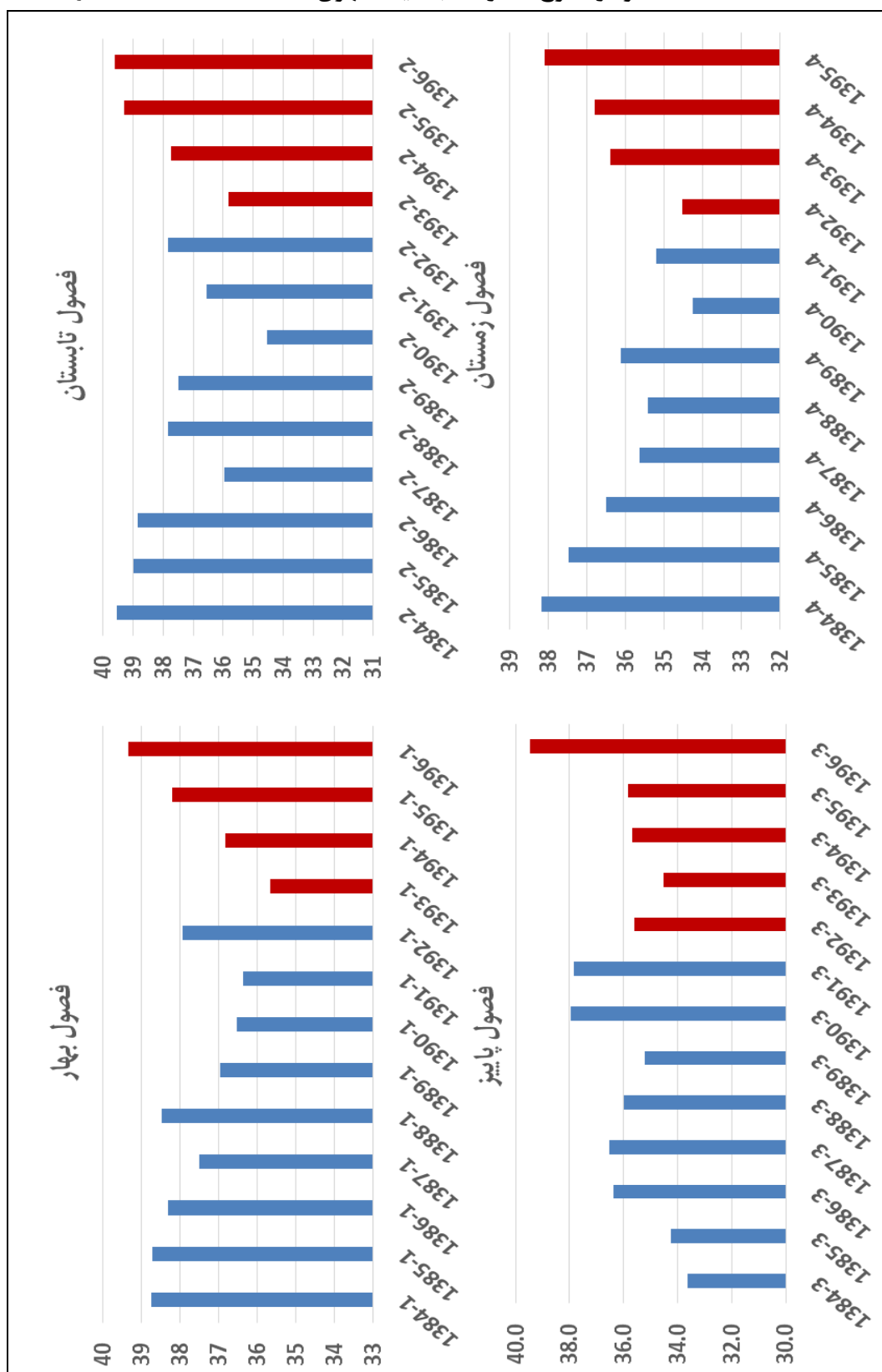


مأخذ: همان.



نمودار ۶. نرخ مشارکت جمعیت شهری

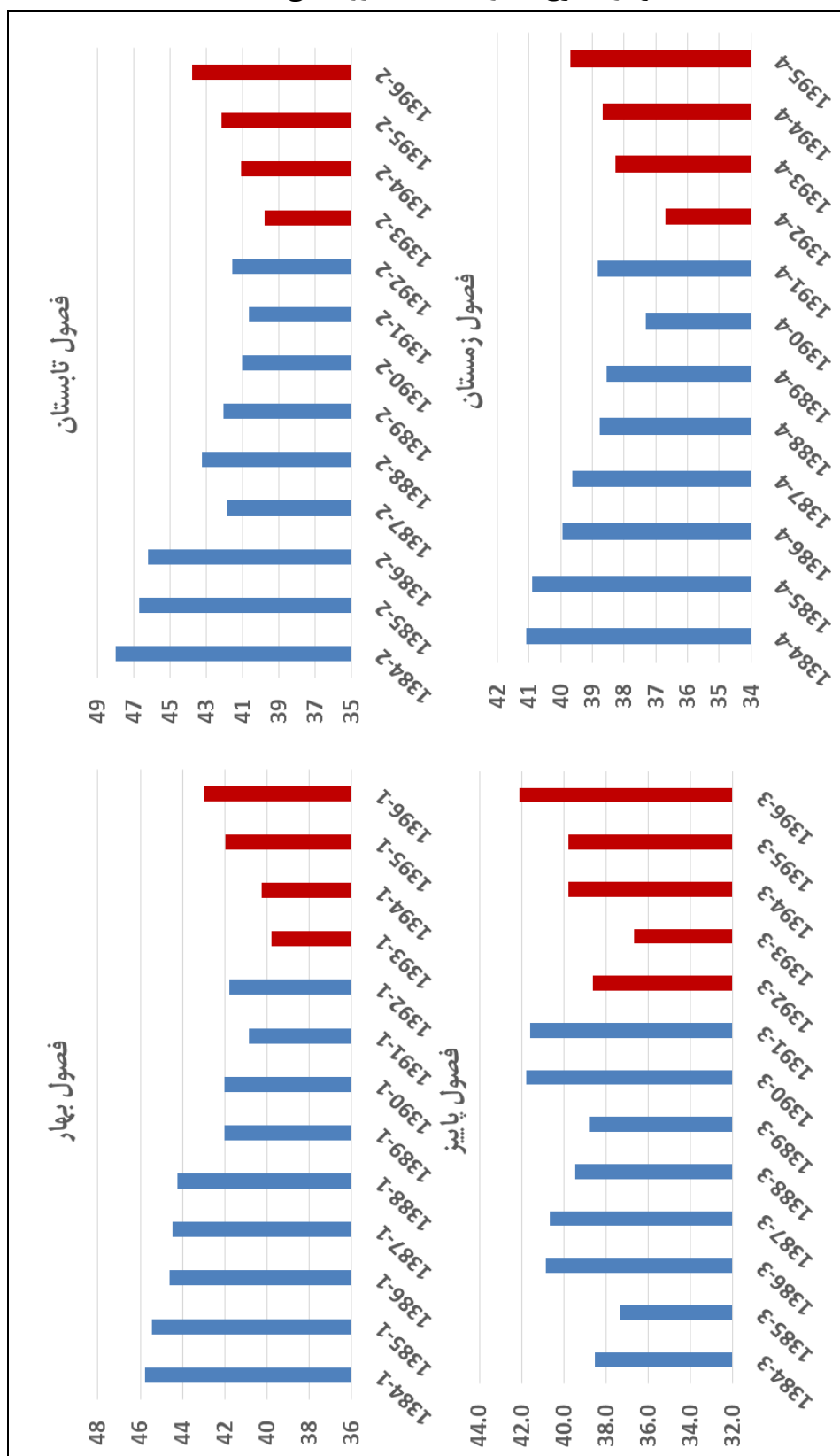
(درصد)



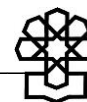
مأخذ: همان.

(درصد)

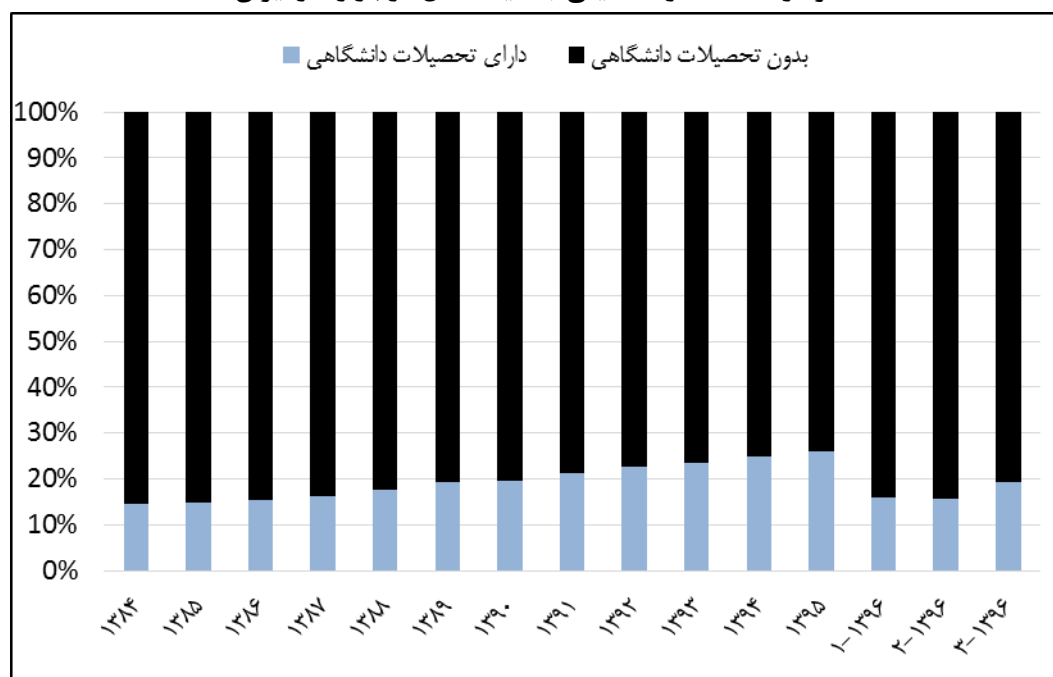
نمودار ۷. نرخ مشارکت جمعیت روستایی



مأخذ: همان.



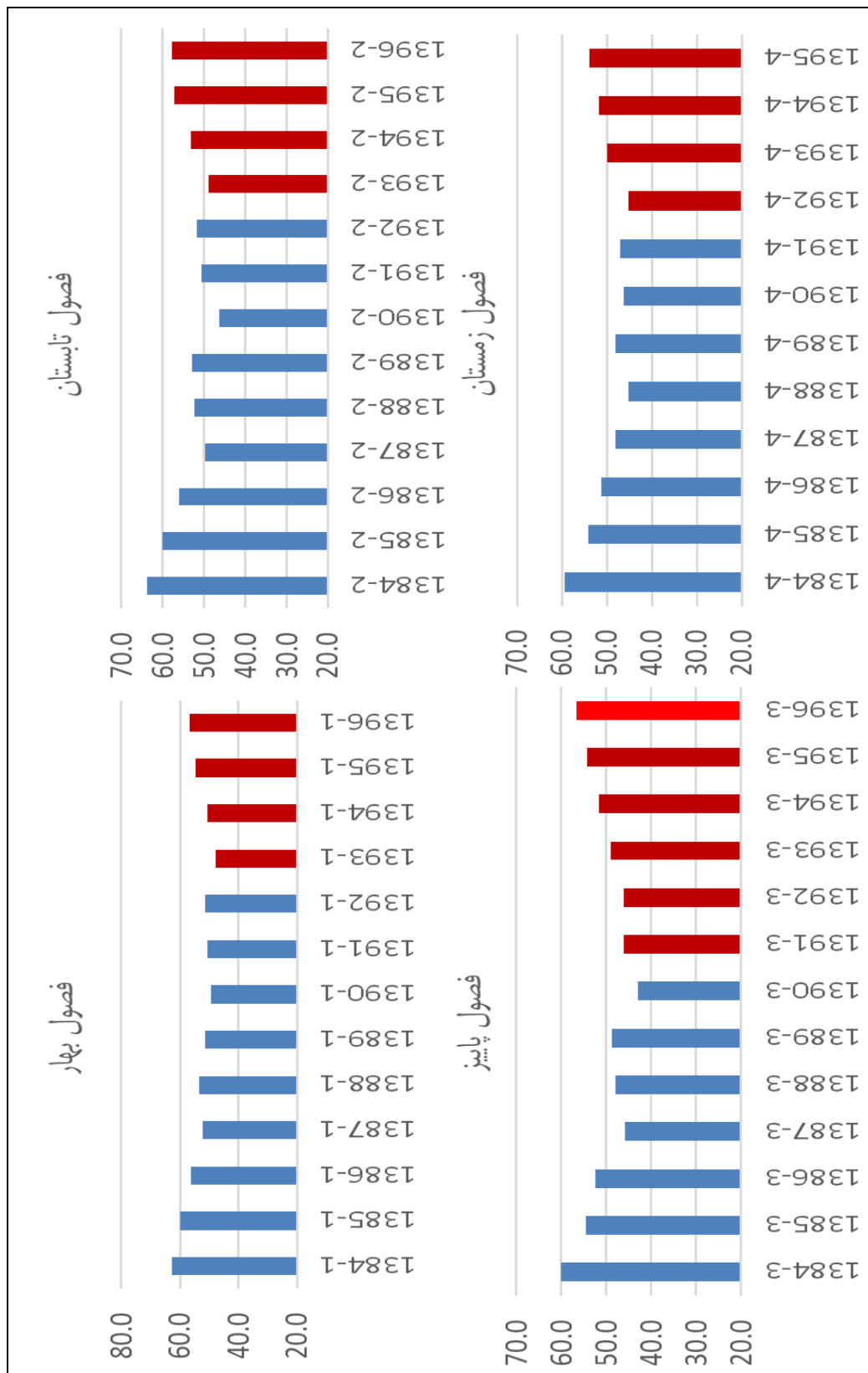
نمودار ۸. ساختار تحصیلی جمعیت فعال در بازار کار ایران



مأخذ: همان.

(درصد)

نمودار ۹. نرخ مشارکت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی

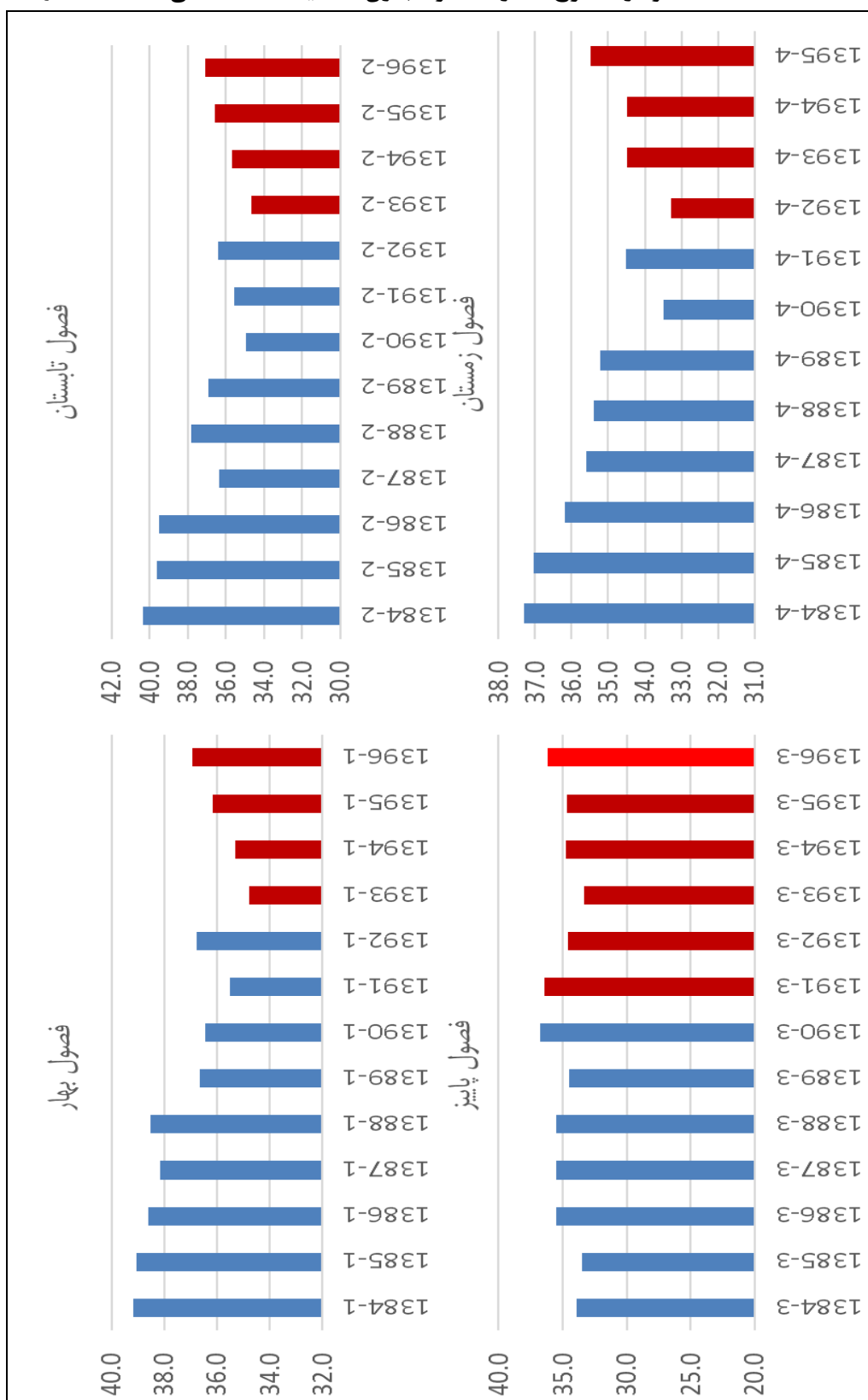


مأخذ: همان.



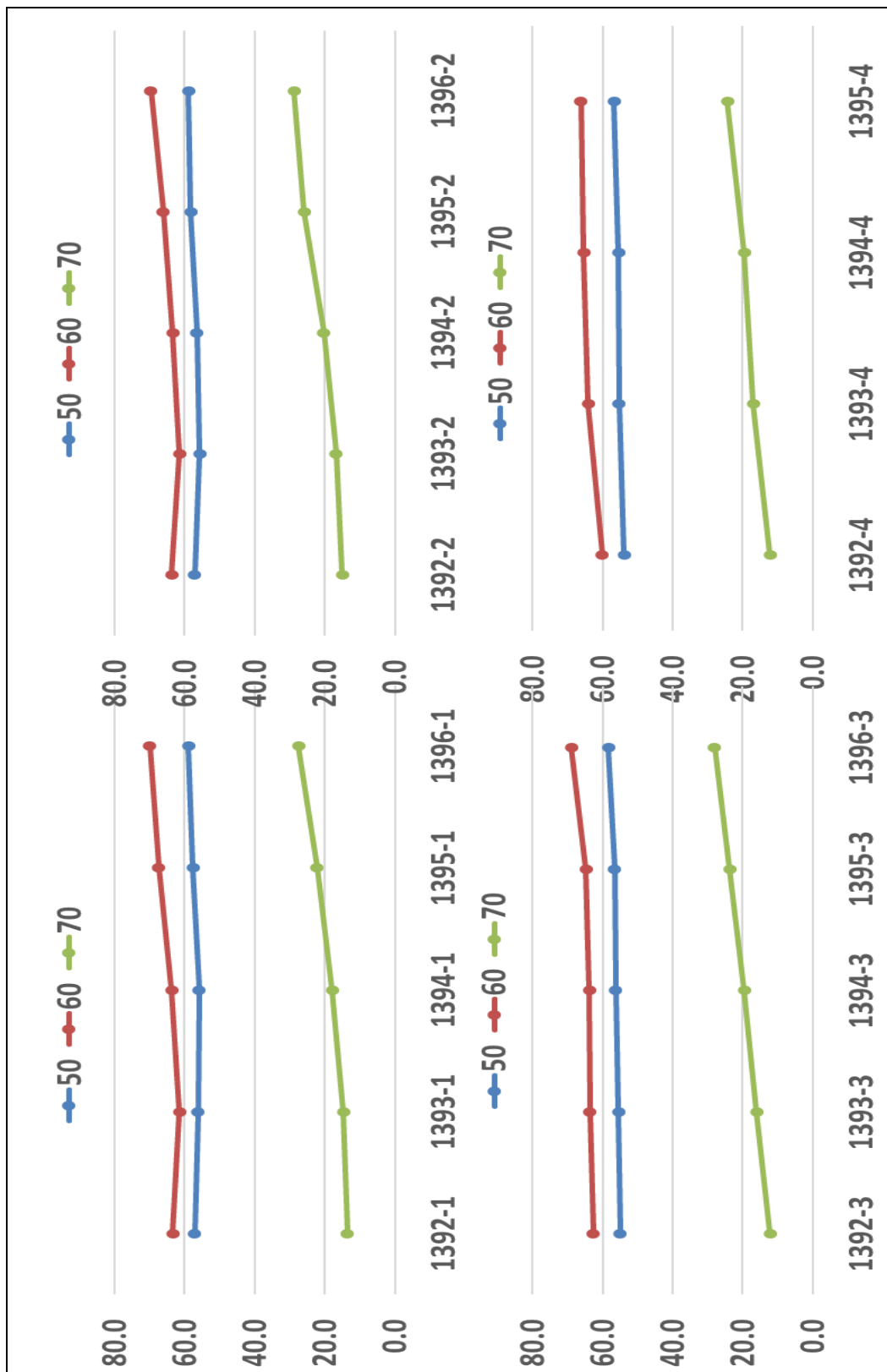
نمودار ۱۰. نرخ مشارکت افراد بدون تحصیلات دانشگاهی

(درصد)

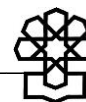


مأخذ: همان.

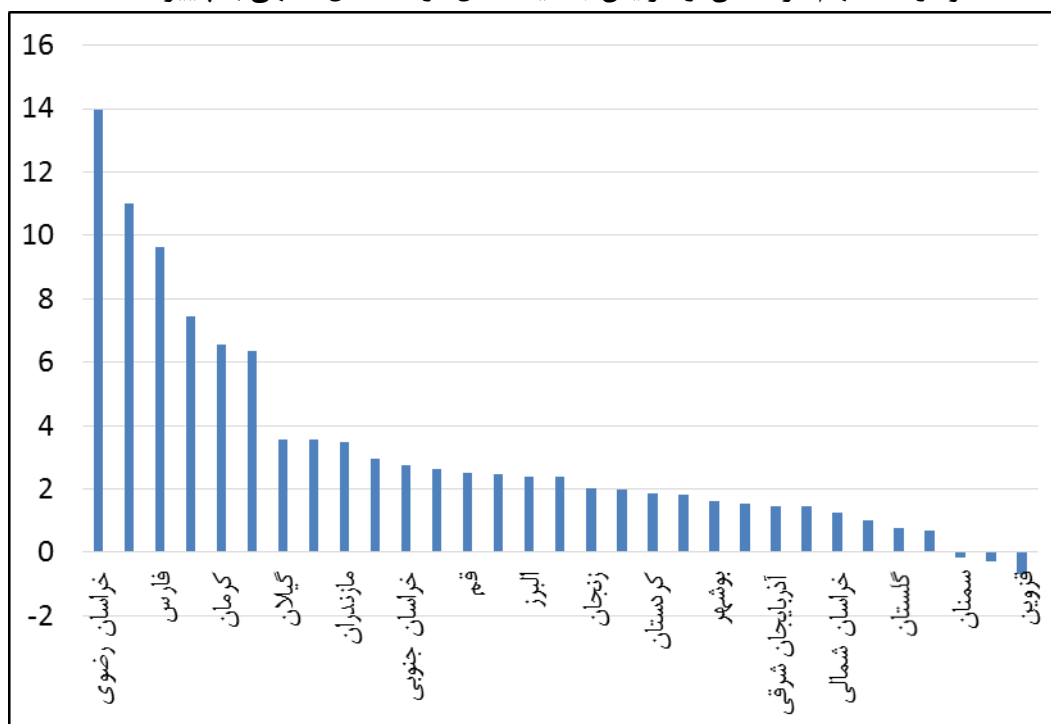
نمودار ۱۱. نرخ مشارکت فصول مختلف به تفکیک متولدین دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰



مأخذ: همان.

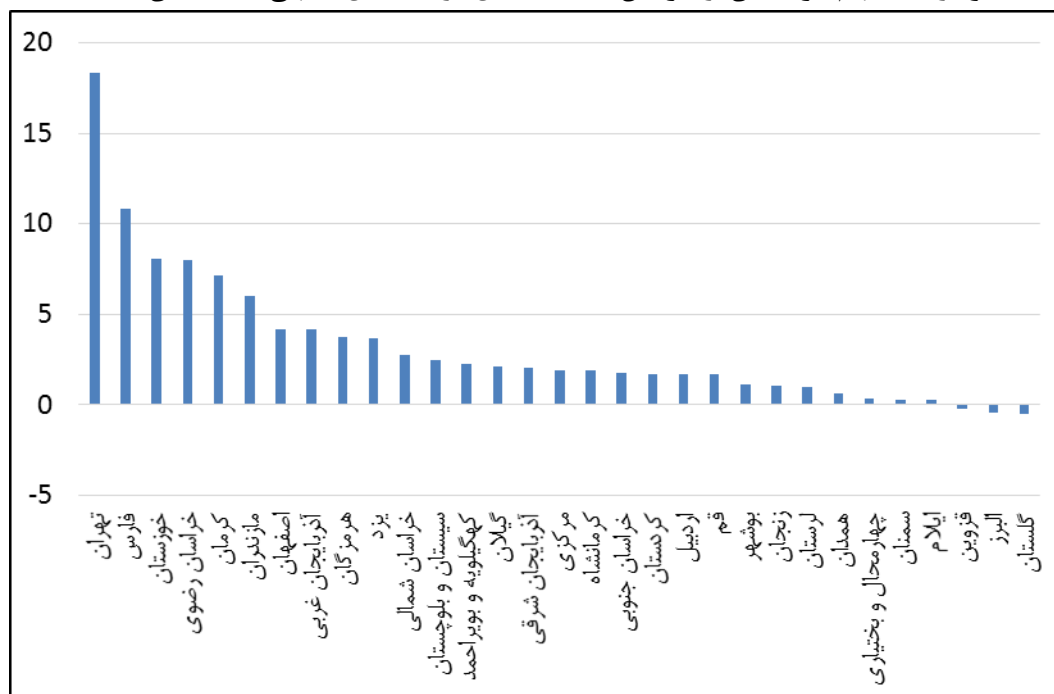


نمودار ۱۲. سهم هر استان از افزایش جمعیت فعال در سه سال منتهی به پاییز ۱۳۹۶

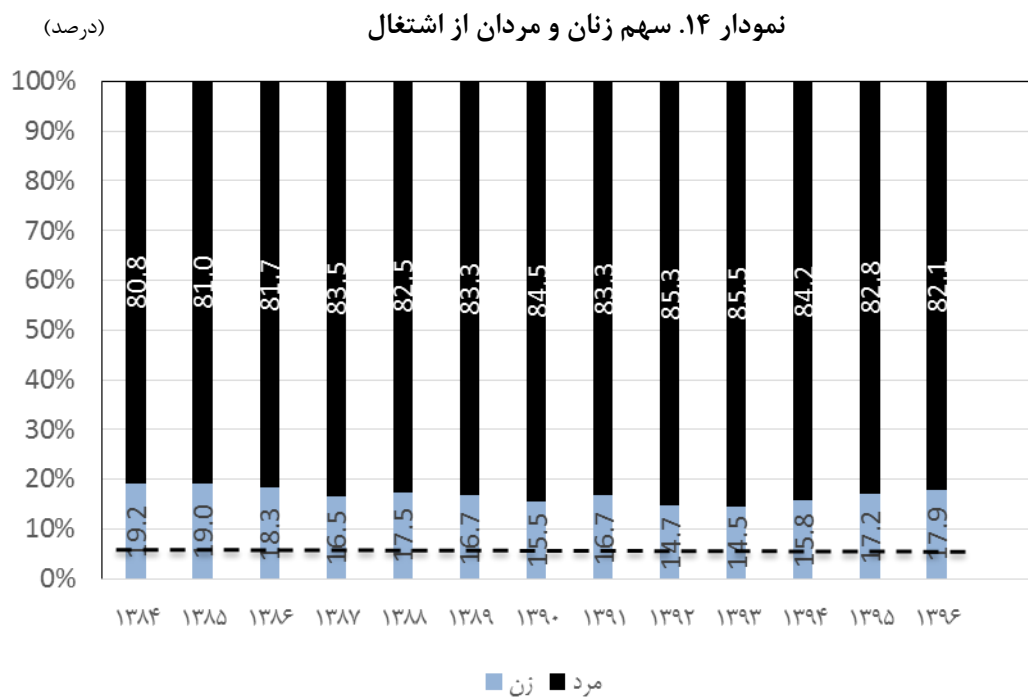


مأخذ: همان.

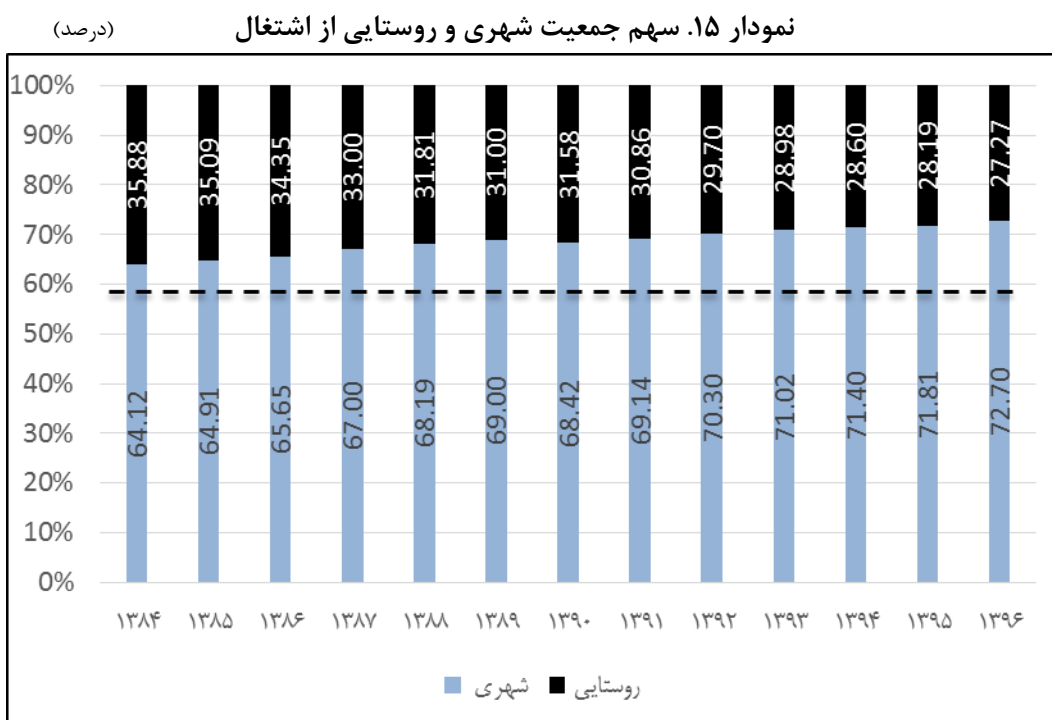
نمودار ۱۳. سهم هر استان از افزایش جمعیت فعال در سه سال منتهی به تابستان ۱۳۹۶



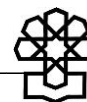
مأخذ: همان.



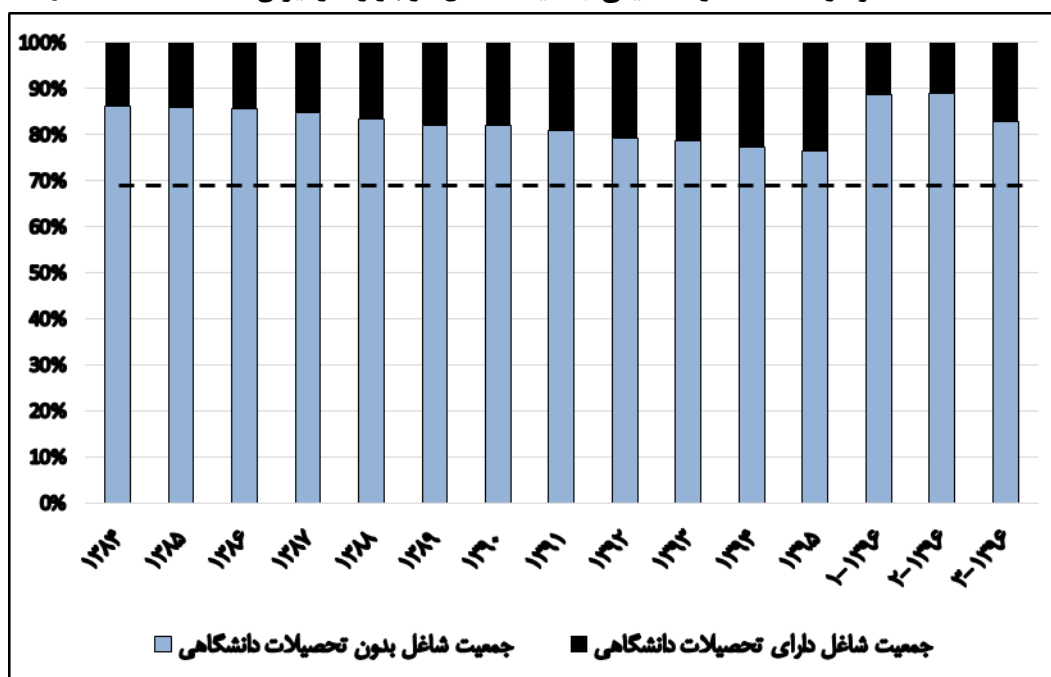
مأخذ: همان.



مأخذ: همان.

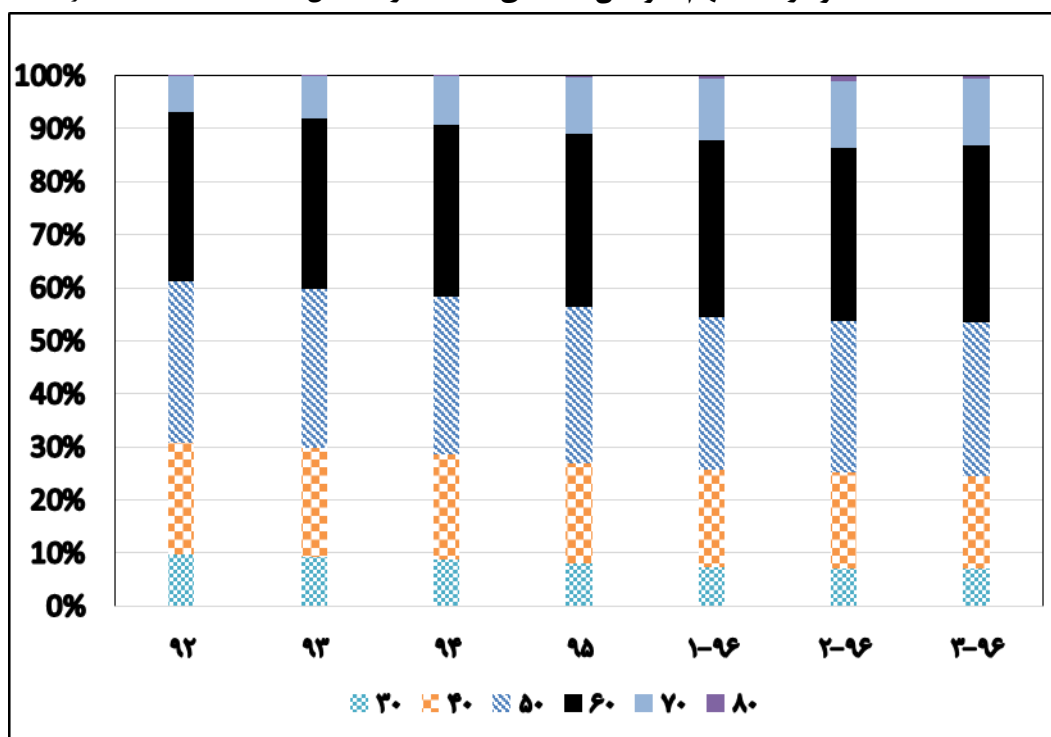


نمودار ۱۶. ساختار تحصیلی جمعیت شاغل در بازار کار ایران (درصد)



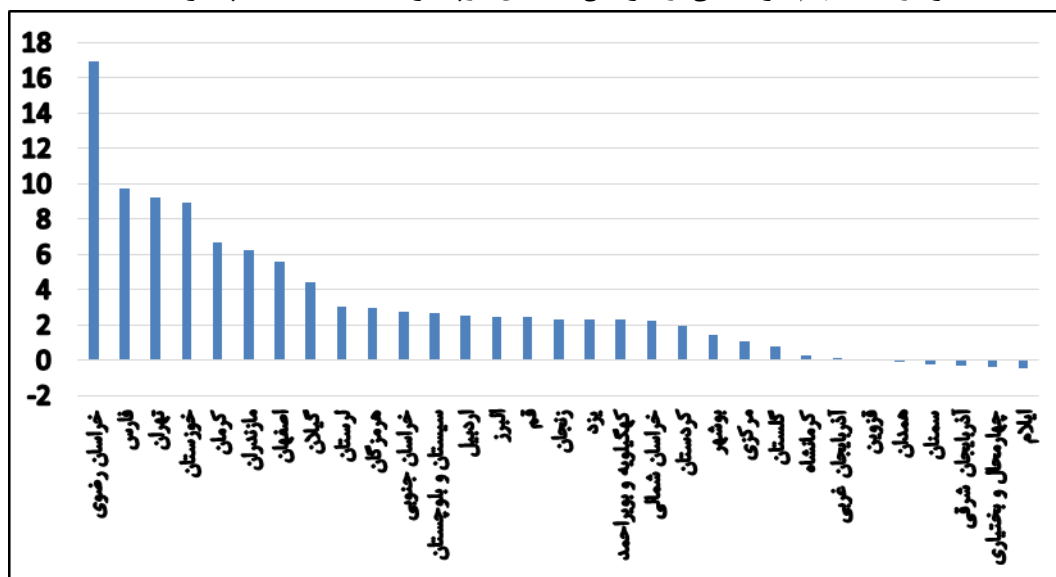
مأخذ: همان.

نمودار ۱۷. سهم متولدان دهه‌های مختلف از اشتغال (درصد)



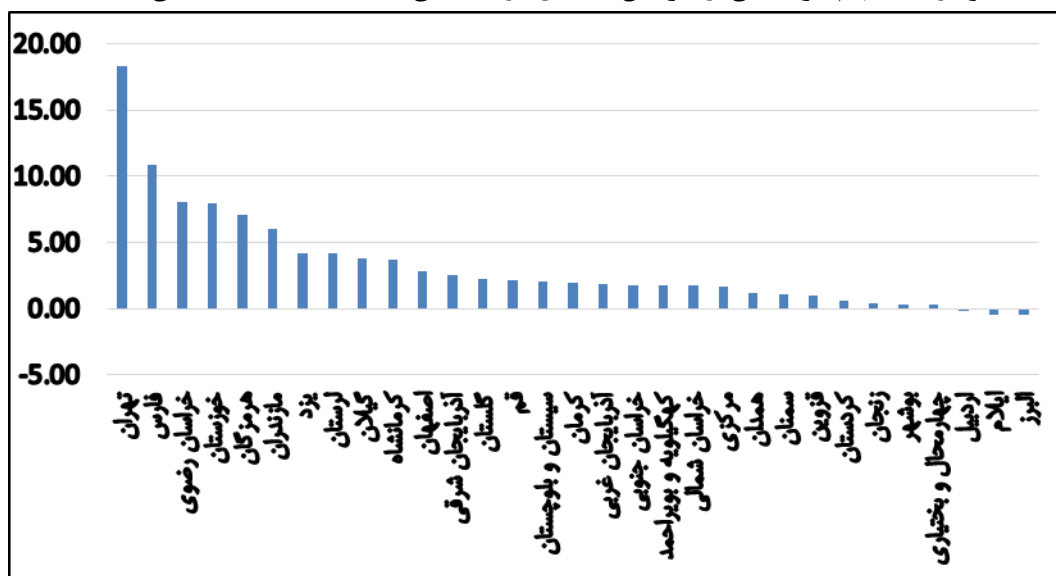
مأخذ: همان.

نمودار ۱۸. سهم هر استان از افزایش اشتغال در پاییز ۱۳۹۶ نسبت به پاییز ۱۳۹۳

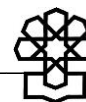


مأخذ: همان.

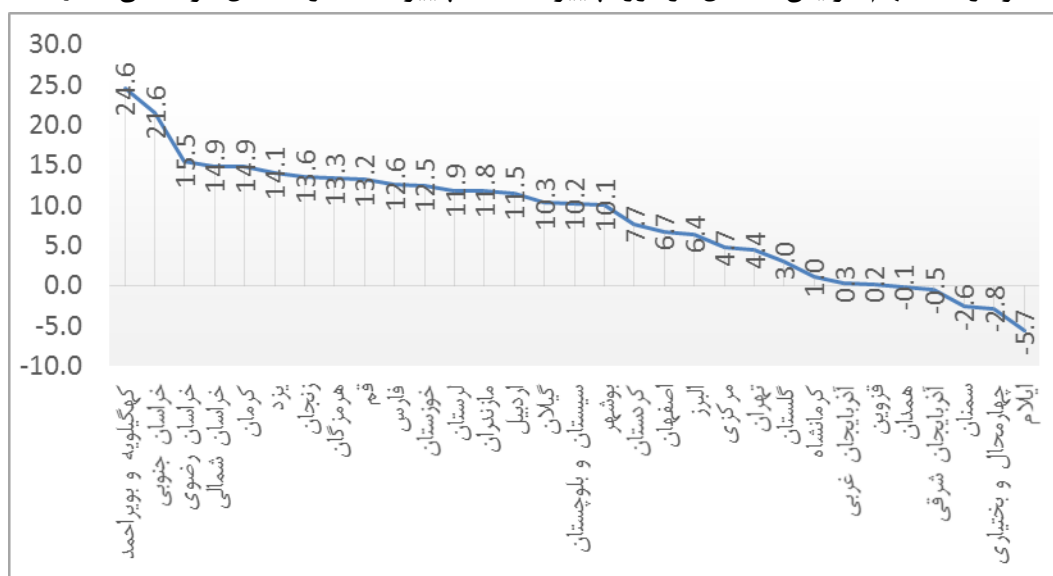
نمودار ۱۹. سهم هر استان از افزایش اشتغال در تابستان ۱۳۹۶ نسبت به تابستان ۱۳۹۳



مأخذ: همان.

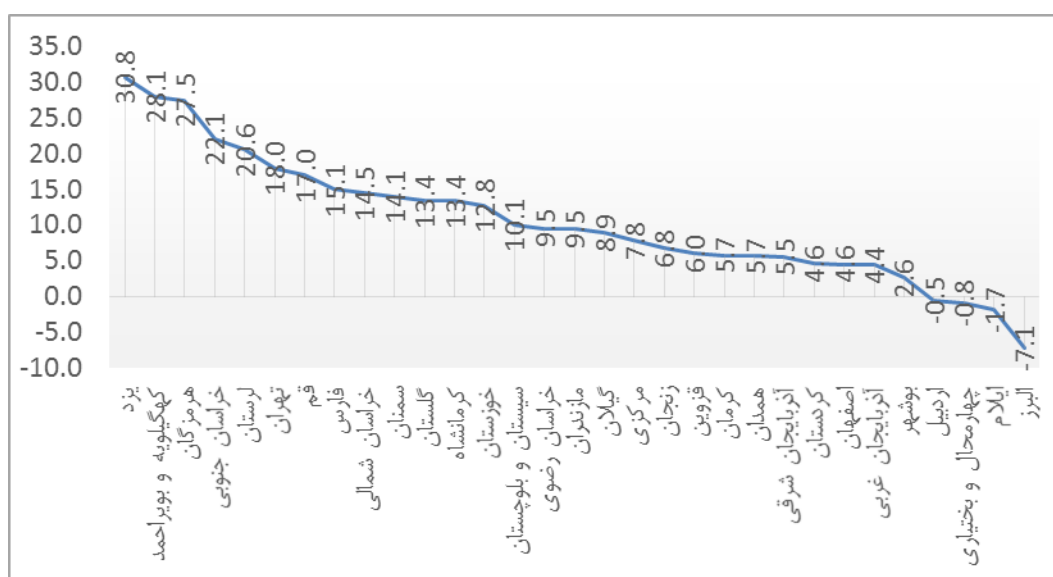


نمودار ۲۰. سهم افزایش اشتغال در دوره پاییز ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۳ از اشتغال هر استان (درصد)



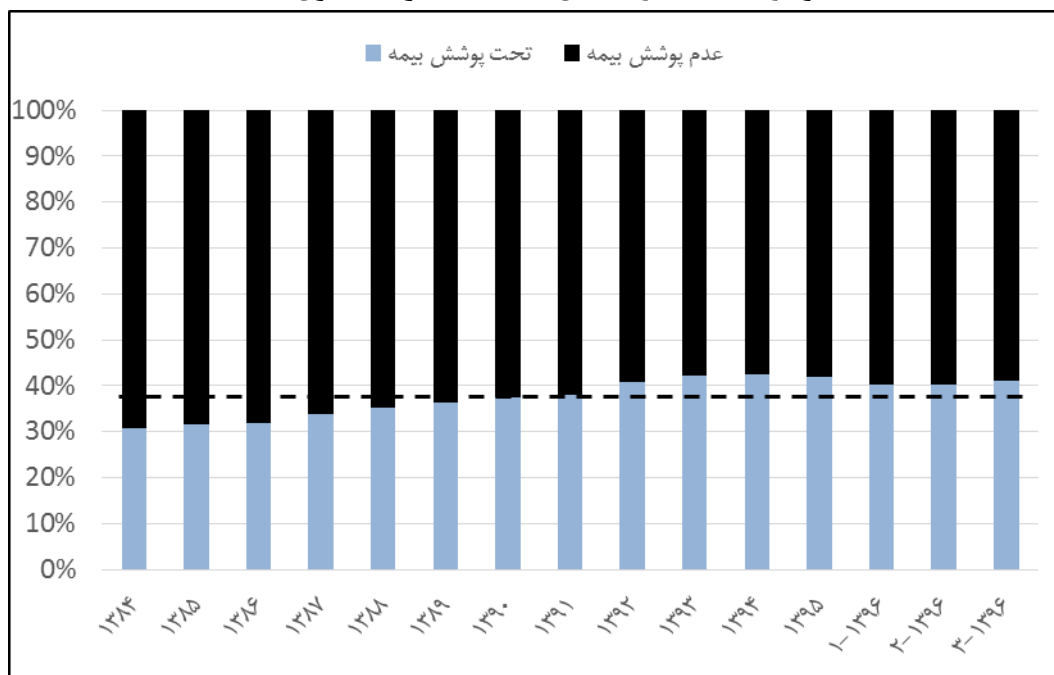
مأخذ: همان.

نمودار ۲۱. سهم افزایش اشتغال در دوره تابستان ۱۳۹۶ تا تابستان ۱۳۹۳ از اشتغال هر استان (درصد)



مأخذ: همان.

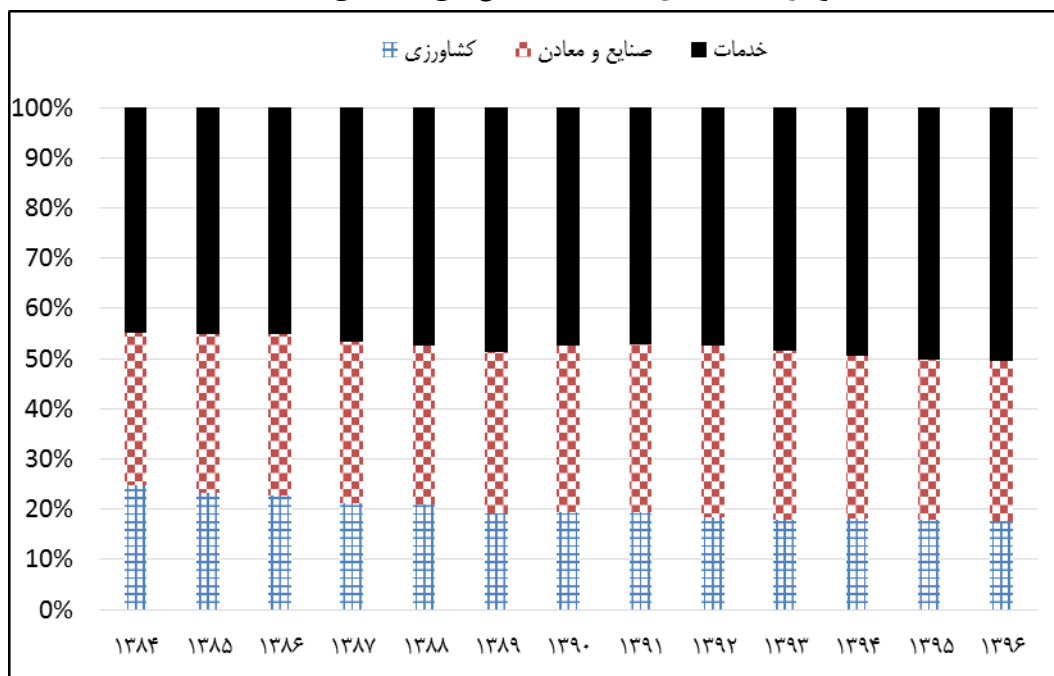
نمودار ۲۲. ساختار اشتغال به تفکیک افراد مشمول بیمه



مأخذ: همان.

(درصد)

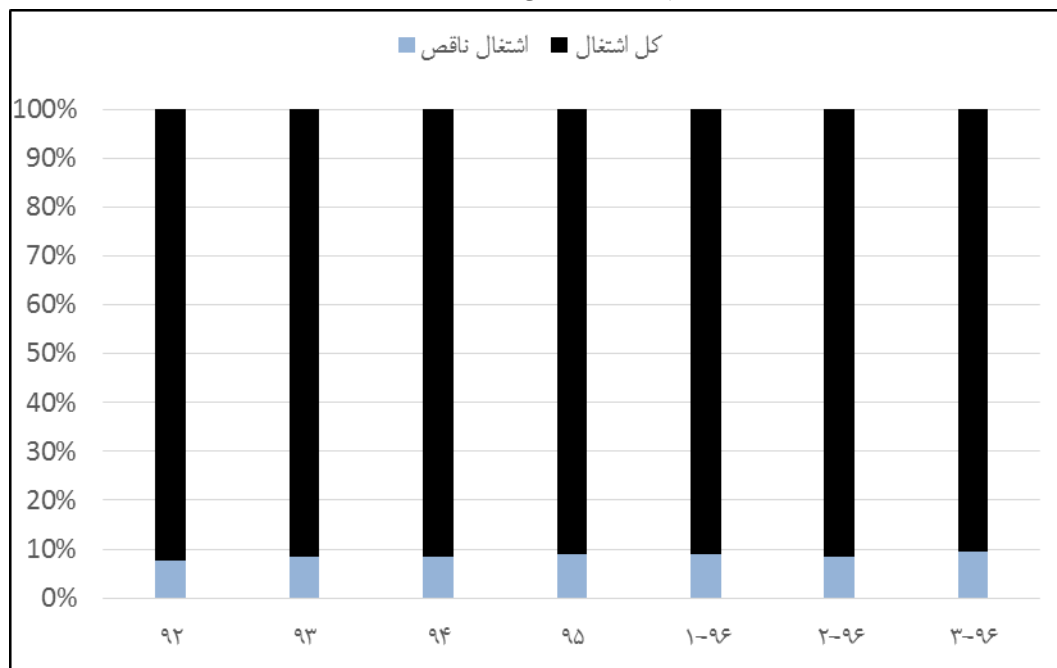
نمودار ۲۳. اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی



مأخذ: همان.

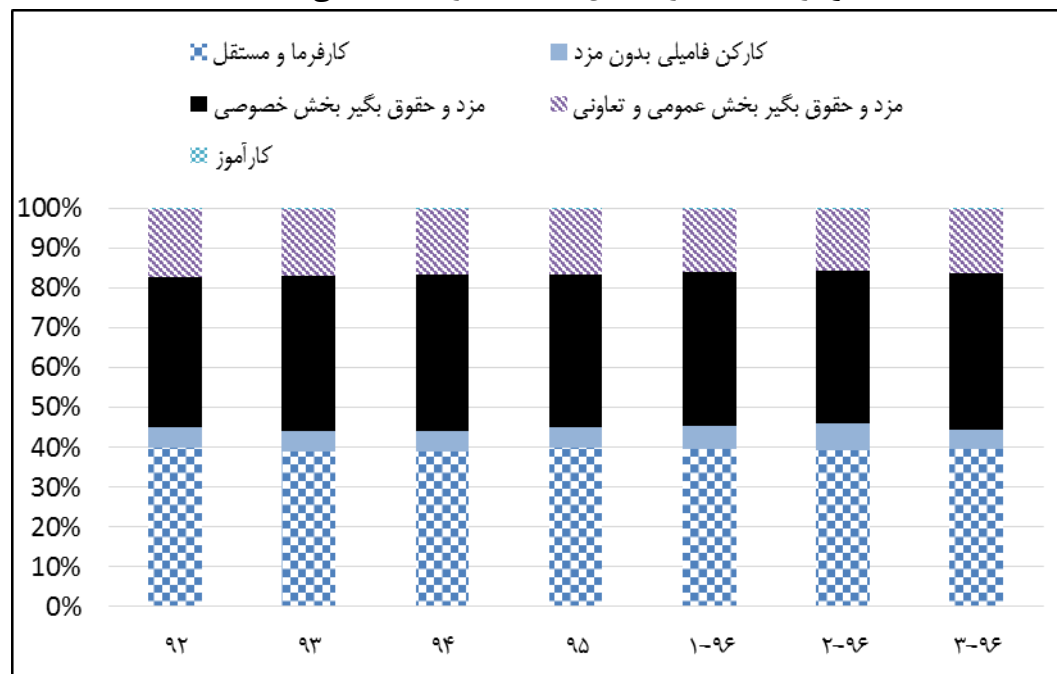


نمودار ۲۴. سهم اشتغال ناقص از کل جمعیت شاغل (درصد)



مأخذ: همان.

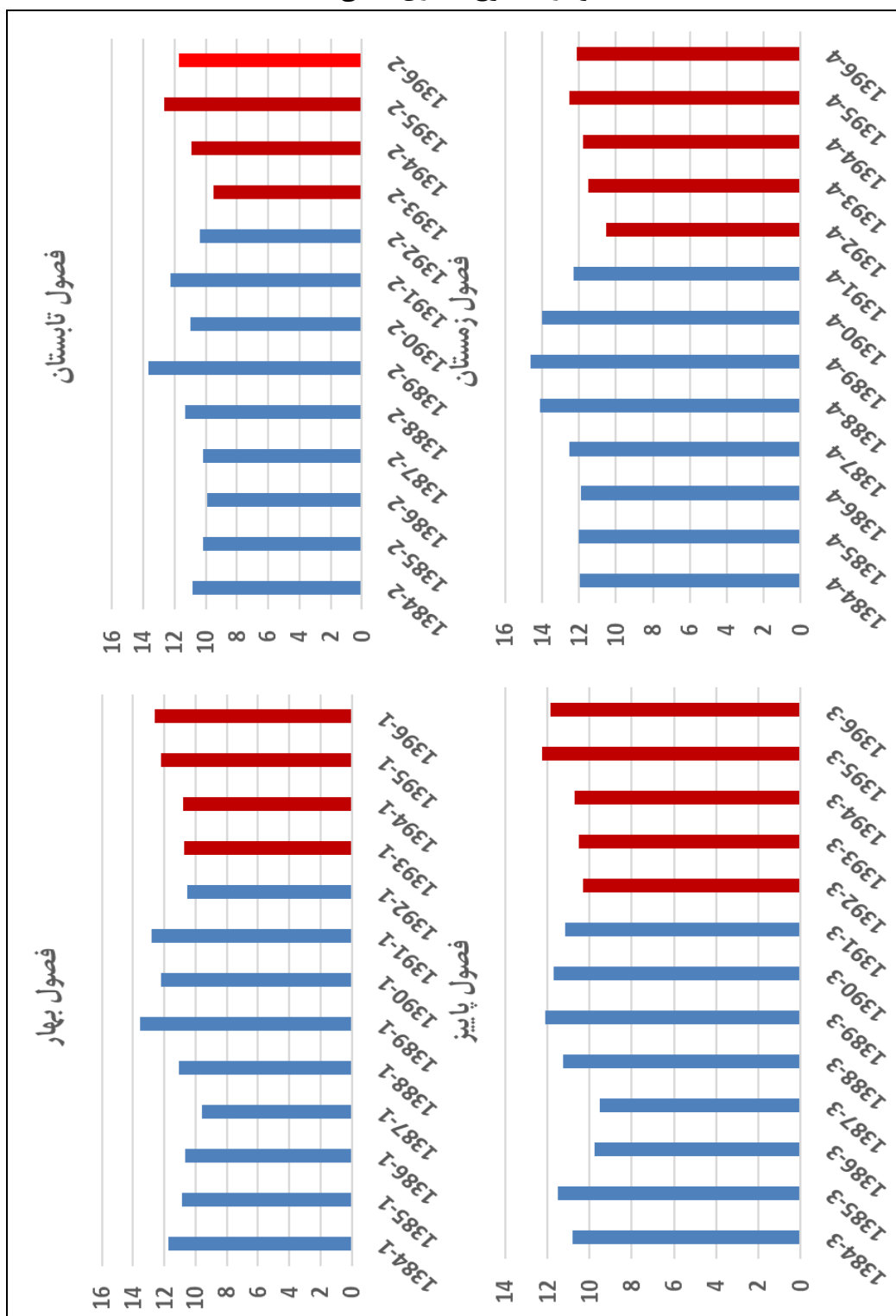
نمودار ۲۵. ساختار اشتغال به تفکیک وضعیت شغلی (درصد)



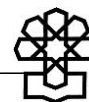
مأخذ: همان.

(درصد)

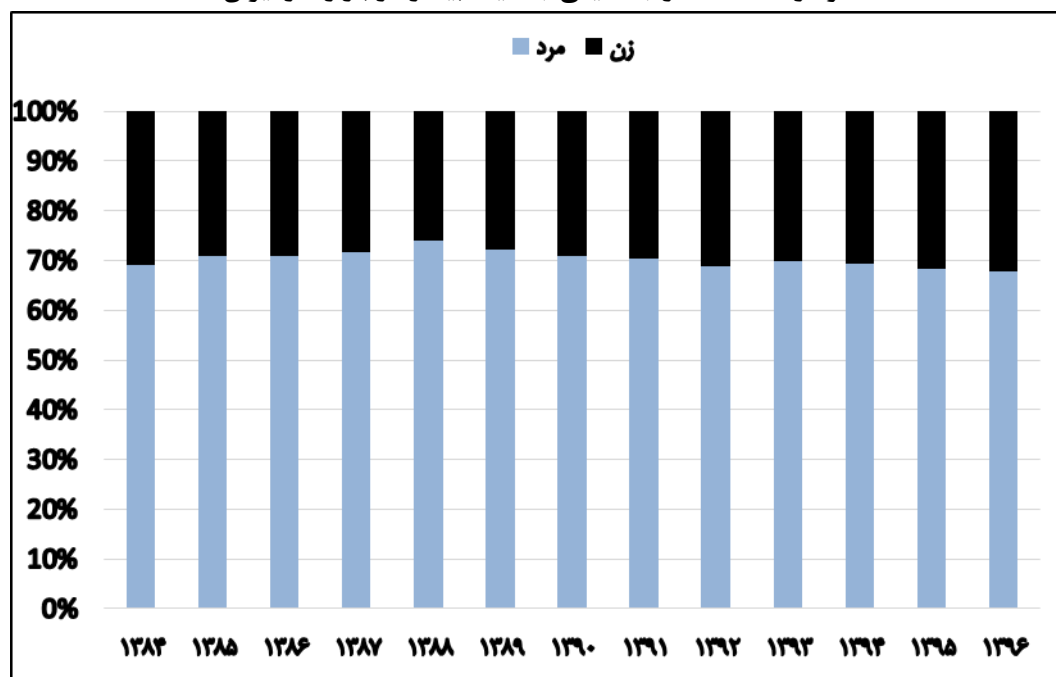
نمودار ۲۶. نرخ بیکاری فصلی



مأخذ: همان.



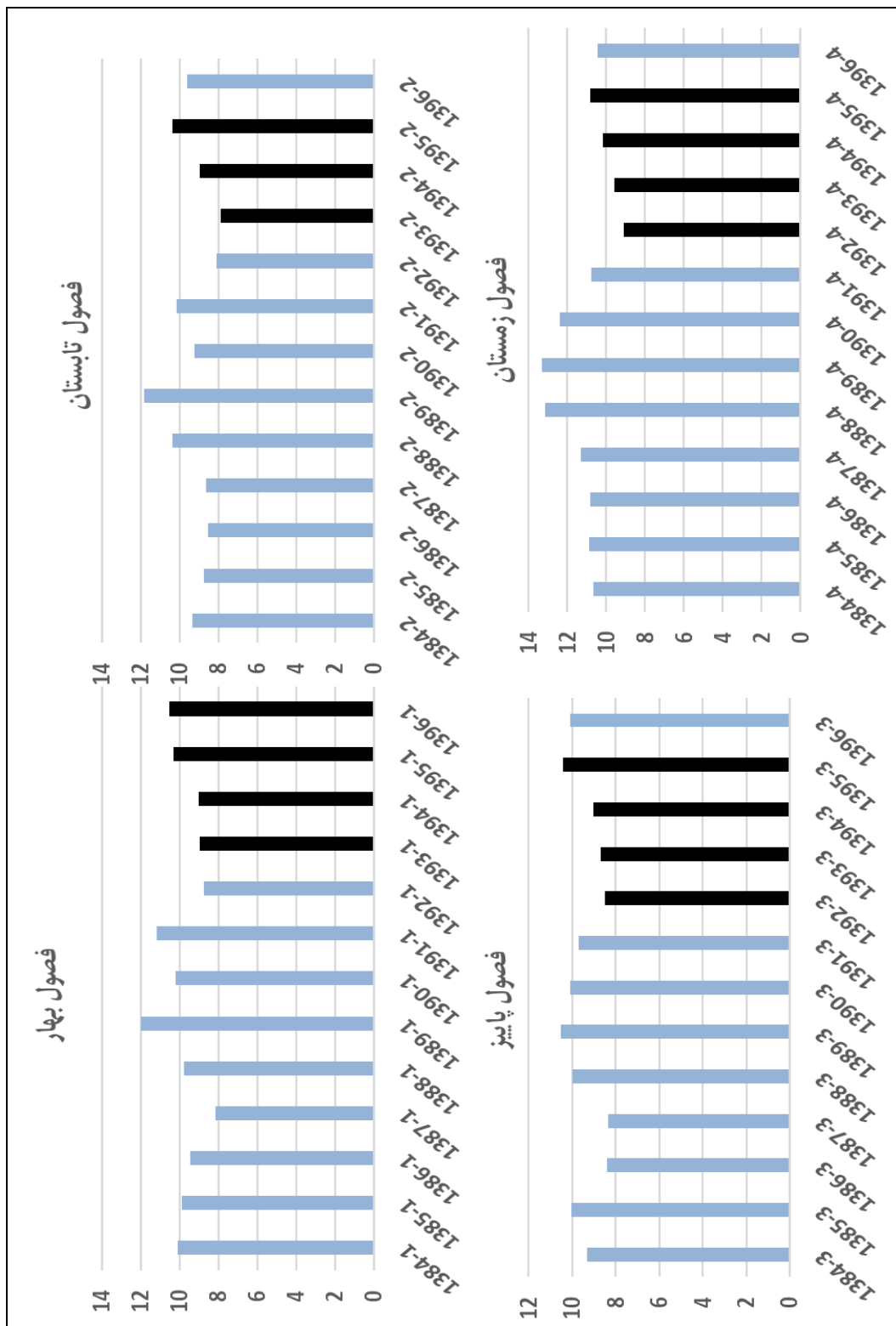
نمودار ۲۷. ساختار جنسیتی جمعیت بیکار در بازار کار ایران



مأخذ: همان.

(درصد)

نمودار ۲۸. نرخ بیکاری مردان

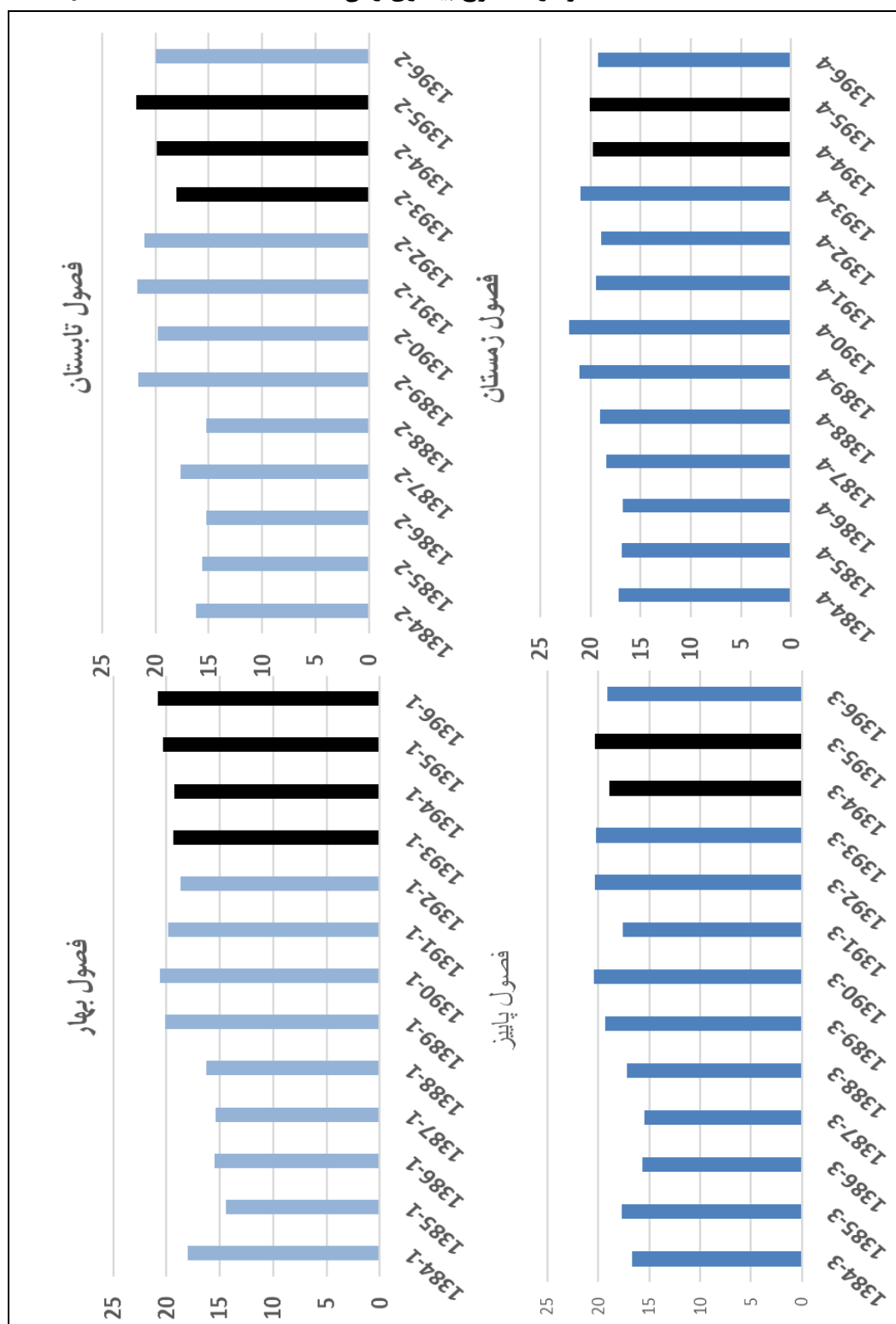


مأخذ: همان.



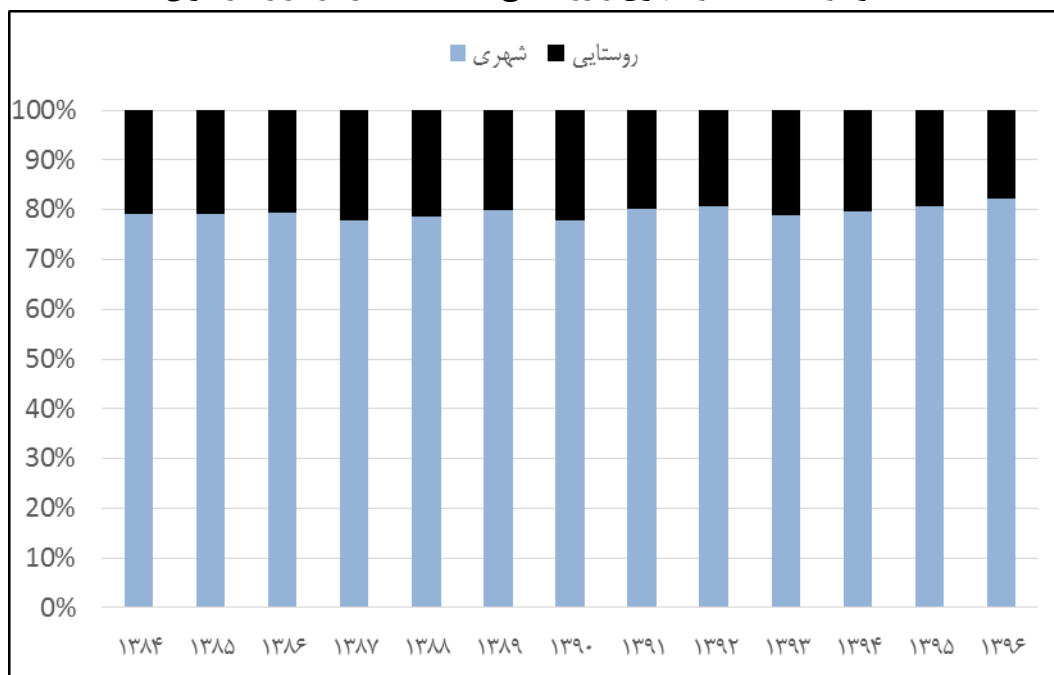
نمودار ۲۹. نرخ بیکاری زنان

(درصد)



مأخذ: همان.

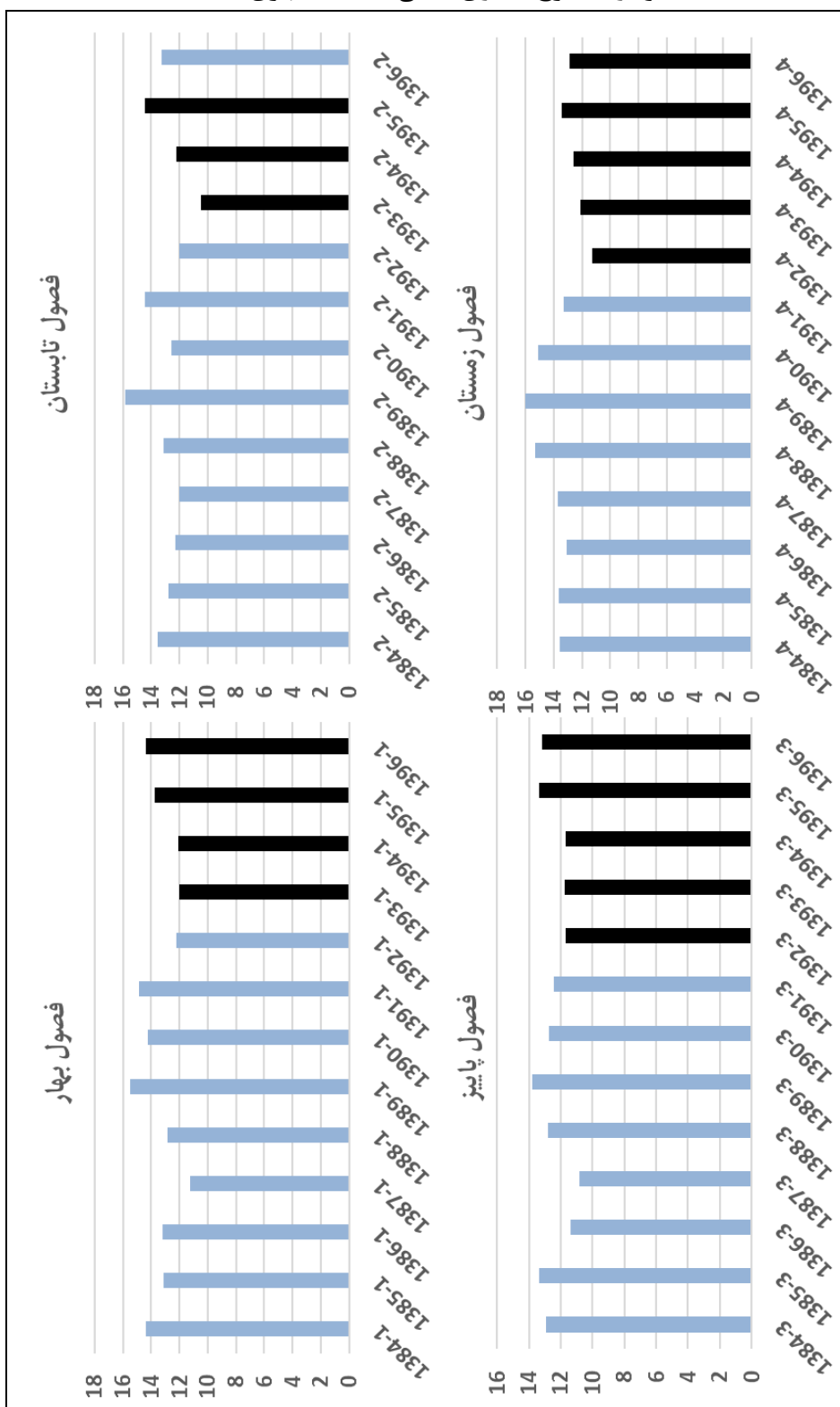
نمودار ۳۰. ساختار شهری و روستایی جمعیت بیکار در بازار کار ایران (درصد)



مأخذ: همان.



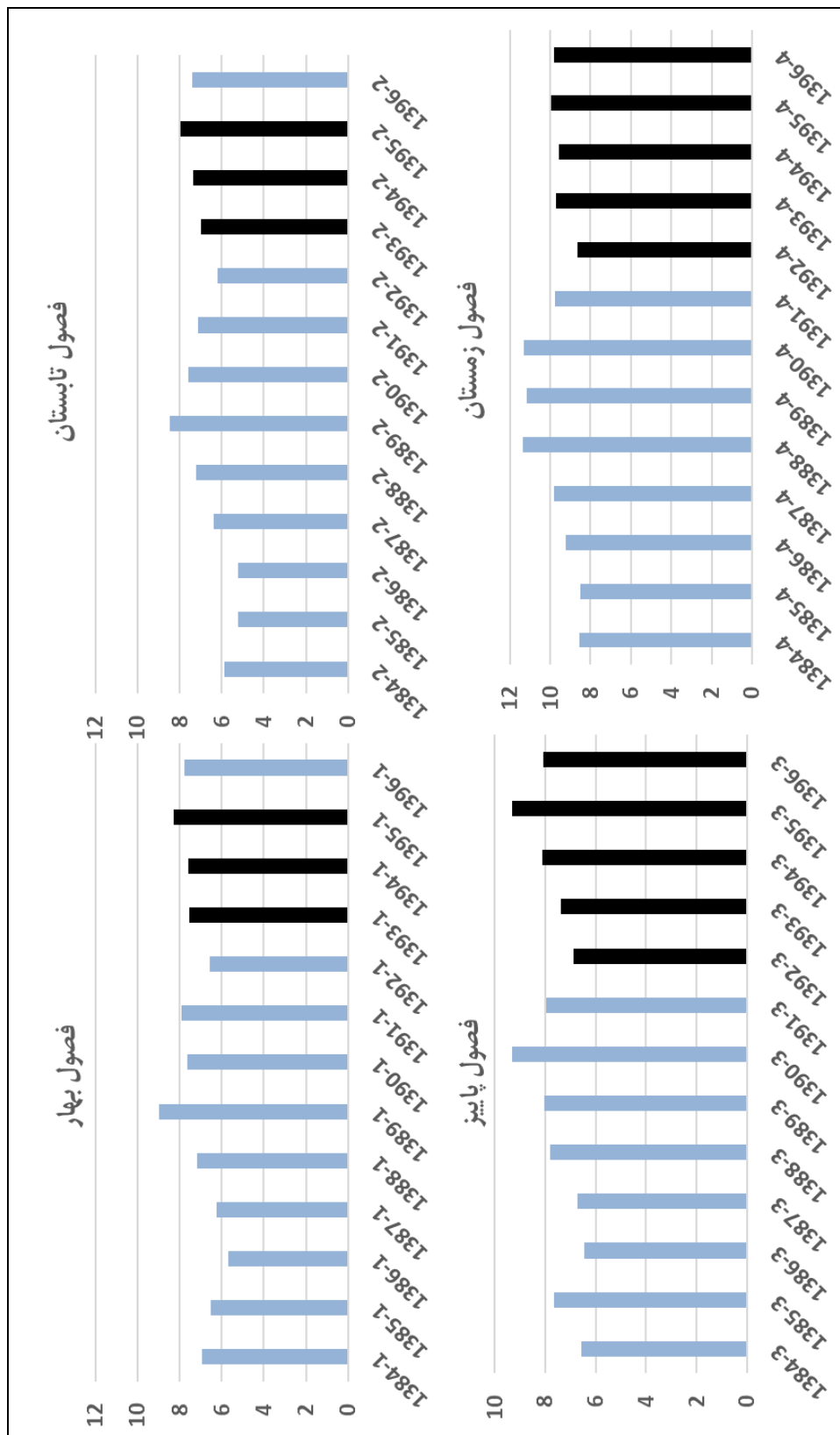
نمودار ۳۱. نرخ بیکاری فصلی جمعیت شهری (درصد)



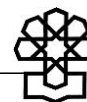
مأخذ: همان.

نمودار ۳۲. نرخ بیکاری فصلی جمعیت روستایی

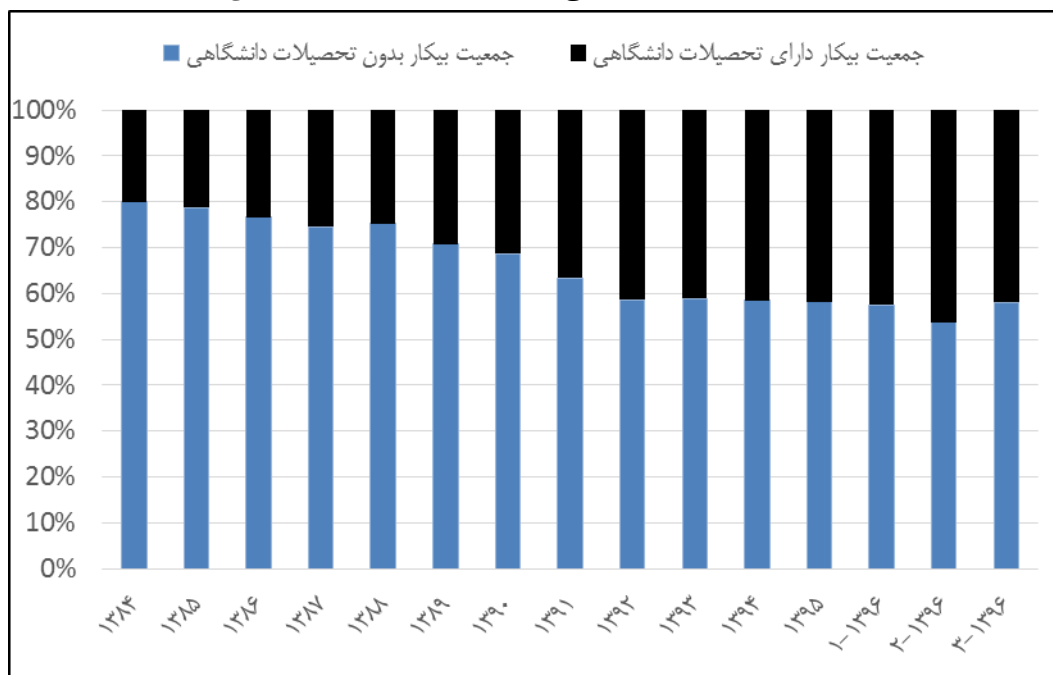
(درصد)



مأخذ: همان.

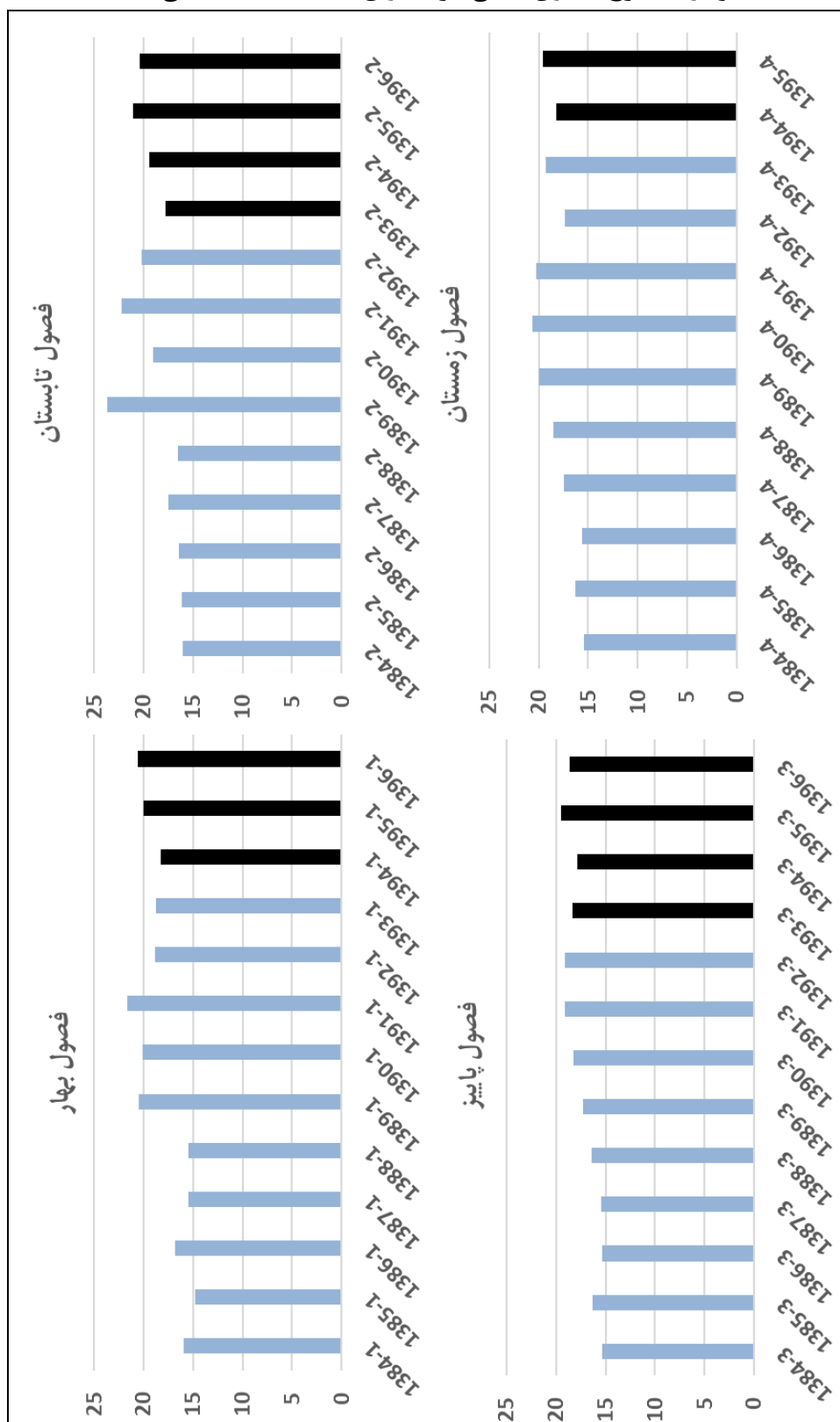


نمودار ۳۳. ساختار تحصیلی جمعیت بیکار در بازار کار ایران (درصد)



مأخذ: همان.

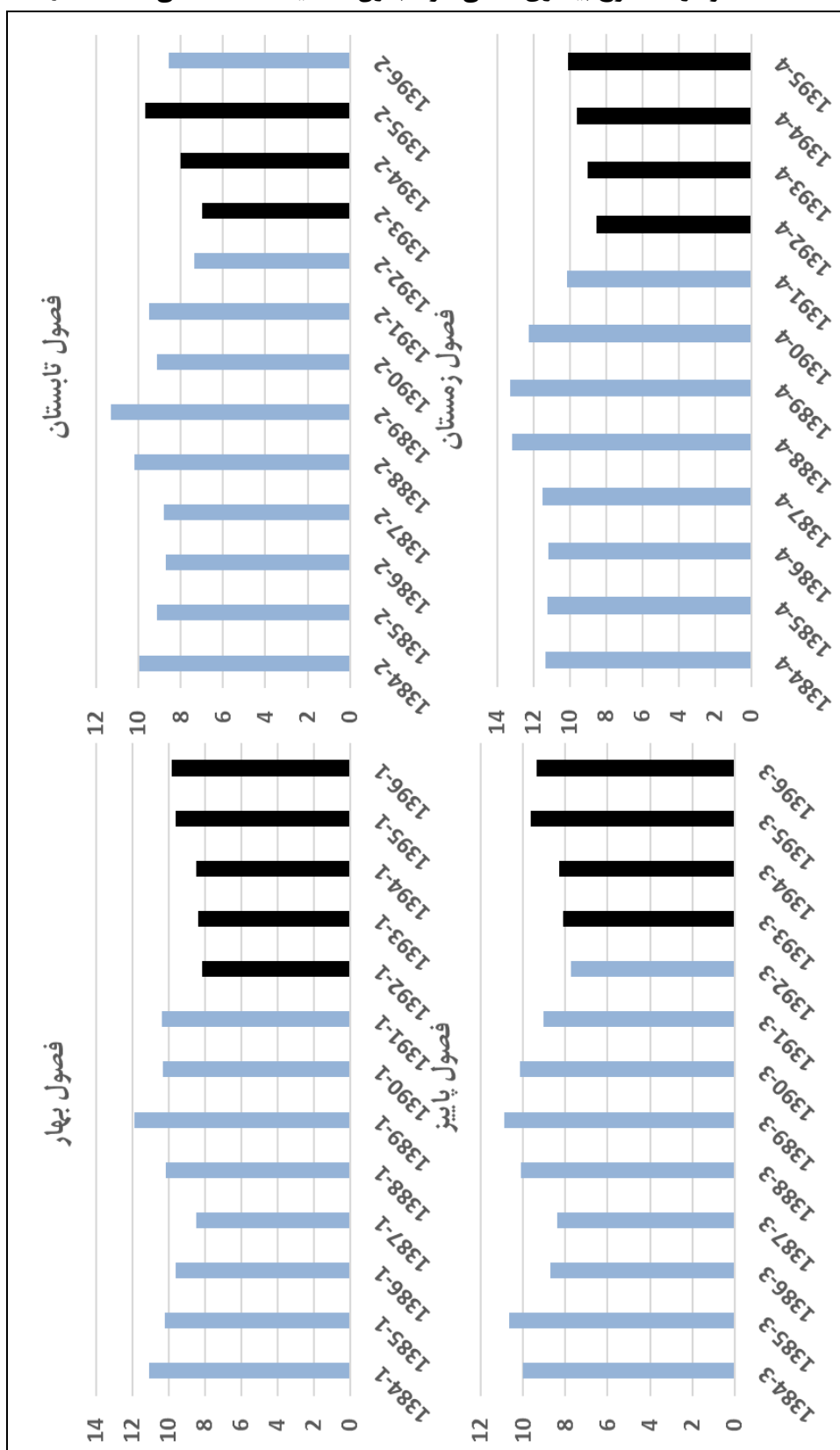
نمودار ۳۴. نرخ بیکاری فصلی افراد دارای تحصیلات دانشگاهی (درصد)



مأخذ: همان.



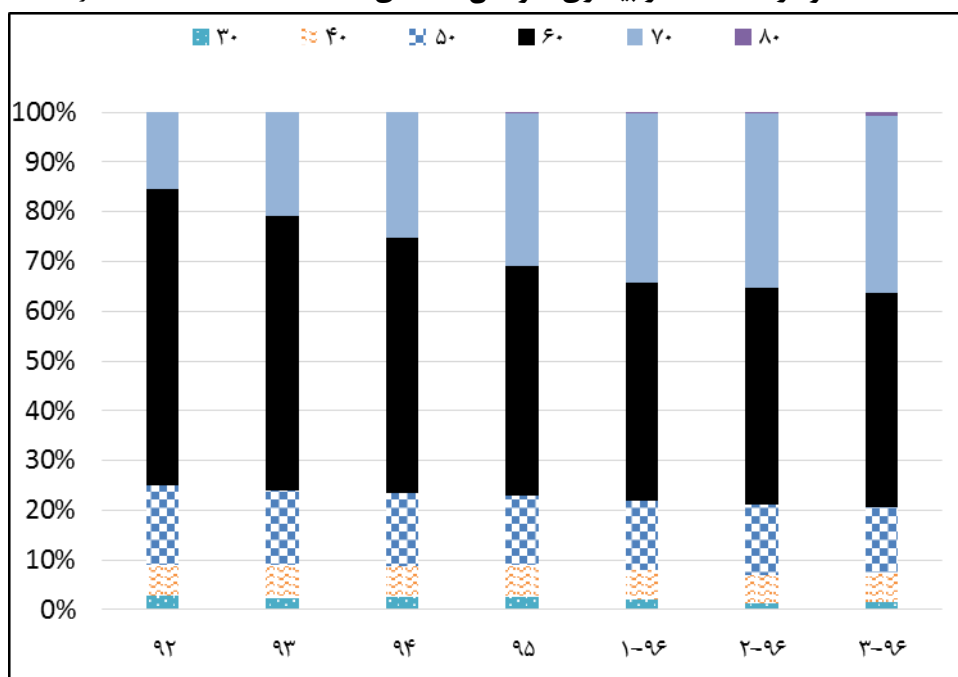
نمودار ۳۵. نرخ بیکاری فصلی افراد بدون تحصیلات دانشگاهی (درصد)



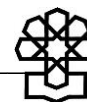
مأخذ: همان.

(درصد)

نمودار ۳۶. ساختار بیکاری متولدین دهه‌های مختلف



مأخذ: همان.



۳. پیوست جداول

جدول ۱. افزایش نرخ مشارکت در فصل پاییز ۱۳۹۶ نسبت به فصل پاییز ۱۳۹۳ (درصد)

نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت	استان
۲/۵	آذربایجان غربی	۷/۵	خراسان رضوی
۲/۴	کردستان	۷/۱	کهگیلویه و بویراحمد
۲/۱	چهارمحال و بختیاری	۶/۱	کرمان
۱/۸	گلستان	۵/۵	خراسان جنوبی
۱/۷	سیستان و بلوچستان	۵/۲	خوزستان
۱/۶	همدان	۴/۸	فارس
۱/۵	بوشهر	۴/۶	یزد
۱/۴	لرستان	۴/۶	زنجان
۱/۲	اصفهان	۴/۴	اردبیل
۰/۳	تهران	۴/۱	گیلان
۰/۲	مرکزی	۳/۸	قم
-۰/۲	آذربایجان شرقی	۳/۸	کرمانشاه
-۱/۶	سمنان	۳/۴	هرمزگان
-۲/۴	قزوین	۳/۴	خراسان شمالی
-۲/۴	ایلام	۳/۲	البرز
		۳/۲	مازندران

جدول ۲. نرخ بیکاری به تفکیک استان‌ها (پاییز ۱۳۹۶) (درصد)

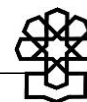
نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری	استان
۱۱/۱	آذربایجان شرقی	۲۵/۶	کرمانشاه
۱۱/۱	بوشهر	۲۱/۱	چهارمحال و بختیاری
۱۰/۹	کرمان	۱۵/۰	آذربایجان غربی
۱۰/۵	همدان	۱۴/۶	خوزستان
۱۰/۵	البرز	۱۳/۹	یزد
۱۰/۱	قزوین	۱۳/۷	اصفهان
۱۰/۰	مازندران	۱۲/۷	گلستان
۹/۶	ایلام	۱۲/۱	فارس
۹/۶	زنجان	۱۲/۱	لرستان
۹/۲	اردبیل	۱۲/۱	کردستان
۸/۸	خراسان رضوی	۱۱/۹	خراسان جنوبی
۸/۷	خراسان شمالی	۱۱/۸	گیلان
۸/۵	مرکزی	۱۱/۵	کهگیلویه و بویراحمد
۸/۳	سمنان	۱۱/۳	سیستان و بلوچستان
۷/۵	هرمزگان	۱۱/۲	تهران
		۱۱/۲	قم

جدول ۳. نرخ بیکاری به تفکیک استان‌ها (تابستان ۱۳۹۶)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
چهارمحال و بختیاری	۱۸/۳	بوشهر	۱۱/۰
کرمانشاه	۱۸/۰	هرمزگان	۱۰/۸
خوزستان	۱۴/۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰/۸
اصفهان	۱۴/۰	فارس	۱۰/۴
البرز	۱۳/۸	قم	۱۰/۲
تهران	۱۲/۵	خراسان رضوی	۱۰/۱
یزد	۱۲/۴	اردبیل	۹/۹
لرستان	۱۲/۱	خراسان شمالی	۹/۹
گلستان	۱۱/۹	زنجان	۹/۷
خراسان جنوبی	۱۱/۹	همدان	۹/۷
کردستان	۱۱/۷	مازندران	۹/۵
آذربایجان غربی	۱۱/۶	آذربایجان شرقی	۹/۵
کرمان	۱۱/۶	گیلان	۹/۲
ایلام	۱۱/۴	مرکزی	۸/۲
سیستان و بلوچستان	۱۱/۳	سمنان	۷/۱
قزوین	۱۱/۱		

جدول ۴. نرخ بیکاری زنان به تفکیک استان‌ها (پاییز ۱۳۹۶)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کرمانشاه	۲۹/۵	بوشهر	۱۸/۹
یزد	۲۹/۰	آذربایجان شرقی	۱۸/۳
کرمان	۲۷/۳	کردستان	۱۷/۴
لرستان	۲۵/۴	خراسان جنوبی	۱۷/۲
گلستان	۲۳/۴	قزوین	۱۷/۰
اصفهان	۲۲/۹	کهگیلویه و بویراحمد	۱۶/۲
خوزستان	۲۲/۶	گیلان	۱۶/۰
مازندران	۲۲/۶	آذربایجان غربی	۱۵/۷
البرز	۲۲/۵	زنجان	۱۴/۵
چهارمحال و بختیاری	۲۲/۳	خراسان رضوی	۱۲/۳
سیستان و بلوچستان	۲۰/۸	سمنان	۱۱/۴
تهران	۲۰/۷	همدان	۱۰/۰
فارس	۲۰/۵	هرمزگان	۹/۸
ایلام	۲۰/۰	اردبیل	۸/۴
مرکزی	۱۹/۸	خراسان شمالی	۸/۴
قم	۱۹/۳		



جدول ۵. نرخ بیکاری زنان به تفکیک استان‌ها (تابستان ۱۳۹۶) (درصد)

نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری	استان
۱۸/۶	فارس	۲۹/۵	کرمان
۱۸/۰	خراسان رضوی	۲۸/۶	چهارمحال و بختیاری
۱۷/۰	مرکزی	۲۷/۴	یزد
۱۶/۹	کهگیلویه و بویراحمد	۲۵/۶	لرستان
۱۶/۸	آذربایجان غربی	۲۴/۵	کردستان
۱۵/۵	قزوین	۲۴/۴	تهران
۱۵/۴	سیستان و بلوچستان	۲۴/۴	خراسان جنوبی
۱۵/۳	آذربایجان شرقی	۲۳/۴	خوزستان
۱۴/۸	همدان	۲۳/۲	کرمانشاه
۱۳/۴	سمنان	۲۲/۹	بوشهر
۱۲/۴	زنجان	۲۲/۷	اصفهان
۱۲/۱	گیلان	۲۲/۱	ایلام
۱۱/۵	خراسان شمالی	۲۱/۲	قم
۱۱/۲	هرمزگان	۲۰/۴	مازندران
۱۰/۰	اردبیل	۱۹/۸	گلستان
		۱۸/۹	البرز

جدول ۶. نرخ بیکاری جوانان به تفکیک استان‌ها (۱۳۹۶) (درصد)

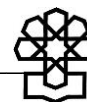
نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت	استان
۲۶/۶	اصفهان	۴۳/۹	کرمانشاه
۲۶/۱	آذربایجان غربی	۴۰/۶	چهارمحال و بختیاری
۲۴/۱	قم	۳۳/۸	ایلام
۲۴/۰	سیستان و بلوچستان	۳۱/۳	خراسان جنوبی
۲۴/۰	اردبیل	۳۱/۰	یزد
۲۳/۷	تهران	۳۰/۸	مازندران
۲۲/۶	مرکزی	۳۰/۷	گیلان
۲۱/۶	همدان	۳۰/۶	کهگیلویه و بویراحمد
۲۱/۱	البرز	۳۰/۳	کرمان
۲۰/۹	زنجان	۲۹/۵	خوزستان
۲۰/۸	قزوین	۲۹/۱	کردستان
۲۰/۵	سمنان	۲۹/۰	بوشهر
۲۰/۴	خراسان شمالی	۲۸/۷	لرستان
۱۸/۳	هرمزگان	۲۶/۹	فارس
۱۷/۸	خراسان رضوی	۲۶/۶	آذربایجان شرقی
		۲۶/۶	گلستان

جدول ۷. نرخ بیکاری جوانان به تفکیک استان‌ها (تابستان ۱۳۹۶) (درصد)

استان	نرخ مشارکت	استان	نرخ مشارکت
چهارمحال و بختیاری	۳۹/۰	تهران	۲۳/۸
کرمانشاه	۳۳/۸	بوشهر	۲۳/۳
ایلام	۳۲/۴	قزوین	۲۳/۲
خراسان جنوبی	۳۱/۰	یزد	۲۳/۱
خوزستان	۲۹/۵	فارس	۲۲/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲۹/۵	اردبیل	۲۲/۱
لرستان	۲۹/۲	هرمزگان	۲۱/۵
کردستان	۲۹/۰	همدان	۲۰/۹
کرمان	۲۷/۵	زنجان	۲۰/۸
گلستان	۲۶/۳	خراسان شمالی	۲۰/۵
سیستان و بلوچستان	۲۶/۰	البرز	۱۹/۸
اصفهان	۲۵/۷	مرکزی	۱۸/۹
گیلان	۲۵/۴	خراسان رضوی	۱۸/۵
آذربایجان غربی	۲۵/۳	قم	۱۷/۷
مازندران	۲۵/۱	سمنان	۱۶/۲
آذربایجان شرقی	۲۴/۴		

جدول ۸. نرخ بیکاری جوانان دارای تحصیلات دانشگاهی به تفکیک استان‌ها (پاییز ۱۳۹۶) (درصد)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کرمانشاه	۵۷/۹	بوشهر	۳۹/۸
چهارمحال و بختیاری	۵۶/۳	فارس	۳۷/۴
ایلام	۵۵/۵	زنجان	۳۷/۳
کرمان	۵۱/۳	البرز	۳۴/۸
سیستان و بلوچستان	۵۰/۸	خراسان رضوی	۳۴/۵
لرستان	۴۹/۳	خراسان شمالی	۳۰/۵
خراسان جنوبی	۴۸/۱	مرکزی	۳۰/۳
گیلان	۴۷/۶	همدان	۳۰/۳
کردستان	۴۵/۶	اصفهان	۳۰/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۴۵/۰	اردبیل	۲۸/۳
گلستان	۴۴/۸	تهران	۲۷/۶
مازندران	۴۴/۷	سمنان	۲۶/۲
یزد	۴۳/۶	قزوین	۲۵/۶
آذربایجان غربی	۴۲/۹	هرمزگان	۲۲/۶
آذربایجان شرقی	۴۲/۴	قم	۲۰/۴
خوزستان	۴۱/۸		



جدول ۹. نرخ بیکاری جوانان دارای تحصیلات دانشگاهی به تفکیک استان‌ها (تابستان ۱۳۹۶) (درصد)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
چهارمحال و بختیاری	۵۸/۲	بوشهر	۳۸/۰
آذربایجان شرقی	۵۶/۰	اردبیل	۳۷/۴
کردستان	۵۵/۵	زنجان	۳۶/۰
کرمانشاه	۵۲/۵	گیلان	۳۵/۷
خوزستان	۵۱/۷	همدان	۳۵/۶
کرمان	۵۰/۵	اصفهان	۳۵/۲
لرستان	۴۹/۱	یزد	۳۳/۳
ایلام	۴۸/۸	خراسان رضوی	۳۲/۱
خراسان جنوبی	۴۸/۴	تهران	۳۲/۰
آذربایجان غربی	۴۷/۳	مرکزی	۲۹/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۴۷/۰	قزوین	۲۸/۱
سیستان و بلوچستان	۴۵/۵	سمنان	۲۷/۲
خراسان شمالی	۴۴/۵	هرمزگان	۲۶/۲
گلستان	۴۴/۳	البرز	۲۵/۱
مازندران	۴۰/۴	قم	۲۳/۷
فارس	۳۹/۱		

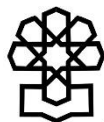
جدول ۱۰. نرخ بیکاری زنان جوان دارای تحصیلات دانشگاهی به تفکیک استان‌ها (بهار ۱۳۹۶) (درصد)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کردستان	۸۴/۹	یزد	۶۰/۶
کرمان	۷۹/۵	لرستان	۵۸/۶
اردبیل	۷۸/۲	خراسان رضوی	۵۸/۶
کرمانشاه	۷۶/۴	البرز	۵۷/۳
زنجان	۷۳/۴	اصفهان	۵۵/۶
گلستان	۷۱/۵	مازندران	۵۳/۶
فارس	۷۱/۴	خراسان شمالی	۵۰/۰
کهگیلویه و بویراحمد	۷۱/۳	بوشهر	۴۷/۴
ایلام	۶۹/۸	قم	۴۵/۰
خوزستان	۶۸/۶	مرکزی	۴۳/۸
چهارمحال و بختیاری	۶۶/۸	همدان	۴۲/۵
آذربایجان شرقی	۶۵/۵	هرمزگان	۴۱/۴
خراسان جنوبی	۶۳/۶	تهران	۴۱/۲
سیستان و بلوچستان	۶۳/۵	سمنان	۳۵/۱
آذربایجان غربی	۶۱/۳	قزوین	۲۹/۶
گیلان	۶۱/۰		

جدول ۱۱. نرخ بیکاری زنان جوان دارای تحصیلات دانشگاهی به تفکیک استان‌ها (تابستان ۱۳۹۶)

(درصد)

استان	نرخ بیکاری	استان	نرخ بیکاری
کرمانشاه	۸۱/۱	بوشهر	۵۴/۷
چهارمحال و بختیاری	۸۰/۶	گیلان	۵۰/۴
کردستان	۷۸/۹	یزد	۴۹/۹
کرمان	۷۴/۲	زنجان	۴۸/۷
خراسان جنوبی	۷۱/۳	اصفهان	۴۸/۴
ایلام	۷۰/۹	سمنان	۴۷/۶
خوزستان	۷۰/۴	سیستان و بلوچستان	۴۷/۱
آذربایجان غربی	۶۹/۲	قم	۴۵/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۶۹/۱	خراسان رضوی	۴۵/۱
آذربایجان شرقی	۶۷/۲	تهران	۴۱/۶
لرستان	۶۲/۳	مرکزی	۳۷/۴
خراسان شمالی	۶۱/۷	اردبیل	۳۷/۲
گلستان	۶۰/۲	البرز	۳۶/۲
فارس	۵۸/۹	قزوین	۳۳/۶
مازندران	۵۷/۰	هرمزگان	۲۶/۲
همدان	۵۶/۵		



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۰۲۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)

تهیه و تدوین کنندگان: مهران بهنیا، نورا بهنیا

همکار: فاطمه عزیزخانی

ناظر علمی: محمدرضا عبداللہی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بازار کار

۲. اشتغال

۳. بیکاری

۴. اشتغال ناقص

۵. نرخ مشارکت



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۶/۵